



مؤسسه آموزش عالی اطلاق و تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم



اسلام پرورش های روان شناختی

اسلام پرورش های روان شناختی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مدیر مسئول: دکتر محمد جواد زارعان
دبیر اجرایی: امیر عرفانی نژاد

صاحب امتیاز: دکتر محمد جواد زارعان
سرمدبیر: دکتر محمدرضا احمدی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

پست الکترونیکی: pajoohesh.ueae@gmail.com

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: journals.ueae.ir

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

اعضای هیأت تحریریه

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
دانشگاه تهران

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی
دکتر هادی بهرامی احسان

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان
آیت الله سید محمد غروی راد

دانشگاه بقیة الله عجل الله تعالی فرجه
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دکتر علی فتحی آشتیانی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی
حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۲۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ درجه علمی دوفصلنامه از علمی - ترویجی به علمی - پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی SID, Noormags, Magiran و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، پیشینه تحقیق، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها

(شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعداد از نقطه (.) استفاده شود.

نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمایم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و از طریق سامانه مجله به نشانی <http://journals.ueae.ir> ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤل مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.

- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش دوفصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.

- مسؤلیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤل آن است.

- فرم تعهدنامه نیز تکمیل و در سامانه بارگذاری گردد.

فهرست مطالب

- مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی و استخراج مؤلفه‌های آن براساس منابع اسلامی ۷
فاطمه کارگر شورکی / محمدصادق شجاعی
- طراحی و ساخت مقیاس زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه
اسلامی (مقیاس اولیه) ۳۷
محمد زارعی توپخانه / راضیه جعفری / علی زهیری هاشم آبادی / حدیث چراغیان
- تأثیر روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی ۶۵
محمدعلی ضیایی / منصوره زارعان / علی توکلی
- بررسی مقایسه‌ای سطح شادکامی والدین دارای یک و چند فرزند ۸۱
علی بیات
- نقش سه‌گانه تاریک شخصیت در ابعاد مقابله دینی با میانجی‌گری تصور از خدا.. ۹۵
مجتبی کرمی / محمدتقی تیبیک / محمدرضا حسن زاده توکلی
- نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و
کارآمدی خانواده ۱۲۱
فاطمه شیرچی / فاطمه محسن زاده

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۷-۳۶)

مفهوم شناسی مرگ آگاهی و استخراج مؤلفه های آن براساس منابع اسلامی

Conceptualization of the death awareness and extraction of its components based on Islamic sources

فاطمه کارگر شورکی / کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

محمدصادق شجاعی / دکتری روان شناسی، استادیار روان شناسی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Fatemeh Kargar / Master's degree, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran

f.kargar194@chmail.ir

Mohammad Sadeq Shujaie / Assistant Professor of Psychology, Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

This research has been done with the aim of developing a conceptual model of death awareness, based on religious texts and checking its validity. At first, with a qualitative approach with the strategy of "lexical search" by means of 39 related words, religious propositions were collected using targeted sampling and based on the principle of saturation in Islamic sources, and were analyzed using the method of qualitative analysis of the content of religious texts. Then, in order to ensure their compatibility with the content of religious texts on the one hand and its application in the field of psychology on the other hand, the validity of the findings was evaluated using the opinions of experts by 10 experts by calculating the content validity index (CVI) and the content validity ratio (CVR) was investigated. The findings showed that the death awareness is psychological construct, based on continuous attention to the truth of death in the framework of Islamic thought, which, as an all-encompassing, definitive, and mysterious phenomenon,

چکیده

این پژوهش، با هدف تدوین مدل مفهومی مرگ آگاهی براساس متون دینی و بررسی میزان روایی آن انجام شده است. در ابتدا با رویکردی کیفی با راهبرد «جست وجوی واژگانی» به وسیله ۳۹ واژه مرتبط، گزاره های دینی با استفاده از نمونه گیری هدفمند و براساس اصل اشباع در منابع اسلامی، جمع آوری و با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی مورد بررسی قرار گرفت. سپس اعتبار یافته ها با استفاده از ارزیابی نظرات متخصصان به وسیله ۱۰ کارشناس با محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان دادند که مرگ آگاهی، سازه ای است روان شناختی، مبتنی بر توجه پیوسته به حقیقت مرگ در چارچوب اندیشه اسلامی که به عنوان یک پدیده فراگیر، قطعی، پرمهر و راز، به زندگی انسان، معنای الهی داده و موجبات آرامش و تلاش مؤثر را برای تأمین سعادت غایی

gives divine meaning human life and causes peace and effective effort and provides for ultimate happiness. Also, by inferring from Islamic verses and narrations, the components of death awareness, reached ten components: comprehensiveness, certainty, ambiguity, peacefulness, meaning making, superiority of other world, belief in resurrection day, accepting the death, thinking about death and continuous intention to it

Keyword: Death, awareness, death awareness, Islamic sources.

فراهم می‌آورد. همچنین، با استنباط از آیات و روایات اسلامی، مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی، به ده مؤلفه: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، آرام‌بخش بودن، معنابخش بودن، برتر بودن آخرت، معادباوری، مرگ باوری، مرگ اندیشی و توجه مستمر، رسید و بستر مناسبی را برای تدوین پرسشنامه و بسته آموزشی این سازه فراهم نمود.

کلیدواژه‌ها: مرگ، آگاهی، مرگ‌آگاهی، منابع اسلامی.

مقدمه

مرگ، یکی از فرایندهای غیرقابل اجتناب زندگی است و به این علت که در پایان زندگی رخ می‌دهد اطلاعات و تجربه کمی درباره آن وجود دارد (وانگ^۱، ۲۰۱۵). به گواه تاریخ، تفکر درباره ماهیت مرگ از نخستین روزهای تاریخ حیات معقول آدمی وجود داشته و به دنبال آن نیز انسان، اضطراب و ترس از مرگ را تجربه کرده است. ابن‌سینا و ملاصدرا، علت اصلی ترس از مرگ را جهل انسان‌ها نسبت به واقعیت مرگ و حوادث پس از آن دانسته‌اند (عبدالخالق، ۱۹۹۸). وجودگرایان، معتقدند با وجود اینکه مرگ واضح‌ترین و قابل درک‌ترین دلواپسی غایی بشر است، اضطرابی در فرد برمی‌انگیزد که برای بیشتر انسان‌ها قابل تحمل نیست، به‌گونه‌ای که اغلب از آگاهی هشیار افراد دور نگه داشته می‌شود (کوبلرراس^۲، ۲۰۰۹؛ می و یالوم^۳، ۲۰۰۰؛ روزنبلاد، گرینبرگ، سولومون، پیژینسکی و لاین^۴، ۱۹۸۹؛ یالوم، ۱۹۸۰؛ محمدپور، ۲۰۱۱). اما، اگر سلامتی را بسط هشیاری و خودشناسی تعریف کنیم (قربانی، ۲۰۱۳) و رویارویی را جوهره تمام فنون روان‌درمانی بدانیم (مک کالو و همکاران^۵، ۲۰۰۳)، ارزش رویارویی واقعی با مرگ و مرگ‌آگاه شدن برابر با تمام درمان است (یالوم، ۱۹۸۰؛ می و یالوم، ۲۰۰۰؛ علی‌اکبری دهکردی

1. Wong, W.

2. Kubler-Ross, E.

3. May, R., & Yallom, I.

4. Rozenblad Rosenblatt, A., Greenberg, J., Solomon, S., Pyszczynski, T., & Lyon, D.

5. McCullough, L., Kuhn, N., Andrews, S., Kaplan, A., Wolf, J., & Hurely, C.

و دلیر، ۲۰۰۹) چراکه، راه دادن هیچ محرکی به هشیاری به اندازه راه دادن مرگ به هشیاری باعث بسط هشیاری و خودشناسی نمی‌شود (یالوم، ۱۹۸۰؛ فایرستون و کتلت^۱، ۲۰۰۹).

در یک بررسی کلی، نتایج نشان داد روان‌شناسان تا چندی قبل، مفهوم مرگ را مرحله انتقالی در چرخه زندگی نمی‌دانسته و حتی بررسی آن را چندان خوشایند نمی‌دیدند اما در این اواخر، به‌طور جدی و به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی رشد، بدان پرداخته‌اند. همچنین، بررسی‌ها، خطوط مقدم تحقیق پیرامون مسئله مرگ در روان‌شناسی را، نگرش‌های اقشار مختلف جامعه نسبت به مرگ، اضطراب مرگ و درمان روان‌بیماران لاعلاج دانست و اعلام نمود این تلاش‌ها در ادامه، باعث به وجود آمدن بیمارستان‌های روانی متعددی برای این دست از بیماران و باز شدن مسیر تحقیق و پژوهش در حوزه مرگ‌شناسی شده است (کاستنبرگ^۲، ۲۰۰۳، ص ۹۷). در این مسیر، روان‌شناسان برای تعیین نگرش اجتماع نسبت به مرگ، صدها پژوهش بر روی مردان، زنان، بیماران در آستانه مرگ و حتی کودکان انجام داده‌اند که نتایج برجای مانده از آنها را می‌توان در چند نکته خلاصه نمود: نخست، اکثریت قریب به اتفاق مردم درباره مرگ، می‌اندیشند، اما تنها میان عده‌ای از ایشان هراس از مرگ وجود دارد. تعداد کسانی که به‌طور دائم درگیر اندیشه مرگ هستند و از آن هراس دارند، اندک است. زنان اغلب بیشتر از مردان از مرگ می‌هراسند، اما به‌طورکلی، تفاوت هراس از مرگ، میان دو جنس، ناچیز است. همچنین، هراس از مرگ با افزایش سن، افزایش پیدا نمی‌کند و سرانجام اینکه در مواجهه با مرگ خویش، نگرانی‌های اغلب مردم عبارتند از: درد ضمنی (نگرانی از داشتن مرگ دردناک)، وابستگی به هنگام مرگ، تنهایی و بدون یاور ماندن در هنگام مرگ و نگران اوضاع بازماندگان و خویشان خود بودن (همان، ص ۱۰۷).

در ادامه روان‌شناسان به حوزه‌های دیگر مربوط به مرگ، همچون کشتن^۳، کشته شدن^۴، خودکشی^۵، جنگ، سوگواری^۶، مرده‌خواهی^۷ و تجربه‌های نزدیک به مرگ^۸ وارد شدند.

1. Firestone, R., & Catlett, J.

2. Castenberg, R.

3. kill.

4. to be killed.

5. Suicide.

6. Mourning.

7. Necrophilia.

8. Near-Death Experiences.

با پیشرفت هرروزه علم روان‌شناسی، روان‌شناسان شروع به صورت‌بندی تحقیقاتشان در قالب نظریه کردند. به‌عنوان نمونه، نگه‌نگی^۱ مرگ را واجد دو ویژگی مهم و متمایزکننده «اجتناب‌ناپذیر بودن (تجربه مشترک همه انسان‌ها) و برگشت‌ناپذیری» می‌داند و یک تقسیم‌بندی سه مرحله‌ای در مورد ادراک معنای مرگ در انسان انجام داده است (بلاکهام^۲، ۱۳۶۸، ص ۱۲۵). پیازه^۳، قائل به وجود یک سطح عملی انتزاعی یا به عبارت بهتر، توانایی تفکر درباره مرگ است که تا اوایل نوجوانی (۱۲ سالگی به بعد) به وجود نمی‌آید و شاید تا فرد رویدادهای عالی ذهنی را گسترش نداده باشد، قادر به استنباط کامل پایان‌پذیری زندگی و اجتناب‌ناپذیری مرگ نیست و تنها در این سنین است که مرگ را به‌عنوان یک مقوله انتزاعی درک می‌کند و تا قبل از این سن، تفکر کودکان عینی و تابع لفظ و صورت است (ادوارد و وارد^۴، ۱۳۷۷). فروید^۵، در اوایل جنگ جهانی اول در مقاله‌ای به‌عنوان «اندیشه‌های درخور ایام جنگ و مرگ» می‌نویسد: «اگر می‌خواهی زندگی را تاب آوری، خود را برای مرگ آماده کن» (فروید، ۲۰۰۱، ص ۲۶۱). از نظر او «اروس^۶» مایه دوستی و صیانت ذات است اما «تاناتوس^۷»، «موجب مرگ و نیستی و عداوت و انهدام نسل است (همان، ص ۷۴). فروید به دو گزینه مرگ و زندگی در وجود انسان معتقد بود و می‌گفت بیشتر اوقات در کشاکش بین لبه «غریزه زندگی^۸» و «غریزه مرگ^۹»، غلبه با غریزه مرگ است و به‌طور معمول، نیروی مخرب‌کننده، قوی‌تر از نیروی سازنده است (لپ^{۱۱}، ۱۳۷۱، روان‌شناسی مرگ، ص ۷۸). او همچنین،

1. Marie Negi.

2. Buckman, R.

3. Piaget.

4. Edward and Ward.

5. Freud.

6. Eros.

7. Tanatos.

۸. واژه «تاناتوس» که به غریزه مرگ ترجمه شده به فرشته «مذکر بالدار» گفته می‌شود که مجسم‌کننده مرگ است (رایچ در ادبیات یونان باستان).

9. life instinct.

10. death instinct.

11. Lap, A.

«سادیسیم»^۱ و «مازوخیسیم»^۲ را دو چهره از همان تمایل ویرانگر به شمار می‌آورد. فروم^۳، غریزه مرگ و محصول آن گرایش به ویرانگری را پیامد زیستن نادرست و در حقیقت پدیده‌ای ثانوی نسبت به شکست در هنر زیستن می‌داند. وقتی که غریزه مرگ، بر سایر گرایش‌های انسان تسلط می‌یابد، نشانگر اختلال دماغی است و برخلاف نظر فروید، پدیده‌ای بهنجار محسوب نمی‌شود (حقایق و کجیاف، ۱۳۹۵، ص ۷). یالوم، فرض می‌کند که رابطه مستقیم بین آگاهی از مرگ و ترس پس از آن وجود دارد (هالتروف^۴ ۲۰۱۰). او اندیشیدن و رویارویی با مرگ را تجربه‌ای برانگیزاننده می‌داند که باعث می‌شود افراد به طرز چشمگیری تغییرات مثبت در زندگی‌شان ایجاد کنند. آنها با تحقیر مسائل پیش‌پاافتاده روزمره، به زندگی خود سروسامان می‌دهند و این قدرت را به دست می‌آورند که دست به کارهایی بزنند که از قبل، مایل به انجام آن نبوده‌اند. پیوندهایشان با دیگران قوی‌تر و نسبت به مواهب زندگی قدردانی می‌کنند (یالوم، ۲۰۰۸). فرانکل^۵، که به عنوان پدیدآورنده معنادرمانی فردی شناخته شده است، نه تنها مرگ را تهدید نمی‌داند بلکه معتقد است مرگ، انسان را وادار می‌کند که از زندگی استفاده حداکثری کند و از هر فرصتی برای انجام کارهای معنادار، استفاده نماید. بنابراین، توجه به مرگ می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت و زندگی کامل شود (شارف^۶، فیروزبخت، ۱۳۹۲). از نگاه خانم کوبلرراس، انسان در فرایند مردن، باید آگاهانه مرگ خویش را بپذیرد (کوبلرراس، ۱۳۸۶) چراکه، مرگ‌آگاهی، می‌تواند به افراد کمک کند که به سلامت جسمانی خود اهمیت داده و ارزش‌های فراانسانی و نوع‌دوستانه را در نظر بگیرند، دیگران را دوست بدارند، ارتباط سالم و آرام‌بخشی با دیگران برقرار کنند، کارهای خیرخواهانه انجام بدهند، نگرش بازتر و خوش‌بینانه‌تری داشته و در نهایت از سلامت روان بالاتری برخوردار باشند (کنس و جکوب^۷، ۲۰۱۵). درواقع، مرگ‌آگاهی، الهام‌بخش بوده و با نوآوری همراه است و کمک می‌کند تا فرد به عالمی ورای خود بپیوندد (گرینبرگ، کول و پیژینسکی^۸، ۲۰۰۴).

1. Sadism.

2. Masochism.

3. Fromm.

4. Hoelterhoff, M. E.

5. Frankl.

6. Sharf.

7. Kenneth, V & Jacob, J.

8. Greenberg, J., Koole, S. L., & Pyszczynski, T.

مرگ‌آگاهی^۱ در اصطلاح، به تلاش‌هایی که افراد برای آگاهی از چیستی و حقیقت مرگ انجام می‌دهند، گفته می‌شود (استین و کروپانزانو^۲، ۲۰۱۱). البته به نظر می‌رسد مرگ‌آگاهی، مفهومی فراتر از مرگ‌اندیشی است که علاوه بر جنبه‌های شناختی وجود مرگ، ابعاد هیجانی (عاطفی) و رفتاری انسان درباره مرگ را نیز در برمی‌گیرد. در واقع، مرگ‌آگاهی، همان آوردن مرگ به سطح هشیاری و ارجاع آن به حوزه عمل است (قنبری و مشایخی، ۱۳۹۱). طبق یک تقسیم‌بندی، مرگ‌آگاهی را می‌توان به دو نوع مجزای اضطراب مرگ و مرگ‌اندیشی در نظر گرفت که با افزایش بُعد مرگ‌اندیشی، بُعد اضطراب مرگ در آدمی کاهش می‌یابد (گرت و وید بنزونی^۳). در واقع، شاید بهتر باشد که گفته شود که مرگ‌آگاهی دو پیامد عمده، اضطراب مرگ و مرگ‌اندیشی را با خود به همراه دارد.

در خصوص مطالعات و تاریخچه پژوهشی در مورد مرگ‌آگاهی، می‌توان گفت که پژوهش‌ها در دو حوزه روان‌شناختی و اسلامی کار شده است. در حوزه روان‌شناختی، مداخلات مرگ‌آگاهی دو دسته هستند: دسته‌ای از مداخلات برای پژوهش‌ها و دسته‌ای دیگر در کار بالینی و درمانی به کار رفته‌اند (یالوم، ۱۹۸۰، فصل پنجم؛ کوپر^۴، ۲۰۰۳، ص ۷۶). این دسته اخیر را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: روش‌های طبیعی و روش‌های مصنوعی. در روش‌های طبیعی، مداخله بر حالتی از نزدیکی به مرگ که به صورت طبیعی رخ داده، متمرکز می‌شود، مانند سرطان و ایدز. در روش‌های مصنوعی، درمانگر آگاهی از مرگ را برای مراجع می‌آفریند، مانند این‌که مراجع، آگاهی ترسیم خود را بنویسد. برای نمونه، ویسنسکا^۵ (۱۹۹۹) در پژوهشی نشان داد که آگاهی از مرگ موجب افزایش مسئولیت‌پذیری در افراد می‌شود و همچنین افزایش آگاهی از مرگ می‌تواند به غلبه کردن ما در ترس از مرگ کمک کند و در عین حال بهتر است که به جای انکار مرگ و عدم بحث و گفتگو در مورد آن، به افراد کمک شود تا با آگاهی، با واقعیت مرگ مواجه شوند. نتایج یک تحقیق هم‌سو نیز نشان داد که به‌طور کلی، افراد روان‌رنجور برای اینکه مرگ را بیاد نیاورند از یک سری دفاع‌ها استفاده

1. Death awareness.

2. Stein, J. H., & Cropanzano, R.

3. Grant, A. M. & Wade-Benzoni, K. A.

4. Cooper, M.

5. Wyczońska, A. W.

می‌کنند تا اضطراب افکار مرگ را کاهش دهند (ماکس فیلد^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). یافته‌های پژوهشی دیگری، نشان داد گروهی که به‌طور واقعی با مرگ خود روبه‌رو می‌شوند و نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کنند، نسبت به گروه کنترل، هیجان‌ات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند (گرنسن^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، نتیجه یک پژوهش حاکی از آن است که آموزش مرگ (مرگ‌آگاهی) منجر به تغییر در ادراک، رفتارها و نگرش‌های پرستاران و دانشجویان پرستاری شده است (ژانگ، هو، زنگ، ما و لی^۳، ۲۰۲۰).

در مورد مرگ و مرگ‌آگاهی با رویکرد اسلامی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. برای نمونه، مظفری‌ورسی (۱۳۹۲)، ضمن مفهوم‌شناسی و بیان انواع مرگ به جنبه‌های مذهبی، اخلاقی و روان‌شناختی آن اشاره نموده و در ادامه به موانع، راهکارها، آسیب‌ها و آثار مثبت مرگ‌اندیشی براساس آموزه‌های اسلامی پرداخته است. عسگری یزدی، قمی و رازآبادی (۱۳۹۷) بعد از تبیین ماهیت مرگ، به بررسی و مقایسه نقش مرگ در معنا بخشی به زندگی از نگاه حکمت صدرایی و اگزیستانسیالیسم الحادی پرداخته‌اند. زندی و موسوی (۱۳۹۶) با استفاده از رویکرد وجودی نگر به تبیین کلی روایات مرگ پرداخته و نشان داده‌اند که مرگ‌آگاهی از طریق برخی متغیرهای میانجی (خودشناسی، هوشیاری و مراقبه) زندگی را معنادار و اصیل می‌کند. ایمانی خوشخو و اسماعیلی (۱۳۹۴) به بازخوانی مفهوم مرگ و رابطه متقابل میان یاد مرگ و آثار آن پرداخته‌اند. طاهری سرتشنیزی و موسوی (۱۳۹۱) در پژوهشی ضمن بررسی فهم درست از مرگ و حیات به این نتیجه دست یافته است که تقویت ایمان عامل بنیادی برای مرگ‌آگاهی و زدودن غفلت در این زمینه می‌باشد. ملکشاهی بیرانوند و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافتند که مداخله مبتنی بر مرگ‌آگاهی به کاهش اضطراب مرگ و کاهش علائم اختلال وحشت‌زدگی منجر می‌شود. فرحبخش، کاظمیان و ردایی (۱۳۹۶) در پژوهشی از نوع مطالعات کیفی مدعی شدند که فرایند مرگ‌آگاهی و بینش نسبت به واقعیت مرگ از طریق تقویت علاقه اجتماعی، مثبت‌اندیشی و افزایش سطح آسایش و امنیت روانی مراقبت‌کنندگان بیماران سرطانی و بهبود

رضایت آنها از وضعیت زندگی خویش و دشواری‌های آن، سازگاری با فرایند مراقبت و وضعیت حاصل از بیماری فرد سرطانی را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. صالحی و اکبرزاده

1. Maxfield, M., Solomon, S., Pyszczynski, T., and J Greenberg, J.

2. Goranson, A., Ritter, R.S. Waytz, A, Norton, M.I, Gray, K. Dying.

3. Zhang, H. Hu, M. Zeng, L. Ma, M & Li, L.

(۱۳۹۴) در پژوهش کیفی خود به تحلیل دیدگاه اسلامی و اگزستانسیالیسم در زمینه مرگ‌آگاهی و پیامدهای مختلف آن بر سبک زندگی با هدف شناخت دقیق وجوه تشابه و تفاوت دو نظریه پرداخته‌اند. قانع‌راد و کریمی (۱۳۸۵)، با نگاه پدیدارشناختی، دریافتند که بارزترین تمایز موجود در مجموعه تصورات از مرگ، متأثر از فهم‌های مذهبی است و خانواده، سهمی اساسی در فرایند چنین فهمی دارد. همچنین اعتقاد به خدا و جهان پس از مرگ (معاد)، پذیرش نسبی واقعیت مرگ و ترس ناشی از آن و اندیشه موقت یا دائمی مرگ، بخشی از معانی نهفته تجربه ذهنی مرگ را تشکیل می‌دهند. توان، جهانی و حکمت‌پور (۱۳۹۲)، در پژوهشی کیفی، دریافتند که مرگ مرحله‌ای از تکامل زندگی بشر است و توجه و اندیشیدن به مرگ و جهان آخرت، انسان‌ها را از گناهان و خواهش‌های نفسانی دور می‌کند و نقش بسزایی در سازندگی آنان دارد. و سرانجام احمدی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی بدین نتیجه رسیدند که بیماری سرطان، ضمن یادآوری مرگ برای افراد مبتلا، موجب می‌گردد که برخی از مقابله‌های مذهبی در سبک زندگی آنها پدیدار شده یا افزایش یابد. به‌عنوان نمونه، این بیماران پس از ابتلا، بیشتر تمایل داشتند که به انجام خیرات به فقرا و همین‌طور توسل به امامان علیهم‌السلام و زیارت بپردازند.

اما مطابق بررسی‌ها، در آثار روان‌شناسان، ناخواسته یا ناتوانسته، اشاره‌ای به آموزه‌های غنی اسلامی در زمینه مفهوم مرگ‌آگاهی و به‌ویژه مؤلفه‌های آن نشده است و نیز پژوهشگران اسلامی این مفهوم را یا به‌طور مستقیم و کامل مورد مطالعه قرار نداده و یا از زاویه روان‌شناسی آن را بررسی نکرده‌اند. بنابراین، این آموزه نیازمند بررسی‌های جامع‌تر در حیطه منابع اسلامی بوده و تبیین‌های روان‌شناختی دقیق‌تری را می‌طلبد. لذا به نظر می‌رسد، این پژوهش بتواند ارزش‌های روان‌شناختی مفهوم مرگ‌آگاهی را از منابع اسلامی اکتشاف و زمینه‌های عملیاتی‌سازی آن را مطرح سازد. بنابراین، این پژوهش در پی آن است که با رویکردی تأسیسی و براساس روشی کیفی مجموع مفاهیم موجود مشیر به مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی را در یک مدل مفهومی مورد بررسی قرار داده و میزان روایی آن را بسنجد. همچنین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سؤال است که مؤلفه‌های روان‌شناختی مفهوم مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی کدامند؟

روش پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹ الف) استفاده

شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن (مفاهیم، واژه‌ها، گزاره‌ها) است که با به‌کارگیری اصول معناشناسی زبانی (شجاعی، جانبزرگی، عسگری، غروی‌راد و پسندیده، ۱۳۹۳) صورت می‌گیرد. جامعه متنی این پژوهش، قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه بود. نمونه‌گیری به صورت شبکه‌ای^۱ و واحدهای نمونه‌گیری، گزاره‌های ناظر به مرگ آگاهی بودند. فرایند پژوهش به این شکل بود که ابتدا با استفاده از راهبرد «جستجوی واژگانی» در منابع اسلامی، تمامی کلید واژه‌های که در ارتباط با مفهوم مرگ (به معنای عام) که ۳۹ مورد شد^۲، شناسایی، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس با استفاده از اصل هم‌معنایی^۳، تقابل معنایی^۴ و حوزه واژگانی^۵ از اصول معناشناسی زبانی در چندین رفت و برگشت میان منابع اسلامی و کتب لغوی محقق به این نتیجه رسید واژه‌های موت، توفی، رجوع، آخرت، رحلت، اجل، یقین، معاد و ذکر الموت، واژه‌های جامع‌تر و نزدیک‌تری به مفهوم مرگ آگاهی بوده و با بررسی در منابع اسلامی در کنار معانی لغوی و اصطلاحی مشخص گردید که این چند واژه برای اکتشاف مفهوم، مؤلفه‌ها و مقوله‌های مرگ آگاهی به‌کار روند. سپس در یک توالی نقطه‌به‌نقطه و به صورت تدریجی، مستندات مربوط به مرگ آگاهی گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. استراتژی توالی نقطه‌به‌نقطه در پژوهش‌های فرایندی و مواردی که پژوهشگر یافته‌های مربوط به یک مرحله از تحقیق را نقطه شروعی برای مرحله بعدی در نظر می‌گیرد (شجاعی، ۱۳۹۹ ب) کاربرد دارد. همچنین، در این پژوهش، جهت اعتبارسنجی یافته‌ها یعنی همان الگوی مفهومی و مؤلفه‌های مرگ آگاهی، علاوه بر دقت و بازنگری توسط خود فرد (پژوهشگر)، محققان دیگر (داوران که در این زمینه تخصص دارند) نیز نتایج به دست آمده از تحقیق را ارزیابی می‌کنند. در صورتی که ارزیابی مثبت و نتایج نظر کارشناسان با نتایج پژوهش هماهنگ باشد، تصور می‌شود که این قسمت از پژوهش از اعتبار و روایی

1. Network sampling.

۲. موت، مات، ممات، تَوَفَّى، قُوت، وَفَات، أَجَلَ، رُجُوع، رَجَع، رَجَعَت، مَعَاد، آخِرَت، لِقَاءَ اللَّهِ، رَحَلَت، صَبْرُوت، طَعَن، بَلَّغ، حَضَرَ، سَكَر، غَمَر، عَشَى، قَتَلَ، هَلَكَ، صَقِقَ، نَزَعَ، ذِكْرُ الْمَوْتِ، سَوَقَ، قَبِضَ، مَنِيَةَ، مَمْنُون، جَمَّة، دَعْفَانَ، شُعُوبَ، عَبُولَ، فَنَقَعَ، قُوطَ، فَيْضَ، حَتَفَ. يَقِين.

3. Synonym.

4. semantic opposition.

5. lexical field.

لازم برخوردار است (المناسره، موله و چن^۱، ۲۰۱۹؛ پولیت، بک و اوون^۲، ۲۰۰۷). بنابراین، در پژوهش حاضر، برای بررسی و اعتبارسنجی کیفی و انطباق برداشت‌های محقق در مورد روایی وابسته به محتوا، از نظر کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی استفاده شد. به این منظور، ضمن تهیه جدولی مشتمل بر توضیح فرایند استنباط سبک‌های اسناد در قرآن، از ۱۰ کارشناس متخصص علوم اسلامی و روان‌شناسی خواسته شد: (۱) میزان مطابقت و ضرورت محتوای استنباطی را با مستندات و موضوعات در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای مشخص کنند، (۲) مفید بودن و کاربردپذیری یافته‌های این پژوهش را در روان‌شناسی تعیین کنند. روش کار به این صورت بود که اطلاعات به دست آمده پس از دسته‌بندی، در یک فرم که برای روایی‌سنجی در نظر گرفته شده بود، به ۱۰ کارشناس دارای سابقه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مقطع دکترا ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست، برای به دست آوردن تمام آیات و روایاتی که شامل مفهوم «مرگ» و «مرگ‌آگاهی» است با مراجعه به لغت‌نامه‌ها و معاجم لغوی، واژه «مرگ»، «آگاهی» و «مرگ‌آگاهی» و مترادف‌ها و معادل‌های آنها پیدا شد. بعد با مراجعه به قرآن و منابع روایی، آیات و روایاتی را که این لغات در آنها وجود دارد استخراج گردید. شایان ذکر است که محقق در فرایند جستجو، به آیات و روایاتی برخورد نمود که در عین‌حالی که حاوی این واژه‌ها نبودند اما امکان استنباط مفهوم مرگ‌آگاهی و مؤلفه‌های آن از آنها وجود داشت لذا برای کامل‌تر شدن کار، آنها را نیز به عنوان یافته‌ها اضافه نمود. در این راستا، ابتدا، سه دسته از آیات قرآن در قالب؛ معانی، قلمرو و ضرورت مرگ، مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱: معانی مرگ

مضامین	نمونه شواهد
مرگ زمین علامت کشف رموز مرگ انسان	۳۹ فصلت، ۱۱ زخرف، ۵ جاثیه، ۹ فاطر
مرگ طبیعی (مرگ انسان)	۹۳ انعام
مرگ‌های متفاوت برای انسان‌ها	۳۲ نحل، ۵۵ آل عمران، ۵۱، ۵۰ انفال، ۱۱، ۱۰ احزاب

1. Almanasreh, E., Moles, R., & Chen, T. F.

2. Polit, D. F., Beck, C. T., & Owen, S. V.

مرگ به معنای توفی	۱۲۶ اعراف، ۲۷، ۲۸ نحل، ۱۰۱ یوسف
مرگ به معنای خواب	۶۰ انعام، ۴۲ زمر
مرگ خاص (شهادت) نپذیرفتن زندگی پس از مرگ به معنای انکار خدا	۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۹ آل عمران، ۱۵۴ بقره، ۱۲۵ اعراف
مرگ به معنای جهل و گمراهی	۱۲۵ توبه، ۷۰ یس، ۴۲ انفال، ۹۷ نحل
مرگ به معنای کفر	۱۹ روم، ۳۱ یونس، ۹۵ انعام، ۲۷، ۲۸ آل عمران
مرگ خاص با دارا بودن امکان برگشت به زندگی	۲۴۳، ۷۳، ۵۶ بقره
مرگ به معنای عدم	۲۳ مریم
مرگ به عنوان نعمت (رهایی از عذاب)	۷۴ طه، ۱۳ اعلی، ۱۷ ابراهیم
مرگ به عنوان یقین آور	۹۹ حجر، ۴۷ مدثر، ۱۸ نساء، ۲۶۰، ۲۵۹ بقره، ۲۲ ق
مرگ، قیامت کوچک	۱۰۵ طه، ۳ انفطار، ۱، ۳، ۴ انشقاق، ۱، ۳، ۵ تکویر

جدول ۲: ماهیت مرگ

موضوعات	مضامین	نمونه شواهد
عمومی بودن مرگ	اشتراک مرگ بین انسان و دیگر حیوانات	۳۸ انعام
	همه نفوس چشنده مرگ	۱۸۵ آل عمران، ۵۷ عنکبوت
	مرگ تمامی مخلوقات، فنای هر چیزی جز خدا	۱۵ مؤمنین، ۳۵ انبیاء، ۸۸ قصص
	مرگ برای همه؛ حتی برترین بندگان خدا	۳۰ زمر، ۳۴ انبیاء
حتمی بودن مرگ	نزدیک و محقق بودن مرگ	۷۸ نساء، ۸ جمعه، ۱۹ ق
	مرگ تقدیر الهی	۶۰ واقعه، ۶۱ انعام
	کوتاهی عمر انسان و لزوم غنیمت شمردن فرصت‌ها	۱۰، ۱۱ منافقون
	مرگ سرنوشت محتوم هر فرد و هر اجتماعی	۱۱ فاطر، ۳۴ اعراف
	حتمی بودن مرگ، مژده برای مؤمنان	۵ عنکبوت، ۳۴ انبیاء
	سرنزش افراد به علت غیر حتمی دانستن مرگ	۱۵۶، ۱۶۸ آل عمران
	غیراتفاقی و تصادفی بودن مرگ	۸۷ واقعه

۲۶ جاثیه، ۴۳ ق، ۴۴ نجم، ۳۱ یونس	خداوند به عنوان میراننده	مرگ مظهر قدرت خداوند
۶۶ حج	حیات، مرگ و احیا به عنوان نعمت	
۶۸ غافر	مرگ با قدرت خدا و بدون عذر و ممانعت	
۸ دخان، ۲ حدید، ۲۷ جاثیه	نکوهش به دست روزگار دانستن مرگ، خداوند تنها زنده‌کننده و میراننده	
۱۰۴ یونس، ۸۱ شعراء	امر به پرستش میراننده	
۱۵، ۱۶ فاطر	میراندن و ایجاد خلقی جدید از مظاهر قدرت خدا	
۲۴ لقمان	علم زمان و مکان مرگ انسان‌ها مختص خدا	

جدول ۳: ضرورت مرگ^۱

موضوعات	مضامین	شواهد
مرگ آگاهی	تفکر درباره نزدیکی مرگ	۱۸۵ اعراف
	نظر کردن علمی در انتقال خلق از خانه‌ای به خانه دیگر آگاهی انسان از مرگ به دلیل تفکر و تعقل	۱۹ عنکبوت، ۲۷ روم، ۴ نوح
چرایی مرگ	ایجاد زمینه برای زندگی نسل جدید	۲۴، ۲۵، ۳۴ اعراف
	وسیله‌ای برای تبدیل شدن خلق انسانی به خلقی برتر	۶۰، ۶۱ واقعه
	زمینه‌ساز داوری درباره انسان	۳۵ انبیاء
	آزمایش انسان در زندگی به صورت خیر و شر سبب محدودیت و اعتباربخشی به زندگی به منظور آزمایش انسان برای مشخص شدن عیار او	۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۷، ۴۹ بقره، ۱۷ انفال، ۳۳ دخان، ۱، ۲ دهر
	در کنار زندگی امری وجودی و وسیله آزمایش انسان لزوم یادآوری مرگ برای بندگی به سبب صبر بر آن	۲ ملک

۱. از دستاوردهای مهم فلسفه ملاصدرا، اثبات وجودی بودن مرگ و امکان معرفت به آن است؛ زیرا اگر مرگ امری عدمی و عدم ملکه حیات، پنداشته شود، مستلزم تفسیری سلبی از آن خواهد شد؛ چراکه علم به امری معدوم، تنها به واسطه علم به مفهوم آن صورت می‌گیرد که فقط الفاظ و عناوینی برای امور باطل‌الذات‌اند (صدر الدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۳۹). در نتیجه، امکان معرفت و آگاهی به مرگ وجود دارد. لذا، هنگامی که انسان به مرگ خود می‌اندیشد، نسبت به آن آگاهی یافته است؛ این آگاهی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ترس و اضطراب در انسان باشد. انسان به تجربه دریافته است که برای غلبه بر ترس از امری، بهترین راه شناخت دقیق آن است در نتیجه برای شناخت مرگ علاوه بر بررسی ماهیت آن، باید به بررسی ضرورت آن نیز پرداخت.

در ادامه برای استخراج و استنباط مؤلفه‌ها از این منابع و منابع دیگر، با بررسی نقاط مشترک و عناصر معنایی آیات و روایات، از هرچند آیه یا روایت حاوی مضمون مشترک، یک مؤلفه و در پایان یک سازه استنباط شد. درواقع، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، ابتدا کدگذاری باز و بعد از آن، مقوله‌بندی نموده و به کدهای محوری (مؤلفه‌ها) رسید.

مؤلفه‌های مرگ آگاهی براساس منابع اسلامی

این پژوهش با هدف دستیابی به مؤلفه‌های مرگ آگاهی در منابع اسلامی انجام شد که حاصل آن دستیابی به نتایجی چون معنابخشی به زندگی انسان، تزریق عنصر حرکت به آن، قدر نهادن فرصت زندگی، افزایش صبر و بردباری در برابر نامایمات، التزام به هنجارهای اخلاقی، کاهش جرایم و فساد و وجود رابطه متقابل میان آگاهی از مرگ می‌باشد. به این منظور، در مرحله اول، به مشاهده نظام‌مند مفاهیم مرتبط با مرگ آگاهی در منابع اسلامی و گردآوری اطلاعات از طریق متن خوانی باز، پرداخته شده است. از آنجاکه اصل در این پژوهش، بررسی ماهیت مرگ آگاهی در منابع اصیل اسلامی بود، لذا بر آیات و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام تمرکز شد و آیات و روایات مربوط به مرگ و مرگ آگاهی با توجه به واژه‌شناسی، مؤلفه‌شناسی، اهمیت، کارکردها، مراتب و پیامدها بررسی شد. برای مثال: در نهج البلاغه امام علی علیه‌السلام، «موت» را این‌گونه معنا می‌فرمایند: «الْمَوْتُ مُفَارَقَةُ دَارِ الْفَنَاءِ وَارْتِحَالٌ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ»؛ «مرگ جدا شدن از سرای فانی و رحلت به سوی سرای باقی است» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۱۶۱). که مرگ در اینجا به معنای انتقال بوده و امری است وجودی که مانند حیات خلقت‌پذیر است (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۵۸۵). همچنین، نخستین حقیقتی که از تأمل در روایات درباره واژه «ذکر الموت» به دست می‌آید، ذهنی، قلبی و درونی بودن واقعیت ذکر می‌باشد که در روایتی می‌فرمایند: «كَثُرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ» «مرگ را بسیار یاد کنید، زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد مگر اینکه خداوند دل او را زنده گردانید» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ج ۱، ۱۹۱۵۴). امام صادق علیه‌السلام در باب رابطه بین غفلت و مرگ آگاهی نیز چنین می‌فرمایند: «ذِكْرَ الْمَوْتِ يَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ»، «یاد مرگ ریشه‌های غفلت را ریشه‌کن می‌کند» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۷۲). ماده «وفی» نیز با مشتقاتش در حدود ۳۷ بار در قرآن تکرار شده است که ۱۴ بار

با تعبیرهای «نتوقی» (تحویل می‌گیریم) و «یتوقی» (تحویل می‌گیرد) آمده است: (زمر، ۴۲)؛ (سجده، ۱۱)؛ (انعام، ۶۱)؛ (نحل: ۲۸)؛ (زمر، ۴۲)؛ (یونس، ۱۰۴)؛ (اعراف، ۳۷)؛ (نحل، ۳۲) که معنا و منظور آن، گرفتن و دریافت کردن بدون کم‌وکاست است. لذا تحویل گرفتن، نشانه باقی ماندن و ثابت بودن است و به‌کار بردن آن درباره مرگ می‌تواند به این دلیل باشد که مرگ، نیستی و نابودی و فنا نیست، بلکه انتقال از عالم به عالمی دیگر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۲۰، ص ۱۶۷). باز، واژه «معاد» نیز می‌تواند از مفاهیم مرتبط و نزدیک به مرگ‌آگاهی در نظر گرفته شود؛ زیرا بدون تحقق مرگ، معادی رخ نخواهد داد. پس برای آگاه شدن از معاد باید از وقوع مرگ آگاه شد: «فَإِنَّ الْغَايَةَ أَمَامَكُمْ وَإِنَّ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَخْذُوكُمْ» «هدف آخرت پیش‌روی شماست و مقدمات قیامت از پشت سر، شما را به پیش می‌راند (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۲۱، ص ۱۱۱). و از طرفی، کسی که در اندیشه معاد است به‌طورحتم، باید در اندیشه مرگ هم باشد. پس، بین معادآگاهی و مرگ‌آگاهی ارتباطی مستقیم وجود دارد. چراکه، معاداندیشی به نوعی انگیزه‌ای برای مرگ‌آگاهی است؛ زیرا انگیزه آدمی یا از طریق تشویق محقق می‌شود و یا از طریق ترهیب و تهدید و توبیخ. حتی مرگ‌آگاهی زمینه را برای توجه به عالم آخرت نیز مهیا می‌سازد؛ زیرا لازمه استکمال حیات دنیوی وجود عالمی به نام «آخرت» است که از طریق مرگ به انسان پیوند می‌خورد. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به صراحت از عالم آخرت سخن گفته و توجه به آن را امری ضروری می‌داند (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۰۹، ص ۱۵۸). لازم به ذکر است که به غیر از واژه‌های فوق، واژه‌های دیگری مانند: رجوع، وفی، صیوروت، حضر، فیظ، رحلت، قبض و منیه نیز با مرگ‌آگاهی در ارتباط هستند که در لابلای مطالعات مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، در مجموع، بعد از شناسایی واژگان و تبیین معانی لغوی و اصطلاحی آنها، در ادامه سعی شد تا جهت بررسی مؤلفه‌های مفهوم مرگ‌آگاهی، اقدام شود. بر اساس یافته‌های پژوهش در این بخش، ده مؤلفه به دست آمد که در ادامه فرایند مفهوم‌سازی همراه با مستندات مربوط به هر کدام از آنها ارائه می‌شود.

جدول ۴: مستندات، محتواهای استنباطی و مؤلفه‌های مربوط به مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ‌آگاهی	فراگیر بودن	گذرگاه همگانی	۱ إِنَّ لِكُلِّ سَاعٍ غَايَةً وَ غَايَةَ كُلِّ سَاعٍ الْمَوْتُ «هر رونده‌ای مقصدی دارد و مقصد نهایی همه مرگ است» (بحارالأنوار، ج ۷۹، ص ۷۲)
		برای همه؛ حتی برترین بندگان خدا	۲ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ «(ای رسول عزیز ما) شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت» (زمر، ۳۰)
		فنای هر چیزی جز خدا	۳ كُلُّ مَنْ عَلَيَّا فَاَن يَوْبِقُ وَجْهَهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ «تمام کسانی که بر روی زمین هستند فانی می شوند و فقط ذات پاک خداوند در این جهان باقی می‌ماند» (الرحمن، ۲۶ و ۲۷)
	حتمی بودن	قابل انکار نبودن، مشخصه و همراه همیشگی انسان	۱ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ «و دایم به پرستش خدای خود مشغول باش تا یقین (ساعت مرگ و هنگام لقای ما) بر تو فرا رسد» (حجر، ۹۹)
		وعده‌ای قطعی	۲ مَنْ رَأَى الْمَوْتَ بَعَيْنٍ يَقِينُهُ رَأَاهُ قَرِيباً «هرکه مرگ را با دیده یقین بنگرد آن را نزدیک خواهد دید (غررالحکم، ج ۱، ص ۶۰۶)
		پایان پذیر بودن دنیا	۳ وَ بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا «مرگ پایان زندگی دنیوی است» (الکافی، ج ۲، ص ۴۹).
	مبهم بودن	نامعلوم بودن مکان	۱ وَرَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَ مَصِيرَهُ، لِأَبْعَضِ الْأَمَلِ وَ غُرُورِهِ «اگر بندگان خداوند مسیر آمدن مرگ و زمان آن را می‌دانستند، امید و آرزوهایشان از این دنیا قطع می‌شد (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۹)
		علم زمان و مکان مرگ مختص خدا	۲ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّادَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ «هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه خواهد کرد و هیچ‌کس نمی‌داند به کدام سرزمین، مرگش فرا می‌رسد؟ پس تنها خداوند به همه چیز خلاق دانا و بر تمام اسرار و دقائق عالم آگاه است» (لقمان، ۳۴)
		مخفی بودن زمان	۳ فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَ خَافُوا بَعْتَهُ لِأَجْلِ «به عمل بشتابید و از رسیدن ناگهانی مرگ بترسید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴)

مؤلفه‌ها	سازه	مفاهیم استنباط شده	مستندات
آرامش بخشی بودن	مرگ آگاهی	عامل طمأنینه و هوشیاری	الموت زاحه المؤمن «مرگ مایه آرامش مؤمن است» (وسائل الشیعه، ج ۲ ص ۴۲۹)
		جهت دهی ترس از مرگ	لا مریح کالموت «هیچ آرام بخشی چون مرگ نیست». (میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۱۰۱)
		عامل کسب پیروزی و آرامش	فی الموت راحة السعداء «مرگ، مایه آسودگی نیک بختان است» (میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۱۰۱) الموت رجائه المؤمن «مرگ برای مؤمن، همانند یک دسته گل خوش بوی است» (کنز العمال، ح ۴۲۱۳۶)
معنا بخش بودن	مرگ آگاهی	معرفت بخشی عبرت‌گیری	المدة وإن طال قصيرة و الماضي للمقيم عبرة و الميت للحي عظة «مدت عمر هرچند دراز باشد، کوتاه است و آن که رفته برای آن که هنوز هست مایه عبرت است و مرده برای زنده وسیله پند» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۸۰). أنه رخص في زيارة القبور و قال تُذكرُكم الآخرة «زیارت گذشتگان شما را به یاد آخرت می‌اندازد (بحار الأنوار ج ۷۹، ص ۱۶۹)
		زنده‌دلی/ درک واقعیات معنوی	أكثرها ذكر الموت، فما من عبد أكثر ذكره إلا أحياء الله قلبه وهون عليه الموت «مرگ را فراوان یاد کنید؛ زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد، مگر این که خداوند دلش را زنده گردانید و مردن را بر او آسان ساخت» (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۸) إن هذه القلوب تصدء كما تصدء الحديد، قيل فما جلاءها؟ قال ذكر الموت و تلاوة القرآن «این دلها گاهی زنگ می‌زنند همچنان که آهن زنگ می‌زند. عرض شد: صیقل دادن دل به چیست؟ فرمود بسیار یاد مرگ بودن و تلاوت قرآن (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴)
		عامل آگاهی و بصیرت	الإناس نيام فإذا ماتوا انتبهوا «انسان‌ها در خوابند آن‌گاه که بمیرند از خواب بیدار می‌شوند» (بحار الأنوار، ج ۴، ص ۴۳) الدنيا نومة و الآخرة يقظة «زندگی دنیا خوابی بیش نیست و آخرت بیداری» (مجموعه ورام ج ۲، ص ۲۴) من راقب أجله اغتم مهله «کسی که مرگ خود را در نظر دارد از مهلت‌هایی که در اختیار دارد بهره می‌برد» (عیون الحکم، ج ۱، ص ۴۴۹)

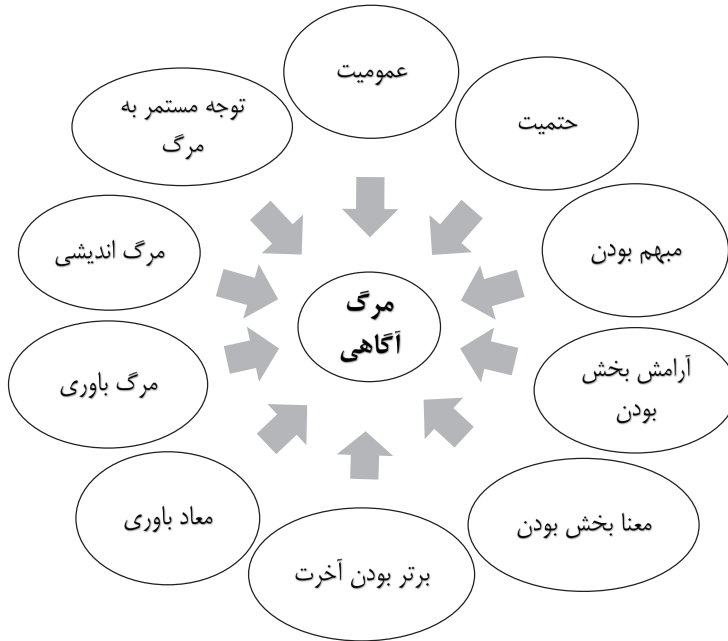
سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ آگاهی	بزرگواران آخرت	دنیا گذرگاه نه قرارگاه/ وسیله زندگی جاودانه	ما هذه الحیاة الدنیا الا هو و لعب و ان الدار الآخرة هی الحیوان لوكائوا یعلمون «و این زندگی دنیایی چیزی جز بازی و سرگرمی نیست. زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می‌دانستید» (عنکبوت، ۶۴).
		پذیرش برتری نظام آخرت	ذَٰلِكَ الْمُوْتُ هُوَ ذَٰلِكَ الْحَمَامُ هُوَ آخِرُ مَا بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ تَمَحُّيْصِ دُنُوبِكَ وَ تَتَّقِيْتِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ فَاِذَا اَنْتَ وَرَدْتَ عَلَيْهِ وَ جَاوَزْتَهُ فَقَدْ نَجَّوْتَ مِنْ كُلِّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ اَدَى وَ وَّصَلْتَ اِلَى كُلِّ سُرُوْرٍ وَ فَرَحٍ «مرگ به منزله گرما به است و آن آخرین چیزی است که تو را از گناهانت پاک و از زشتی‌ها پاکیزه می‌کند. هرگاه به آن وارد شوی و از آن بگذری از همه غم‌ها و اندوه‌ها و آزارها رهایی می‌یابی و به همه خوشحالی‌ها و شادی‌ها خواهی رسید» (بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶) وَالدَّارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ اَقْلًا تَعْقِلُوْنَ «و منزل ابدی آخرت برای مردم پرهیزکار بسی بهتر است، آیا تعقل نمی‌کنید؟» (اعراف، ۱۶۹)
		نفی اشتیاق بیش از حد به دنیا و متعلقات آن	اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنِيْ التَّجَارِيْعَ عَنِ دَارِ الْغُرُوْرِ وَ الْاِنْتَابَةَ اِلَى دَارِ الْخُلُوْدِ وَ الْاِسْتِعْدَادَ لِمَوْتٍ قَبْلَ حُلُوْلِ الْاَلْوَتِ زِيَادَةً «خداوند! توفیق کناره گرفتن از دار غرور (دنیا) و روی آوردن به سرای خلود و آمادگی برای مرگ قبل از مردن به من عطا فرما (بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۶۳؛ اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۲۸، البلد الامین، ج ۱، ص ۲۰۲؛ زاد المعاد، ج ۱، ص ۱۲۹). مَنْ اَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ «کسی که زیاد به یاد مرگ باشد رغبت او به دنیا کم می‌شود» (غررالحکم، ج ۲، ص ۶۰۶).
معاد باوری	بازگشت همه چیز به سوی او	اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ «بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد» (مائده، ۱۰۵). اِثْنَا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ (بقره، ۱۵۶ و ۱۵۷).	
	راهی برای بازگشت انسان به خدا/ از افعال خدا/ امری وجودی	اللّٰهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ «خداست که خلق را نخست پدید آرد و باز (پس از مرگ و فنا) باز گرداند و همه به حضرت او بازگردانیده می‌شوند» (روم، ۱۱).	
	آفریدگان، بازگشت به خداست	وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اٰخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وُجْهَهُ لَهٗ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ «و هرگز با خدای یکتا دیگری را به خدایی مخوان، که جز او هیچ خدایی نیست، هر چیزی جز ذات پاک الهی هالک الذات و نابود است، فرمان با او و رجوع شما به سوی اوست» (قصص، ۸۸).	

	مستندات	مفاهیم استنباط شده	مؤلفه‌ها	سازه
مرگ باوری	۱	وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ «به سوی پروردگارتان باز گردید و تسلیم او شوید، پیش از آن که عذاب (ناگهانی دنیا و یا عذاب آخرت) به شما برسد و دیگر یاری نداشته باشید (زمر، ۵۴). إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ «آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی (در دنیا و عقبی) نخواهد بود» (احقاف، ۱۳).	عامل شناخت مرگ و ایمان به خدا و تسلیم بودن	مرگ آگاهی
	۲	أَمَّا قَوْلُكُمُ أُمَّةٌ فَأُولَٰئِكَ كَرِهَ اللَّهُ الْمُتَوْتِبِينَ، فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي دَخَلْتُ إِلَىٰ الْمَوْتِ أَوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَيَّ «اما سخن شما که آیا این همه تأمل و درنگ من برای ترس از مرگ و کشته شدن است؛ پس سوگند به خدا هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ (کشته شدن در میدان کارزار) یا این که ناگاه مرگ مرا درآید» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۵۵)	تسلیم محض خدا نبودن علت ترس مرگ	
	۳	قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ «آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد، گفتند: چه بسیار گروه‌های کوچک که به فرمان خداوند بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران است» (بقره، ۲۴۹)	عامل پایداری حفظ ارزش‌ها، استقبال از شهادت	
مرگ‌اندیشی	۱	كَذَٰلِكَ يُخَيِّبُ اللَّهُ الْمُتَوْتِبِينَ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «این گونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود و قدرت کامله خویش را به شما آشکار می‌نماید، باشد که عقل خود را به کار برید» (بقره، ۷۳)	تعقل کلید درک ماهیت مرگ	مرگ‌اندیشی
	۲	كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «خدا آیات خود را برای شما این‌گونه روشن بیان می‌کند، شاید خردمندی کنید» (بقره، ۲۴۲) اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ لآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «بدانید که خداست که زمین را پس از مرگ (خزان) زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله (قدرت خود) را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید» (حدید، ۱۷)	تفکر در آیات الهی سبب آگاهی بر حقیقت مرگ	
	۳	وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ «و اوست خدایی که زنده گرداند و بمیراند و اختلاف و حرکت شب و روز به امر اوست، آیا شما عقل خود را کار نمی‌بندید» (مؤمنون، ۸۰)	تعقل در امور حیات و ممات و روز و شب، علامت ایمان	

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ‌آگاهی	توجه مستمر	نگاه دائم داشتن	وَ انصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا تَصْبَاباً وَ لَاجَعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيباً «و حالت مرگ را دائم نصب‌العین ما قرار ده و نه آن‌که یک روز به یاد مرگ باشیم» (صحیفه سجاده، دعای ۴۰).
		توجه مستمر داشتن	النبي ﷺ: حينما سُئِلَ: هل يُحْشَرُ مَعَ الشُّهَدَاءِ أَحَدٌ؟ قال: نَعَمْ، مَنْ يَذْكُرُ الْمَوْتَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ عَشْرِينَ مَرَّةً: «پیامبر خدا ﷺ: وقتی از ایشان سؤال شد: آیا کسی با شهدا محشور می‌شود؟ فرمود: آری، کسی که شبانه‌روز بیست مرتبه مرگ را یاد کند» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۰۴). امام علی علیه السلام: ما أَنْزَلَ الْمَوْتَ حَقِّي مَنزِلَتِهِ مَنْ عَدَّ عَدَا مِنْ أَجَلِهِ «کسی که فردا را از عمر خود به شمار آورد، مرگ را در جایگاه شایسته‌اش قرار نداده است» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۷).
		هر لحظه به یاد بودن	يَا بُعَى أَكْثَرَ مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَ ذَكَرَ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ أَحَدَتْ مِنْهُ جَذْرَكَ وَ سَدَدَتْ لَهُ أَرْزَكَ وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتَهُ قَبِيهْرَكَ «ای پسر، بسیار یاد مرگ بکن و نیز یاد آن احوال و اوضاعی که ناگهان با آنها مواجه می‌شوی و آنچه را که بعد از مرگ به آن می‌رسی، تا چون مرگت فرا رسد خود را آماده کرده و برای آن، نیروی خود را محکم نموده باشی نه این‌که ناگهان مرگ تو فرابرسد و تو را درمانده ساخته و به تعب بپردازد» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹۶)

بر اساس قانون محاسبه CVI، در روایی محتوایی به روش کمی حداقل میزان قابل قبول برای شاخص CVI، ۷۹٪ است که براساس نتایج به دست آمده از CVR این ارزیابی، تمامی مؤلفه‌ها از نظر کارشناسان خبره دین و روان‌شناسی، (زیاد) و (خیلی زیاد) با مرگ‌آگاهی ارتباط داشته و هیچ مؤلفه‌ای کنار گذاشته نشد. بنابراین باتوجه به قانون محاسبه CVI و CVR در روایی محتوایی، CVI مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی در مجموع عدد ۱ و CVR مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی در مجموع ۹۵۶٪ بود که در تحلیل نهایی نتایج، هر ۱۰ مؤلفه از روایی محتوایی بالایی برخوردار بوده و در این پژوهش باقی ماندند. درواقع، تمامی کارشناسان، کفایت هر ده مؤلفه را تأیید نمودند. در مجموع و

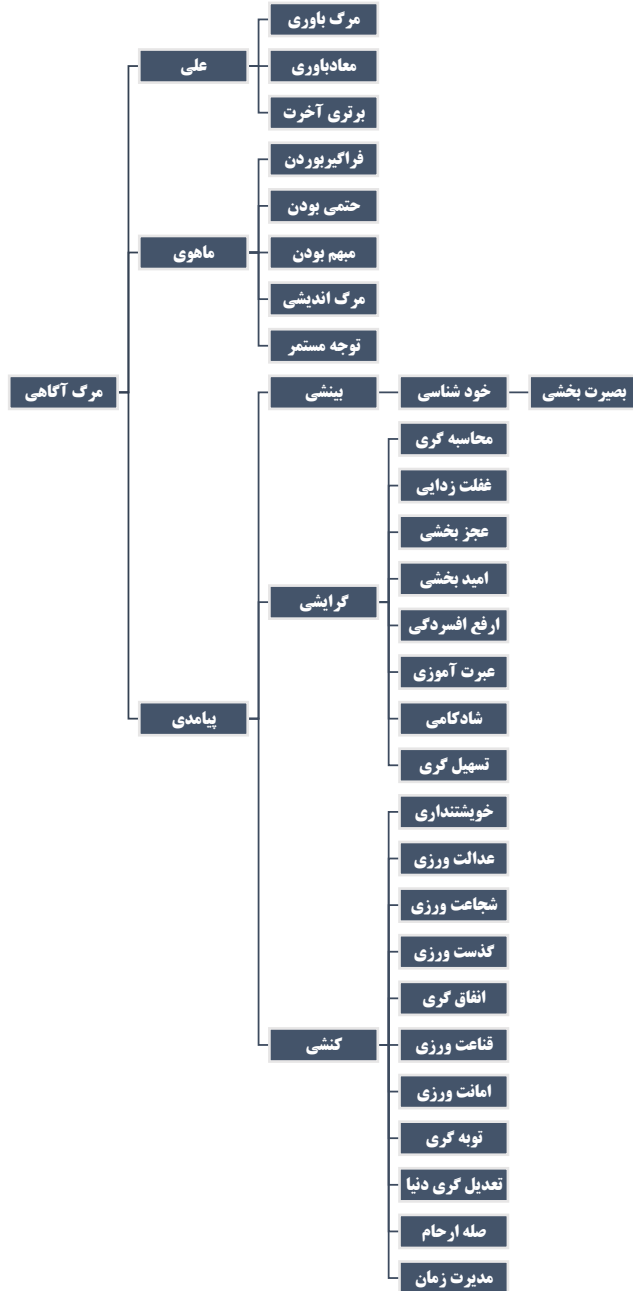
براساس آنچه از بررسی مؤلفه‌ها و واژگان مرتبط با مرگ‌آگاهی بیان شد، جمع‌بندی نهایی مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی با کنارهم قراردادن موارد مشترک، تحت مؤلفه واحد و هم‌چنین تجزیه و تحلیل محتوایی هر مؤلفه به شرح ذیل می‌باشد:



شکل ۱: مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی

همچنین، با بررسی واژه‌های ده‌گانه، در مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی در لغت و متون دینی و نیز با توجه به آثار و پیامدهای مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی می‌توان به تعریف جامعی از مرگ‌آگاهی دست یافت.

شکل ۲: الگوی مفهومی مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی



بحث و نتیجه‌گیری

طبق تحقیقات و نظرات ارائه شده در حوزه مرگ و مرگ‌آگاهی از سوی محققین و دانشمندان، و نیز از آنجاکه قبل از بیان مؤلفه‌های مفهوم مرگ‌آگاهی، باید به بررسی ماهیت مرگ‌آگاهی در منابع اصیل اسلامی (آیات و روایات در کتب معتبره) پرداخت و از سویی دیگر، چون مرگ‌آگاهی، سازه‌ای بسیط نیست، بلکه از کنار هم قرار گرفتن مرگ و آگاهی شکل می‌گیرد؛ بنابراین برای شناخت این مفهوم، استفاده از کلیدواژه‌های مشخص و محدود برای جستجو در منابع اسلامی کاربرد نداشت. از این رو پس از مشخص شدن تعریف و ابعاد مرگ و مرگ‌آگاهی در تحقیقات روان‌شناسی موجود، به متون دینی مراجعه و بر آیات و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام تمرکز شد. بعد از شناسایی واژگان و تبیین معانی لغوی و اصطلاحی، جهت بررسی مؤلفه‌های مفهوم مورد نظر، اهمیت، واژه‌شناسی، مؤلفه‌شناسی، کارکردها، مراتب و پیامدهای مرگ‌آگاهی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه با بررسی مفاهیم، برای مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی در لغت و متون دینی، نکات ذیل به دست آمد که با تحلیل همراه با دقت نظر، تعریف جامعی از مرگ‌آگاهی به دست آمد:

۱. در لغت و روایات دینی و براساس تبیین کلید واژه‌های انتخاب شده، در مجموع این ده مؤلفه جزء مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی به حساب آمدند: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، آرام‌بخش بودن، معنابخش بودن، برتر بودن آخرت، معادباوری، مرگ‌باوری، مرگ‌اندیشی و توجه مستمر.

۲. در یک بررسی دقیق‌تر، مشخص شد که سه مؤلفه: مرگ‌باوری، معادباوری و برتر بودن آخرت، جزء مؤلفه‌های دسته علی (زمینه‌ای)؛ مؤلفه‌های: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، مرگ‌اندیشی و توجه مستمر، جزء مؤلفه‌های ماهوی و سرانجام، دو مؤلفه: معنابخش بودن و آرام‌بخش بودن نیز جزء مؤلفه‌های پیامدی به‌شمار می‌آیند و در این راستا، می‌توان مدعی شد که مرگ‌آگاهی قادر است که یک سازه مرکب از مؤلفه‌های زمینه‌ای، ماهوی و پیامدی باشد.

۳. همچنین، در یک تحلیل عمیق‌تر، مؤلفه‌های پیامدی، به نوبه خود، به سه دسته: بینشی، گرایش‌ی (عاطفی هیجانی) و کنشی (رفتاری) تقسیم شوند که دو مؤلفه: خودشناسی و بصیرت‌بخشی در قلمرو پیامدهای بینشی مرگ‌آگاهی؛ مؤلفه‌های: محاسبه‌گری، غفلت‌زدایی، عجزبخشی، امیدبخشی، عبرت‌آموزی، شادکامی و رفع افسردگی و تسهیل‌گری، مصائب جزء حوزه گرایش به حساب آیند و سرانجام مؤلفه‌های: خویش‌داری، عدالت‌ورزی،

شجاعت‌ورزی، گذشت‌ورزی، انفاق‌گری، قناعت‌ورزی، امانت‌ورزی، توبه‌گری، تعدیل‌گری دنیا، صلح‌ارحام و مدیریت زمان هم در حیطه حوزه کنشی و رفتاری برخوردار است از مرگ‌آگاهی قرار بگیرند که این نکات و جمع‌بندی‌ها در قالب شکل (شکل ۲) نشان داده شد. بر این اساس، و با توجه به تعریف و نظرات ارائه شده در خصوص مرگ و مرگ‌آگاهی و نیز با توجه به وجود مبانی نظری کامل و جامع در حوزه حقیقت مرگ و هوشیاری نسبت به آن و نیز تأکید فراوان اسلام به آن، در این پژوهش، برای مرگ‌آگاهی تا پیدا شدن تعریفی بهتر، تعریف زیر پیشنهاد می‌گردد:

مرگ‌آگاهی، سازه‌ای است روان‌شناختی، مبتنی بر توجه پیوسته به حقیقت مرگ در چارچوب اندیشه اسلامی به‌عنوان یک پدیده فراگیر، قطعی، پر رمز و راز که به زندگی انسان معنای الهی داده و موجبات آرامش و تلاش مؤثر را برای تأمین سعادت غایی فراهم می‌آورد.

در این تعریف کوشیده شده است تا هم معیارهای مورد وفاق بیشتر صاحب‌نظران در زمینه مرگ و مرگ‌آگاهی لحاظ شود و هم به جهت مفهومی، شروط جامعیت، مانعیت و صرفه‌جویی را تا حد امکان احراز کند. بر این اساس، می‌توان به مرگ‌آگاهی، چهار نکته را نسبت داد: نخست این‌که این سازه، نوعی توانایی شناختی است نه گونه‌ای از رفتار یا ویژگی اخلاقی، سپس، درونی (تاریخچه‌ای) است یعنی فطری و جهان‌شمول است، هم‌چنین، رشدیابنده است یعنی از آموزش، فرهنگ و جهان‌بینی و ... اثر می‌پذیرد، و سرانجام این‌که، سازگاری - محور است یعنی سازگاری مؤثری با خود، دیگران و خدا دارد.

به‌طورکلی، در دیدگاه‌های روان‌شناختی و فلسفی، مرگ و توجه مستمر به آن به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر زندگی به دور از معنا و استفاده‌های دینی آن مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه مادیون، مرگ یک مفهوم به‌طورکامل، فیزیولوژیکی دارد و مردن از لحاظ فیزیولوژیکی به‌منزله توقف کارکردهای کامل حیاتی است و از دیدگاه روان‌شناختی، ممکن است برای افراد مختلف، معناهای متفاوتی داشته باشد. مردن به‌معنای از دست دادن عزیزان، توقف فعالیت‌های زندگی، رها کردن تجربه‌ها و ورود به دنیایی ناشناخته است و آگاهی^۱ توانایی دانا شدن و درک کردن (برای احساس کردن) یا کسب معرفت از رویدادها است. آگاهی به‌طور گسترده‌تر، حالت هشیار بودن کسی یا چیزی است (گروه

واژه‌گزینی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ذیل سرواژه آگاهی). اما از دیدگاه اسلام و متون اسلامی، مرگ، آخر زندگی انسان نیست، بلکه آخر انتخاب‌های زندگی این جهانی است. اما خداوند قادر است که انسان را در آخرت به زندگی بازگرداند. در این دیدگاه، به مرگ بیشتر به عنوان انتقال از یک عامل به عامل دیگر نگریسته می‌شود که ادامه حرکت تکاملی را ممکن می‌سازد و کمتر به جنبه‌های دیگر مرگ تأکید شده است. بنابراین دانش فعلی پیرامون مرگ، را پیوستاری در نظر گرفت که در یک طرف آن دانش روان‌شناسی است که در پاسخ به سؤالاتی که در رابطه با ابعاد علمی آن مطرح است و مطالعات ارزشمندی فراهم آورده است. در طرف دیگر پیوستار، قرآن و روایات گنجینه ارزشمندی را فراهم آورده است که به زندگی انسان معنا داده و به نیازهای ریشه‌دار انسان مانند جاودانگی پاسخ می‌دهد. ضمن آن‌که، مرگ آگاهی را دارای اثرات سازنده فردی و اجتماعی می‌داند.

با این تقریر، آشکار می‌شود که مرگ آگاهی با اینکه یک سازه جدید در روان‌شناسی تجربی است و هنوز راه تثبیت شده‌ای برای عملیاتی کردن آن وجود ندارد اما می‌توان تغییراتی را که مرگ آگاهی در زندگی افراد به بار می‌آورد را فقط دفاعی ندانست بلکه آن را در کانون روان‌شناسی مثبت‌نگر قرار داد (لی، ۲۰۰۸؛ فری‌اس، واتکینز، وبر و فرا، ۲۰۱۱؛ ویل، یول، آرنت، وس، راتلج و روتینز، ۲۰۱۲). در واقع، از این رهگذر، مرگ آگاهی، مفهومی است که درون آن انهدام و نابودی شخص نیست، بلکه توجه مستمر به انتقال انسان از یک مرحله به مرحله دیگر یا تحول انسان از نقصان به درجه‌ای از کمال است. با این نگاه و بینش، سلسله ارزش‌ها در زندگی، تغییر معناداری پیدا نموده و ارزش‌های مجازی و ناپایدار جای خود را به ارزش‌های اصیل و جاودانه می‌دهند. منافع و لذت‌ها و حتی سلاقی و تمایلات دنیایی نیز، تعریفی دیگر به خود می‌بینند. تعریفی که در آن رضایت معبود و خشنودی محبوب جای دارد. زندگی، فرصت خدمت به خلق خدا و به قصد قرب الی‌الله دیده می‌شود و هر لحظه آن، زمان عبادت و تسبیح پروردگار. بنابراین، اگر تمام عواملی که در تربیت و تهذیب انسان‌ها نقش دارند، به دقت مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرند، بی‌شک مرگ آگاهی، مؤثرترین و کاراترین عامل خواهد بود که می‌تواند رابطه و تعامل انسان را در عرصه مختلف اصلاح نموده و سامان بخشد. به انسان می‌فهماند که تمام هستی و همت خود را صرف این

1. Lee, V.

2. Frias, A., Watkins, P. C., Webber, A. C., & Froh, J.

3. Vail, K. E., Juhl, J., Arndt, J., Vess, M., Routledge, C., & Rutjens.

چند روز دنیا نکند و در برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌های خود، آخرت را هم در نظر داشته باشد. چراکه حتی علم هم ثابت نموده است که مرگ‌آگاهی اگرچه دردناک است، باعث استذکار به سلسله‌ای از بینش‌های فطری می‌شود که برای فرد سلامت آفرین است. آگاهی از مرگ، افراد را تحریک می‌کند تا به این تصور برسند که فعالیت آنها به میراث پایدار در میان نسل‌های فعلی و آینده در حوزه‌هایی از قبیل آینده خانواده، کسب‌وکار، خدمات خیریه، علم، آموزش، سلامت و مراقبت، دولت، هنر، ورزش و یا هر تعداد دیگر از حوزه‌های موجود تبدیل خواهد شد (مک‌کیب، ویل و آرن‌ت^۱، ۲۰۱۸).

در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران بعدی ساخت پرسشنامه مرگ‌آگاهی را طراحی و تولید نمایند. همچنین، از دیگر فعالیت‌هایی که شایسته است در این حوزه صورت پذیرد، بررسی جداگانه رابطه مفهوم مرگ‌آگاهی با مفاهیم روان‌شناختی از قبیل افسردگی، سبک زندگی، خودمهارگری و ... است.

منابع

- قرآن کریم.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، *نهج‌البلاغه (صبحی صالح)*، قم: دارالعرفان.
- ادوارد، فرانک و وارد، برایان (۱۳۷۷)، *فراتر از ادراک*، ترجمه حریری، مریم و حجازی، آرش، تهران: انتشارات کاروان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان‌الحکمه*، قم: انتشارات دارالحدیث.
- ایمانی خوشخو، مریم و اسماعیلی، کبری (۱۳۹۴)، «آثار مرگ‌اندیشی در قرآن و سخنان امام علی علیه‌السلام»، *دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، دانشگاه خوارزمی تهران، بهار و تابستان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵-۳۲.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶)، *محاسبه‌النفس*، تهران: مرتضوی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، مصحح: سیدمهدی رجائی، قم: دار الکتاب الإسلامی.
- بلاک‌هام، هرولد جان (۱۳۶۸)، *شش متفکر اگزستانسیالیست*، ترجمه حکیمی، محسن، تهران: سعدی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتاب اسلامی.

- توان، بهمن؛ جهانی، فرزانه و حکمت‌پور، داوود (۱۳۹۲)، «مفهوم مرگ از دیدگاه دانشگاهیان؛ یک مطالعه کیفی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، سال ۲، شماره ۴، صص ۳۶۵ - ۳۵۸.
- احمدی فارستانی، مجتبی؛ حشمتی، رسول و هاشمی نصرت‌آباد، تورج (۱۳۹۸)، «الگوی ساختار نگرش به مرگ بر اساس سبک‌های دلبستگی در نوجوانان مبتلا به سرطان: نقش میانجی سرکوبگری و حساسیت اضطرابی»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۳۰۸ - ۳۲۷.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹)، «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی»، *مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، دوره ۱۴، شماره ۲۷، شماره پیاپی ۲۷، پاییز و زمستان، صص ۴۱ - ۷۳.
- شجاعی، محمدصادق؛ جانبرزگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸ (۱۵) ۳۸ - ۷.
- حقایق، سیدعباس و کجباف، محمدباقر (۱۳۹۵)، *مرگ از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام*، اصفهان.
- زندی، محسن و موسوی، سید محمود (۱۳۹۶)، «رویکرد وجودی نگر آیات و روایات در رابطه مرگ‌اندیشی و سلامت روان»، *مجله علوم حدیث، تابستان*، شماره ۸۴، صص ۵۱ - ۷۸.
- صالحی، اکبر، اکبرزاده، فهیمه (۱۳۹۴)، «تحلیل تطبیقی دیدگاه اسلامی و آرای مارتین هایدگر در زمینه مرگ‌آگاهی و پیامدهای آن بر سبک زندگی»، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال ۲۳، دوره جدید، شماره ۲۶، بهار، صص ۸۳ - ۵۹.
- طاهری سرتشنیزی، اسحاق و موسوی، مریم‌السادات (۱۳۹۱)، «مرگ‌آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهج‌البلاغه»، *مجله انسان پژوهی دینی*، دوره ۹، شماره ۲۷، بهار و تابستان، صص ۱۹۷ - ۱۷۷.
- عسگری یزدی، علی؛ قمی، محسن و رازآبادی، محمد (۱۳۹۷)، «تأملی بر مرگ و معنا بخشی آن به زندگی در حکمت صدرایی و اگزیستانسیالیسم الحادی»، *مجله اندیشه نوین دینی*، سال ۱۴، پاییز، شماره ۵۴، صص ۶۰ - ۴۵.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیرالمیزان*، محمد باقر همدانی، قم: حوزه علمیه.
- علی اکبری دهکردی، مهناز و دلیر، مجتبی (۱۳۸۸)، «تأثیر مرگ‌آگاهی بر نیرومندی باور، اجتناب و افسردگی مبتلایان به اختلال وسواس - اجبار»، *مجله دست آوردهای روان‌شناختی*، دانشگاه اهواز، بهار و تابستان، دوره ۴، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۱۰۶ - ۸۷.
- فرح‌بخش، کیومرث؛ کاظمیان، سمیه و ردایی، حمید (۱۳۹۶)، «بررسی کیفی نقش مؤلفه‌های وجودی مرگ‌آگاهی و مسئولیت در انطباق مؤثر مراقبت‌کنندگان بیماران مبتلا به سرطان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره گرایش توانبخشی*، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی (ع).

- قنبری، بخشعلی و مشایخی پور، محمدعلی (۱۳۹۱)، «معنا و مفهوم مرگ‌آگاهی و آثار آن از دیدگاه امام علی علیه السلام»، **مجله معرفت**، سال ۲۱، شماره ۱۸۳، صص ۲۷۰-۴۱.
- کوبلر راس، الیزابت (۱۳۸۶)، **پایان راه پیرامون مرگ و مردن**، ترجمه بهرامی، علی اصغر، تهران، انتشارات رشد.
- قانع‌راد، محمد امین و کریمی، مرتضی (۱۳۸۵)، «نمایشنامه فرهنگی مرگ و مردن (مورد مطالعه: بیماران سرطانی بیمارستان امام خمینی علیه السلام)»، **فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۵، بهار و تابستان، صص ۷۴-۵۱.
- لپ، اینیاس (۱۳۷۱)، **روان‌شناسی مرگ**، ترجمه رفیعی مهرآبادی، محمد، تهران: زحل.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، **بحار الأنوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مظفری ورسی، محمدحیدر (۱۳۹۲)، **مرگ‌اندیشی در آموزه‌های اسلامی**، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ملکشاهی بیرانوند، فاطمه؛ خدابخش بیرکلانی، روشنک؛ خسروی، زهره و عامری، فریده (۱۳۹۸)، «مقایسه و اثربخشی مداخله مبتنی بر مرگ‌آگاهی با مداخله شناختی رفتاری بر اختلال وحشت‌زدگی و اضطراب مرگ»، **مجله پژوهش در سلامت روان‌شناختی**، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۴۸ - ۳۹.
- Abdel-Khalek, A. M. (1998), The structure and measurement of death obsession. *Personality and Individual Differences*, 24, 159-165.
- Almasreh, E. , Moles, R. , & Chen, T. F. (2019), Evaluation of methods used for estimating content validity, *Research in Social and Administrative Pharmacy*, 15(2), 214-221.
- Buckman, R. (1993), *Communication in palliative care: a practical guide, In oxford textbook of palliative medicine* (doyle, D. Hanks. G. W. C& Macdonald, N. (eds), Oxford medical publications, Oxford.
- Cooper, M. (2003), *Existential therapies. London: Sage Publications experimental existential psychology*, New York: Guilford Press.
- Firestone, R. & Catlett, J. (2009), *Beyond death anxiety*, New York: Springer.
- Frias, A. , Watkins, P. C. , Webber, A. C. , & Froh, J. J. (2011), Death and gratitude: Death reflection enhances gratitude, *The Journal of Positive Psychology*, 6(2), 154-162.

- Ghorbani, N (2013), *Self narrated by self*, Tehran: Binesh-e-No Press (in Persian).
- Goranson, A. , Ritter,R. S. Waytz ,A, Norton, M. I , Gray, K. Dying . (2017) Is Unexpectedly Positive, *Psychol. Sci.* 28(7) 988–999.
- Grant, A. M. & Wade-Benzoni, K. A. (2009), The hot and cool of death awareness at work: Mortality cues, aging, and selfprotective and prosocials motivations, *Academy of Management Review*, 34(4), 600–622.
- Greenberg, J. , Koole, S. L. , & Pyszczynski, T. (Eds), (2004), Handbook of Hoelterhoff, M. E. (2010), Resilience against death anxiety in relationship to post traumatic stress disorder and psychiatric co- morbidity, *Thesis of DOCTOR OF PHILOSOPHY*. University of ply mounts, School of psychology.
- Kaestenbaum, Robert ,(2003), *Macmillan encyclopedia of death and dying*, Volume 1, New York, The Gale Group, Inc.
- Kenneth, V & Jacob, J(2015), An Appreciative View of the Brighter Side of Terror Management Processes. *J. Soc. Sci.* ; 4 (4): 1020-1045.
- Kenneth, V & Jacob, J. (2015) An Appreciative View of the Brighter Side of Terror Management Processes, *J. Soc. Sci.* ; 4 (4): 1020-1045.
- Kübler-Ross, E. (2009), *On death and dying: What the dying have to teach doctors, nurses, clergy and their own families*, Taylor & Franci.
- Lee, V. (2008), The existential plight of cancer: meaning making as a concrete approach to the intangible search for meaning, *Supportive Care in Cancer*, 16(7), 779-785.
- Maxfield, M. , Solomon, S. , Pyszczynski, T. , and J Greenberg, J(2010), Mortality Salience Effects on the Life Expectancy Estimates of Older Adults as a Function of Neuroticism, *J Aging Res.* 2010; 26.
- May, R. , & Yallom, I. (2000), *Existential psychotherapy*, In: Corsini, R. & Wedding, D. (eds.), current psychotherapies. Itasca Illinois: F. E. Peacock Publishers Inc.

- McCabe, S. Kenneth, E. & Arndt, J. (2018), The impact of death awareness on sizes of self- representational objects, *British Journal of Social Psychology*, 57(1), 174–188.
- McCullough, L. , Kuhn, N. , Andrews, S. , Kaplan, A. , Wolf, J. , &Hurely, C. (2003), *Treating affect phobia: A manual for short-term dynamic psychotherapy*, USA: Guilford Press.
- Mohammadpour, A. (2011), *Victor Frankl: the founder of logotherapy*, Tehran: Danzheh Press (in Persian).
- Polit, D. F. , Beck, C. T. , & Owen, S. V. (2007), Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations, *Research in nursing & health*, 10(2), 295-262.
- Rosenblatt, A. , Greenberg, J. , Solomon, S. , Pyszczynski, T. , & Lyon, D. (1989), Evidence for terror management theory: I. The effects of mortality salience on reactions to those who violate or uphold cultural values, *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 681–690.
- Stein, J. H. , & Cropanzano, R. (2011), Death awareness and organizational behavior, *Journal of Organizational Behavior*, 32(8), 1189-1193.
- Vail, K. E. , Juhl, J. , Arndt, J. , Vess, M. , Routledge, C. , & Rutjens, B. T. (2012), When Death is Good for Life Considering the Positive trajectories of Terror Management, *Personality and Social Psychology Review*, 6(4), 303-329.
- Wong, Waiying (2015), The Concept of Death and the Growth of Death Awareness Among University Students in Hong Kong: A Study of the Efficacy of Death Education Programmes in Hong Kong Universities, *OMEGA:Journal of Death and Dying*, v74, 3. 304-328.
- Wysoczańska, A. W. (1999) Everyday Awareness of Death: A Qualitative Investigation, *J. Humanist. Psychol*, 30 (3): 73-95.
- Yalom, I. (1980), *Existential psychotherapy*, USA: Yalom Family Trust

- Zhang, H. Hu, M. Zeng, L. Ma, M & Li, L. (2020), Impact of death ducation courses on emergency nurses' perception of effective behavioral responses in dealing with sudden death in China: A quasi-experimental study, *Nurse education today*, 85(2).

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۳۷-۶۳)

طراحی و ساخت مقیاس زمینه یابی پیمان شکنی زناشویی بر اساس اندیشه اسلامی (مقیاس اولیه)

Designing and developing a survey scale for marital infidelity based on Islamic thought (primary scale)

محمد زارعی توپخانه / عضو هیات علمی گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
راضیه جعفری / کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه مرودشت، ایران.
علی زهیری هاشم آبادی / دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
حدیث چراغیان / دکتری مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Mohammad Zarei Tubkhana / A member of the academic staff of the family department of Seminary and University, Qom, Iran. M.zarei@rihu.ac.ir

Razia Jafari / Master's degree in general psychology, Marvdasht University, Iran.

Ali Zuhairi Hashem Abadi / PHD student of psychology, Ethics and Education. research institute of Hawzah and University, qom, Iran.

Hadith Chiragian / PhD in Counseling, Mohaghegh Ardabili University, Ardabili, Iran.

Abstract

The present study was developed with the aim of designing, building and validating survey marital contract breaking scale based on Islamic thought. The research method is a sequential exploratory combination and includes two qualitative and quantitative parts. In the qualitative section, using the qualitative content analysis method, data were extracted from Islamic texts and categories and factors were obtained, and in the quantitative section, the results obtained from the qualitative section were used to extract items and build a scale. The sample size in the quantitative section is 50 married users in social networks who were selected by available sampling method. Based on the results of data validation, content validity ratio (CVR) and content

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی، ساخت و اعتبارسنجی مقیاس زمینه یابی پیمان شکنی زناشویی بر اساس اندیشه اسلامی تدوین گردید. روش پژوهش مذکور، ترکیبی اکتشافی متوالی است و شامل دو بخش کیفی و کمی می شود. در بخش کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، داده ها از متون اسلامی استخراج و مقوله ها و عوامل به دست آمد و در بخش کمی نتایج حاصل از بخش کیفی جهت استخراج گویه ها و ساخت مقیاس مورد استفاده قرار گرفت. حجم نمونه در بخش کمی ۵۰ نفر از کاربران متأهل موجود در شبکه های اجتماعی است که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. بر اساس نتایج حاصل از روایی سنجی داده ها، نسبت روایی محتوا

validity index (CVI) using the evaluation of 10 experts were reported in the range of 0.80 to 0.1, which shows the content validity of the scale. Also, the validity of the items was confirmed using the alpha coefficient of 0.81 and the method of halving the score of 0.61. Therefore, the initial scale was obtained with 56 items that can report the grounds and individual and relational factors of marital contract breaking based on Islamic thought.

Keyword: The scale of breaking the marital infidelity, infidelity, Islam.

(CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) با استفاده از ارزیابی ۱۰ نفر از کارشناسان در دامنه ۰/۸۰ تا ۱/۰ گزارش شد که نشان از تایید روایی محتوای مقیاس دارد. همچنین، اعتبارسنجی گویه‌ها با استفاده از ضریب آلفای ۰/۸۱ و روش دو نیمه کردن نمره ۰/۶۱ مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین، مقیاس اولیه با ۵۶ گویه به دست آمد که می‌تواند زمینه‌ها و عوامل فردی و ارتباطی پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس اندیشه اسلامی را گزارش نماید.

کلیدواژه‌ها: مقیاس پیمان‌شکنی زناشویی، خیانت، اندیشه اسلامی.

مقدمه

بسیاری از افراد در جوامع مختلف، زندگی زناشویی را تنها شیوه مناسب و مطلوب برای تأمین نیازهای عاطفی و جنسی می‌دانند و برقراری هرگونه ارتباط خارج از چارچوب ازدواج را مناسب نمی‌دانند (پِچِر^۱، ۲۰۱۷). پیمان‌شکنی زناشویی^۲ یکی از پرچالش‌ترین زمینه‌های تعارض‌های زناشویی است که هنجارهای انحصاری روابط زناشویی را می‌شکند، پایه‌های ازدواج را لرزان نموده و به نابودی نهاد مستحکم خانواده می‌انجامد (سوی^۳، اورگانسی^۴ و ساکمن^۵، ۲۰۲۰). اگر پیمان‌شکنی زناشویی را طیفی از حداقل رفتارهای عاطفی، جنسی تا رابطه جنسی کامل بدانیم در این صورت بین ۲۰ تا ۷۰ درصد زوجین پیمان‌شکنی زناشویی را گزارش کرده‌اند (بیرنباوم^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). بررسی صورت گرفته در مورد نگرش افراد به پیمان‌شکنی زناشویی در برخی کشورهای غربی حکایت از آن دارد که ۹۷ درصد از

1. Pacher, A.

2. Infidelity.

3. Sevi, B.

4. Urganci, B.

5. Sakman, E.

6. Birnbaum, G. E.

مشارکت‌کنندگان معتقدند برقراری روابط خارج از ازدواج امری ناشایست و غیر قابل قبول است (آبزوگ^۱، ۲۰۱۶). یافته پژوهش تساپلاس^۲، فیشر^۳ و آرون^۴ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد از شرکت‌کنندگان به تک‌همسری و روابط جنسی، عاطفی با همسر اعتقاد داشتند ۷۰ درصد از آنان همواره نگران پیمان‌شکنی همسر خود در زندگی بوده‌اند و ۲۰ درصد از آنان سابقه پیمان‌شکنی زناشویی را گزارش کرده‌اند.

مفهوم تعهد و پیمان‌شکنی بر اساس توقعات فرهنگی متفاوت است (پلوسو^۵، ۲۰۱۵). بر این اساس، فرهنگ و مذهب در تعریف، تبیین و درمان پیمان‌شکنی زناشویی اثرگذار است (استمپس^۶، ۲۰۲۰). پن^۷ و همکاران (۱۹۹۷) معتقدند که درمان‌گرانی که با مراجعین پیمان‌شکنی زناشویی از اقوام مختلف مواجه هستند باید معنا و مفهوم پیمان‌شکنی را در بافت فرهنگی، مذهبی مورد توجه قرار دهند.

اسلام پیوند زناشویی را پیوندی محکم و مقدس می‌داند و خواستار حراست و نگهبانی از آن می‌باشد. قرآن کریم، پیوند میان زن و مرد را میثاق غلیظ نامیده است: «زنانتان از شما پیمان محکم و استواری گرفته‌اند»^۸ (نساء/۲۱) و بنیادی محبوب‌تر از ازدواج (خانواده)، در نزد خدا، نهاده نشده است^۹ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳). در اسلام پیمان‌شکنی زناشویی نکوهش شده است و آن از عوامل اصلی ازهم‌پاشیدن پیوند زناشویی به‌شمار می‌آید. در روایتی از امام معصوم علیه السلام وارد شده است که روابط نامشروع وارد خانه‌ای نمی‌شود مگر آن را ویران می‌سازد^{۱۰} (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۶، ص ۱۸۷). از برخی گزاره‌های اسلامی به دست می‌آید که پیمان‌شکنی زناشویی شامل رابطه عاطفی و جنسی می‌شود. قرآن کریم زنی که پاکدامنی پیشه می‌کند را چنین توصیف می‌کند: «نه به‌طور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه

1. Abzug, R.

2. Tsapelas, I.

3. Fisher, H. E.

4. Aron, A.

5. Peluso, P. R.

6. Stamps, W. E.

7. Penn, C. D.

۸. وَ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا.

۹. مَا بَيْنِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزُّ مِنِّي مِنَ التَّرْوِيجِ.

۱۰. أَنْبَغُ لَا تَدْخُلُ بَيْنَنَا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا حَرَبٌ وَلَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرْكَةِ الْحَيَاتَةِ وَ... وَ الزَّيْنَا.

دوست پنهانی بگیرند»^۱ (نساء، آیه ۲۵). تفسیر قمی می‌نویسد: «غیرمسافحات یعنی بدون نیرنگ و فسق و فجور، و لامتخذات اخدان یعنی دوستی (از جنس مخالف) انتخاب نکنید» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۶). دوستی پنهان با جنس مخالف، روابط عاطفی نامشروع را دربرمی‌گیرد. قرآن کریم مرادده ناسالم و خلوت کردن و گفتگوهای عاشقانه همسر عزیز مصر با یوسف علیه السلام را خیانت دانسته است: «و آن زن که یوسف در خانه او بود از او تمنای کام‌جویی کرد. درها را بست و گفت بیا (که من در اختیار توام)»^۲ (یوسف، آیه ۲۳). با این وجود، در منابع دینی، پیمان‌شکنی جنسی بیشتر تقبیح شده است و در صورت اثبات در محاکم قضایی پیامد بسیاری سختی را به دنبال دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸). بر این اساس، زارعی (۱۳۹۸) با بررسی تفصیلی آیات و روایات، پیمان‌شکنی زناشویی از دیدگاه اسلامی را چنین تعریف کرده است: «هر گونه روابط عاطفی یا جنسی غیر شرعی که فرد با غیر از همسر خود داشته باشد».

بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد عوامل مختلفی در شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی دخیل هستند. راسکو^۳ و همکاران (۱۹۸۸) و دریگوتاس^۴ و همکاران (۱۹۹۹) کمبود جنسی-عاطفی، خشم، حسادت، انتقام، تنوع‌طلبی، روابط جنسی پیش از ازدواج، نارضایتی در رابطه فعلی، را از عوامل شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی دانسته‌اند. شاکلفورد^۵، بسر^۶ و گوتنز^۷ (۲۰۰۸)؛ بلو^۸ و هارتنت^۹ (۲۰۰۵)؛ آلن^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۸). عواملی مانند عدم وجود رابطه صمیمانه با همسر، هرزگی و فساد اخلاقی همسر، احساس تنهایی، عوامل فردی، اختلالات شخصیت، زندگی مجردی و دور از همسر، مشکلات اقتصادی، تنوع‌طلبی و فقدان رضایت جنسی، پیمان‌شکنی شوهر، ماجراجویی و حسادت، کمبود توجه

۱. أَتَوْهُنَّ أَجُوزَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ.
 ۲. وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ.

3. Roscoe, B.

4. Drigotas, S. M.

5. Shackelford, T. K.

6. Besser, A.

7. Goetz, A. T.

8. Blow, A. J.

9. Hartnett, K.

10. Allen, E.

و مراقبت توسط شوهر و ابراز علاقه زیاد توسط مردان را در شکل‌گیری پیمان‌شکنی مؤثر دانسته‌اند.

درمانگران و متخصصان بالینی به‌طور ویژه، برای سنجش روانی افراد در حوزه‌های مختلف (از جمله تعاملات خانوادگی) نیازمند جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مختلف هستند که معمولاً از آزمون‌ها و مقیاس‌ها استفاده می‌کنند (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). مطالعه پیشینه بحث در زمینه ابزارهای سنجش نشان می‌دهد که مقیاس‌های متعدد خارجی و داخلی در زمینه پیمان‌شکنی زناشویی ساخته شده است.

مقیاس خیانت زناشویی دریگوتس^۱ و همکاران (۱۹۹۹) یک پرسشنامه ۱۱ گویه‌ای است که برای پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی ساخته شده است و هر دو نوع پیمان‌شکنی عاطفی و جنسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مقیاس خیانت زناشویی بینسری^۲ و کوکدمیر^۳ (۲۰۰۶) دارای ۲۴ گویه است که از مؤلفه‌های مشروعیت، اغوا، عادی‌سازی، تمایلات جنسی، زمینه اجتماعی و هیجان‌خواهی تشکیل شده است. یوسفی و همکاران (۱۳۹۸) این پرسشنامه را رواسازی مجدد نموده‌اند و اعتبار و روایی مناسبی برای آن به دست آورده‌اند.

دیگر ابزار موجود در این زمینه، پرسشنامه سنجش خیانت همسر واگهان^۴ (۲۰۰۸) است. پرسشنامه مذکور ۳۵ گویه دارد که توسط مؤمنی جاوید، شعاع کاظمی و پورشهریاری (۱۳۹۴) در ایران ترجمه و اعتباریابی شد. ابزار رفتارهای پیمان‌شکنانه^۵ فینچام^۶، لمبرت^۷ و بیچ^۸ (۲۰۱۰)، رفتارهای پیمان‌شکنانه زوجین (مانند قرار ملاقات، بوسیدن، رابطه جنسی) با فردی غیر از شریک زندگی را می‌سنجد (سوی، اورگانی و ساکن، ۲۰۲۰). از امتیازات این مقیاس سنجش رفتارهای پیمان‌شکنانه زوجین است که اطلاعات خوبی در زمینه پیمان‌شکنی فعلی زوجین به دست می‌آید. هرچند این مقیاس در کشور ما هنجاریابی نشده است.

1. Drigotas, S. M.

2. Yeniceri, Z.

3. Kokdemir, D.

4. Vaughan, p.

5. Infidelity behaviors.

6. Fincham, F. D.

7. Lambert, N. M.

8. Beach, S. R.

مقیاس نگرش به خیانت واتلی^۱ (۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۲) از مقیاس‌های پرکاربرد است که نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد را در مورد پیمان‌شکنی زناشویی می‌سنجد. مقیاس اولیه آن دارای ۵۱ گویه بود و فرم کوتاه آن ۱۲ گویه دارد که حبیبی^۲ و همکاران (۲۰۱۹) مقیاس واتلی را در ایران اجرا و هنجاریابی مجدد نمودند. مقیاس ادراک خیانت دوستانه^۳ ویلسون^۴ و همکاران (۲۰۱۱) مقیاسی است که میزان ادراک افراد از رفتارهای نشان‌دهنده پیمان‌شکنی را ارزیابی می‌کند. مقیاس مذکور دارای ۱۲ گویه است و رفتارهای پیمان‌شکنانه در سه دسته صریح، مبهم و فریبنده تقسیم می‌شود و نمره بالاتر گویای رفتارهای به مراتب بیشتر در بروز پیمان‌شکنی است. مقیاس گرایش نسبت به خیانت زناشویی^۵ جونز^۶ (۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۹) مقیاسی ۷ گویه‌ای است که برای پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی با استفاده از انگیزه پیمان‌شکنی زوجین به کار می‌رود و از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است.

پژوهشگران داخلی نیز اقدام به تهیه مقیاس برای پیمان‌شکنی زناشویی نموده‌اند. بشیرپور، شفیع‌آبادی و دوکانه‌ای فرد (۱۳۹۷) مقیاس گرایش به خیانت زناشویی را تهیه کردند. این مقیاس دارای ۴۵ گویه و سه عامل فردی، خانوادگی و اجتماعی است و سازندگان آن اعتبار و روایی مناسبی برای آن گزارش داده‌اند.

در مجموع، مقیاس‌های پیمان‌شکنی زناشویی موجود هر کدام نقاط قوت و ضعف خود را دارند. بعضی از مقیاس‌های خارجی در ایران هنجاریابی نشده‌اند که استفاده از آن در فرهنگ ایرانی نیازمند اعتباریابی است. برخی دیگر از مقیاس‌های خارجی در ایران هنجاریابی شده‌اند اما با توجه به فرهنگ و هنجارهای جامعه هدف ساخته شده‌اند و ممکن است در فرهنگ ایرانی دقت لازم را نداشته باشند. در مقیاس بومی تلاش شده فرهنگ ایرانی مورد ملاحظه قرار گیرد اما از فرهنگ اسلامی و گزاره‌های دینی حاکم بر فرهنگ اسلامی بهره نبرده است. بر این اساس، ساخت مقیاس در زمینه پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس دیدگاه اسلامی و هم‌سو با فرهنگ ایرانی اسلامی ضرورت دارد که در پژوهش‌های گذشته صورت

1. Whatley, M.

2. Habibi, M.

3. PDIS: Perceptions of Dating Infidelity Scale.

4. Wilson, K.

5. ITIS: Intentions Towards Infidelity Scale.

6. Jones, D. N.

نگرفته است. همچنین، مقیاس‌های مذکور عمدتاً یک یا چند بعد از ابعاد پیمان‌شکنی زناشویی را در نظر گرفته‌اند و مقیاسی که عوامل و زمینه‌های مختلف پیمان‌شکنی زناشویی را سنجیده باشد کمتر مشاهده گردید. بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش شده است در حد امکان، همه عوامل و زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی از دیدگاه اسلامی استخراج گردد و در نهایت مقیاسی اولیه با رویکرد روان‌شناختی و با بهره‌گیری از متون دینی جهت زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی تهیه نماید.

روش پژوهش

روش پژوهش مذکور، ترکیبی اکتشافی متوالی است و شامل دو بخش کیفی و کمی می‌شود. ابتدا بخش کیفی انجام می‌شود و شامل گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی است. بخش دوم به منظور تفسیر یافته‌های کیفی، تعمیم یافته‌های کیفی و یا اغلب به منظور ساخت ابزار از آن استفاده می‌شود. بر این اساس، رویکردی سه مرحله‌ای صورت می‌پذیرد. مرحله اول، داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل می‌گردد. مرحله دوم، از آن تحلیل برای ساخت ابزار استفاده می‌شود و مرحله سوم، ابزار در یک نمونه از جامعه اجرا می‌گردد (کرسول، ۱۳۹۶). در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود که یکی از مهم‌ترین روش‌ها در روان‌شناسی اسلامی است که به استنباط، استخراج فرضیه‌ها، بررسی مبانی و مسائل از منابع دینی در موضوعات مختلف روان‌شناسی می‌پردازد (شجاعی، ۱۳۹۴، علیپور و حسنی، ۱۳۸۹). در تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرائی محقق بر اساس سوال و هدف پژوهش غرق شده مفهوم کلی به دست می‌آورد و کدهایی استخراج و نام‌گذاری صورت می‌گیرد و آن کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، طبقه‌بندی و در زیرطبقه‌ها/ زیرمقوله‌ها و طبقه‌ها/ مقوله‌ها جای می‌گیرد (شانون^۱، ۲۰۰۵). به منظور ارزشیابی، صحت، قابل اطمینان بودن و موثق بودن (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) از شاخص‌های اعتمادپذیری^۲، انتقال‌پذیری^۳، وابستگی و اتکاپذیری^۴، و تأییدپذیری^۵ استفاده نموده‌اند. اعتمادپذیری

1. Shannon, S.

2. Credibility.

3. Transformability.

4. Dependability.

5. Conformability.

معادل روایی درونی است. براین اساس، در این پژوهش جهت حصول معیار قابلیت اطمینان یا موثق بودن^۱ از شاخص‌های روایی گابا^۲ و لینکلن^۳ (۱۹۸۹) بهره برده شد. در بخش کمی پژوهش از روش توصیفی استفاده می‌گردد که در مقابل روش‌های آزمایشی قرار دارد که با مطالعه یک نمونه از جامعه، از روندها، نگرش‌ها یا عقاید آن جامعه توصیفی کمی یا عددی را فراهم می‌آورد (کرسول، ۱۳۹۶). در این پژوهش، یافته‌های حاصل از بخش کیفی پژوهش به اجرا در آمد و با استفاده از پرسشنامه، دیدگاه‌ها و نظرات افراد به دست آمد. بررسی روایی محتوا با دو شیوه نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) صورت می‌پذیرد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). این دو شیوه هم در بخش عامل‌یابی و هم بخش استخراج گویه‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

جامعه پژوهش در بخش کیفی، منابع معتبر اسلامی شامل قرآن و روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام است. روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نظری پیشنهادی گلیزر^۴ و اشتراوس^۵ (۱۹۶۷) است که نمونه‌برداری در طول مراحل پژوهش صورت می‌پذیرد. در بخش کمی در پژوهش‌هایی از نوع هم‌بستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفری برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد (دلاور، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه در این پژوهش اجرای اولیه مقیاس صورت می‌پذیرد از حجم نمونه ۵۰ نفری استفاده می‌گردد. جامعه آماری پژوهش کاربران متأهل موجود در شبکه‌های اجتماعی است که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های کامل مورد استفاده قرار گرفت و یافته‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss تحلیل شد.

شیوه اجرای پژوهش

برای شناسایی عوامل پیمان‌شکنی زناشویی و تهیه مقیاس آن مراحل زیر طی شد:
اول: کلیدواژه‌های عربی مرتبط با پیمان‌شکنی زناشویی، عوامل آن (مانند: زنا، خیانت، اخدان، محصنات، فاحشه، عفت و غیره) استخراج گردید.

1. Trustworthiness.

2. Guba, E. G.

3. Lincoln, Y. S.

4. Glaser, B.

5. Strauss, A.

دوم: تعیین منابع معتبر اسلامی و اولویت‌بندی آنها:
قرآن: اعتبار آن قطعی است و دلالت آن بر اساس نوع آیات با رجوع به لغت و مفاهیم و تفاسیر به دست آمد.

روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام: منابع روایی با معیار درجه‌بندی کتب روایی (طباطبائی، ۱۳۹۰) کتاب‌های درجه الف (کتاب‌های مقبول و مورد اعتماد شیعیان)، کتاب‌های درجه ب (صلاحیت نسبی دارند) و کتاب‌های درجه ج (کتاب‌های ضعیف که به عنوان اولویت سوم در نظر گرفته می‌شوند و گاهی به عنوان مؤید استفاده می‌شوند) مورد استناد قرار گرفتند.

سوم: استخراج آموزه‌های مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی از متون معتبر اسلامی و تشکیل خانواده حدیث (مسعودی، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است به منظور جمع‌آوری دقیق‌تر گزاره‌های دینی، منابع مرتبط با زوج، خانواده و پیمان‌شکنی زناشویی مانند جلد ۲۰-۲۱-۲۸ کتاب وسائل الشیعه و جلد ۱۴ کتاب مستدرک الوسائل مطالعه گردید و احادیث مرتبط استخراج گردید.

چهارم: دسته‌بندی گزاره‌های دینی مربوطه. در اینجا گزاره‌های مرتبط با پیمان‌شکنی زناشویی و عوامل و زمینه‌های آن استخراج گردید.

پنجم: استنباط، استخراج، کدگذاری، مقوله‌بندی و عامل‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی با رویکرد اسلامی.

ششم: روایابی و اعتبارسنجی عوامل و مقوله‌های پیمان‌شکنی زناشویی.
هفتم: ساخت گویه‌ها بر اساس عوامل و مقوله‌های استخراج شده همراه با دریافت نظر خبرگان.

هشتم: روایابی و اعتبارسنجی گویه‌ها و تهیه فرم نهایی مقیاس.

نهم: اجرای مقدماتی مقیاس در نمونه ۵۰ نفری.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش بعد از اعتبارسنجی منابع به شرح ذیل است:
با استفاده از کلیدواژه‌های کاربردی پژوهش مانند زنا، خیانت، اخدان، محصنات، فاحشه، عفت و غیره همچنین با مطالعه و مرور دو جلد کتاب مرتبط وسایل الشیعه، خانواده حدیث تشکیل گردید.

در مرحله بعد گزاره‌های دینی که مربوط به زمینه‌یابی و عامل‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی است جداسازی شده و دسته‌بندی شد. روایی و اعتبار سنجی مقوله‌ها و عوامل: گزاره‌های مربوط به بحث دسته‌بندی شد و به‌منظور روایی و اعتبار سنجی مقوله‌ها و عوامل پیمان‌شکنی زناشویی از دیدگاه اسلامی جدول ۱ تنظیم گردید تا ارزیابان دیدگاه خود را در مورد مقوله‌ها و عوامل پیمان‌شکنی مستخرج از منابع اسلامی ارائه نمایند.

جدول ۱: مستندات، مقوله‌ها و عوامل

عامل	مقوله	مستندات
فردی	مذهبی	«انسان مسلمان از خیانت بری است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۸۴) «مؤمن زنا نمی‌کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۳۱)
	قوه عقلانی	۱. «از عقل اموری ریشه می‌گیرد... از جمله اداء امانت و ترک خیانت و خویش‌داری جنسی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۸). ۲. «در روایت دیگری اداء امانت و دوری از خیانت از جمله جنود عقل دانسته شده است» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۱۳۴۴ش، ص ۲۴۸).
	خویش‌داری	در منابع دینی تأکید شده است که اجتناب از زنا، با عفت‌مداری میسر می‌شود. مانند: «... و خوب عفت و ترک زنا» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۲) «عفت پیشه کنید تا زنانتان عقیف بمانند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۱۸) حضرت موسی <small>علیه السلام</small> می‌فرماید: «الهی پاداش کسی که خیانت را به خاطر حیا از تو ترک کند چیست؟ فرمود: ای موسی ایمنی در روز قیامت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۸۴)
	تنبه به خطا	«اما رزانه، ترک خیانت از آن منشعب می‌گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۸). «از سه دسته بترس: خائن، ... زیرا کسی که به نفع تو خیانت کند روزی به خودت نیز خیانت خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۲۹).
	ایمنی خود	«... خیانت از اخلاق انسان‌های کریم به دور است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸). «کسی که نفسش برای او کریم باشد، شهوات در نظرش خوار می‌گردد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۱).

جدول ۲ فرایند کدگذاری، مقوله‌بندی و استخراج عوامل با مشورت با کارشناسان به دست آمده است. همان‌طور که در جدول زیر گزارش شده است فرایند کدگذاری، مقوله‌بندی و استخراج عوامل به تفصیل ذکر شده است.

جدول ۲: کدگذاری، مقوله‌بندی و استخراج عوامل

عوامل	مقوله	کدها
زنان	ضعف پایبندی مذهبی	کفر- ضعف ایمان- فسق- نفاق
	ضعف پختگی عقلانی	جهالت- زوال عقل- عدم تدبیر
	ضعف خویشتن‌داری	ضعف عفت- ضعف حیا- ضعف ورع
	ضعف ثبات هیجانی	عدم وزانت و وقار- رشد نایافتگی- عجله- تبدیل
	ضعف حرمت خود	کرامت نفس- مروت- شرافت نفس
	اباحه‌گری	ضعف غیرت- دباثت
	بدبینی	گمان- غیرت نابه‌جا
	تنوع‌طلبی	ذواق- کثرت طلاق
	گم‌گشتگی هویت	اشتغال نفس به غیر خودش- جهل به خود
	جنون	جنون- عدم مالکیت بر نفس
	موسیقی محرک	غنا- لغو حدیث- نواختن آلات لهو
	عدم مدیریت ذهن	فکر گناه- وسوسه- حدیث نفس- تسلط شیطان- توجیه- تسویل
	آمادگی سرشتی	طبیعت- طینت- ولد زنا- خلقت- نطفه
	تغذیه نامشروع	شراب- گوشت خوک
	فقر و نیاز مالی	فقر- گرسنگی- تشنگی
	ضعف تکیه‌گاهی مردان	بلا تکلیف‌گذاران زنان- ضایع کردن همسر- دوری از همسر- بخل و خست- ضعف غیرت- حفاظت- غفلت- واگذاری همسر به غیر- عدم تأمین مالی

عوامل	مقوله	کدها
عوامل زنی	زمینه‌های خانوادگی	خضرا دمن- ضعف عفت در خانواده- مزاحمت نوامیس
	زمینه‌های قومی و اجتماعی	طایفه غیرعقیف- زنان فاسق- زنان قریش
	عدم آراستگی ظاهری	آرایش- لباس نو- کوتاه کردن مو- مسواک- پاکیزگی- خضاب- عطر
	نیاز عاطفی زنان	کتک و بد دهنی- دلسوزی- شاد نمودن- هدیه
	پوشش نامناسب	آرایش برای نامحرم- زینت- کلاه متروکه- موها- پوشش بدن نما
	نیاز جنسی	عجله در رابطه جنسی- ملاعبه و بازی- دوری از رابطه جنسی- عدم تأمین جنسی- متعه
	ضعف پذیرندگی زنان	اطاعت‌پذیری- گوش ندادن- عدم صبر- عبوس بودن- بد دهنی- اصرار بر رفتارهای محرک
	تعامل ناسالم (اختلاط)	برخورد با نامحرم- دیدار و ملاقات- خلوت با نامحرم- خوابیدن در حضور نامحرم
	انتقام از همسر	عصبیان- نسبت زنا به خود
	ابهام مرزهای درون خانوادگی	زینت در مقابل غیر همسر- رابطه زناشویی در مقابل فرزندان- لمس آلت فرزند- عدم پوشش و ستر در رابطه جنسی
	عدم مدیریت دیدار	چشم‌های خیانت‌کار- نگاه به موها و زینت نامحرم- تکرار نگاه به جنس مخالف- مطالعه متون محرک- زنا‌ی چشم
	اجبار و اضطراب	عدم مالکیت بر نفس- کراهت- اضطراب- عدم تجاوز از حدود
	ارتباط کلامی مخرب	اخلاق تند- نسبت زنا- غضب
	عدم مدیریت شنیدار	شنیدن مطالب شهوت‌انگیز- شنیدن صدای نازک زنان- گوش ندادن به توصیف زنان دیگر- زنا‌ی گوش
	عدم مدیریت لمس	دست دادن- سوار بر زین شدن بانوان- زنا‌ی دستان- بوسیدن- لمس کردن
عدم مدیریت گفتار	سخن شهوت‌انگیز با نامحرم- شوخی کردن- هم کلامی و گفتگوی غیر ضروری با جنس مخالف	
عدم مدیریت شامه	عطر زنان- استشمام عطر مردان	

با توجه به فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی، دو عامل فردی و ارتباطی استخراج می‌گردد. که به تفصیل مقوله‌های آنها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

یافته حاصل از تحلیل دیدگاه ارزیابان در مورد مقوله‌ها و عوامل پیمان‌شکنی زناشویی صحت، قابل اطمینان بودن و موثق بودن (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) با استفاده از شاخص‌های اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری و تأییدپذیری گابا و لینکلن (۱۹۸۹) مورد تأیید قرار گرفت.

یافته پژوهش در شاخص اعتمادپذیری با استفاده از نسبت روایی محتوا (CVR) بر اساس محاسبه صورت گرفته برای ۳۳ عامل با ارزیابی ۱۱ کارشناس نشان می‌دهد، مقدار CVR در دامنه‌ای بین ۰/۶ تا ۱ به دست آمد که با توجه به اینکه بالاتر از ۰/۵۹ است (لاوشه^۱، ۱۹۷۵) نسبت روایی محتوا تأیید گردید. مقدار CVR در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳: نسبت روایی محتوا عوامل روابط فرازناشویی (CVR)

CVR	عوامل	CVR	عوامل	CVR	عوامل
۰/۷۰	تعارض‌های زناشویی	۱/۰	عدم مدیریت ذهن	۰/۹۰	ضعف پایبندی مذهبی
۰/۶۰	انتقام از همسر	۰/۷۰	تغذیه نامشروع	۰/۹۰	ضعف پختگی عقلانی
۰/۹۰	زمینه‌های قومی اجتماعی	۰/۹۰	فقر و نیاز مالی	۰/۹۰	ضعف خویش‌داری
۱/۰	پوشش نامناسب	۰/۶۰	آمادگی‌های سرشتی، ژنتیکی	۰/۹۰	ضعف ثبات هیجانی
۱/۰	تعامل ناسالم (اختلاط)	۱/۰	زمینه‌های خانوادگی	۱/۰	ضعف حرمت خود
۱/۰	عدم مدیریت دیدار (نگاه)	۰/۹۰	ضعف تکیه‌گاهی مردان	۰/۹۰	اباحه‌گری
۰/۹۰	عدم مدیریت گفتار	۱/۰	نیاز عاطفی زنان	۰/۹۰	بدبینی
۰/۹۰	عدم مدیریت شنیدار	۱/۰	عدم آراستگی ظاهری	۰/۹۰	تنوع‌طلبی
۰/۹۰	عدم مدیریت لمس	۰/۶۰	ضعف پذیرندگی زنان	۰/۷۰	گم‌گشتگی هویت
۰/۹۰	عدم مدیریت شامه	۱/۰	نیاز جنسی	۰/۶۰	جنون
۰/۶۰	اجبار و اضطراب	۰/۹۰	مرزهای درون‌خانوادگی در هم تنیده	۰/۷۰	موسیقی محرک

در شاخص روایی محتوا (CVI) کارشناسان به طور مستقیم درصد ارزیابی ارتباط و تطابق داده‌ها با محتوای مورد نظر هستند (ویند^۲، اسمیت^۳، شیفرم^۴، ۲۰۰۳). در پژوهش مقدار قابل قبول برای شاخص روایی محتوا برابر با ۰/۷۹ است اگر شاخص گویه یا داده‌ای کمتر از

1. Lawshe C. H.
2. Wynd, C. A.
3. Schmidt, B.
4. Schaeferm M. A.

این باشد کنار گذاشته می‌شود (پولیت^۱ و بک^۲، ۲۰۰۶). با توجه به محاسبه صورت گرفته برای ۳۳ عامل با ارزیابی ۱۱ کارشناس، مقدار CVI در دامنه‌ای بین ۰/۸۱ تا ۱ به دست آمد که با توجه به بالاتر بودن از ۰/۷۹ شاخص روایی محتوا تأیید می‌شود. مقدار CVI پژوهش مذکور در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴: شاخص روایی محتوا عوامل روابط فرازشویی (CVI)

عوامل	CVI	عوامل	CVI	عوامل	CVI
ضعف پایبندی مذهبی	۱/۰	عدم مدیریت ذهن	۱/۰	تعارض‌های زناشویی	۰/۹۰
ضعف پختگی عقلانی	۱/۰	تغذیه نامشروع	۱/۰	انتقام از همسر	۰/۸۱
ضعف خویشن داری	۱/۰	فقر و نیاز مالی	۱/۰	زمینه‌های قومی اجتماعی	۱/۰
ضعف ثبات هیجانی	۰/۸۱	آمادگی‌های سرشتی، ژنتیکی	۰/۸۱	پوشش نامناسب	۱/۰
ضعف حرمت خود	۱/۰	زمینه‌های خانوادگی	۱/۰	تعامل ناسالم (اختلاط)	۱/۰
اباحه‌گری	۰/۹۰	ضعف تکیه‌گاهی مردان	۱/۰	عدم مدیریت دیدار (نگاه)	۱/۰
بدبینی	۱/۰	نیاز عاطفی زنان	۱/۰	عدم مدیریت گفتار	۱/۰
تنوع‌طلبی	۱/۰	عدم آراستگی ظاهری	۱/۰	عدم مدیریت شنیدار	۱/۰
گم‌گشتگی هویت	۰/۹۰	ضعف پذیرندگی زنان	۰/۸۱	عدم مدیریت لمس	۱/۰
جنون	۱/۰	نیاز جنسی	۱/۰	عدم مدیریت شامه	۱/۰
موسیقی محرک	۰/۹۰	مرزهای درون خانوادگی درهم تنیده	۱/۰	اجبار و اضطراب	۰/۸۱

روایی و اعتبارسنجی گویه‌ها: به منظور ساخت مقیاس، عوامل و زمینه‌های فردی و ارتباطی به کار گرفته شد. از بین مقوله‌ها، ۳۲ مقوله برای ساخت مقیاس مورد استفاده قرار گرفت و مقوله «آمادگی‌های سرشتی» به دلیل مشکل بودن تخصیص گویه، کنار گذاشته شد. در نهایت با مشورت متخصصان برای هر مقوله دو تا سه گویه ساخته شد که در مجموع ۶۶ گویه به دست آمد.

به منظور بررسی روایی محتوا گویه‌های مقیاس از دو شیوه نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). بر اساس محاسبه صورت گرفته، ۶۶ گویه برای ۳۲ مقوله در عوامل فردی و ارتباطی در نظر گرفته شد. در این

1. Polit, D. F.

2. Beck, C. T.

بین، ۵۸ گویه مقدار نسبت روایی محتوا (CVR)، در دامنه ۰/۸۰ تا ۱/۰ به دست آمد که با توجه به اینکه بالاتر از ۰/۶۲ است نسبت روایی محتوا تأیید گردید. همچنین، بر اساس محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) و با توجه به ارزیابی ۱۰ کارشناس مقدار CVI برای ۵۸ گویه در دامنه ۰/۸۰ تا ۱/۰ به دست آمد که با توجه به اینکه بالاتر از ۰/۷۹ است، نسبت روایی محتوا تأیید گردید. بنابراین، در مجموع روایی محتوا برای ۵۸ گویه مورد تأیید نهایی قرار گرفت. به منظور بررسی اعتبار گویه‌های مقیاس از دو روش ضریب آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن استفاده شد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). بر اساس نتایج به دست آمده با حذف ۲ گویه، آلفای کرونباخ به حداکثر ۰/۸۱ رسید. ضریب دونیمه‌سازی نیز مقدار ۰/۶۱ را نشان داد که اعتبار قابل قبولی را گزارش می‌دهد. همچنین، هم‌بستگی این مقیاس با مقیاس گرایش به خیانت زناشویی^۱ جونز^۲ (۲۰۱۹، ۲۰۰۹) مثبت و معنادار شد ($r=۱۴$ ، $P\leq ۰/۰۵$) در مجموع می‌توان مقیاس اولیه زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی را دارای روایی و اعتبار مناسب ارزیابی نمود که در پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی قابل استفاده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته بخش اعتبار و روایی سنجی مقوله‌ها و عوامل پژوهش‌گویی این مطلب است که از دیدگاه اسلامی ۳۳ مقوله موجب شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی می‌شود که ۱۵ تا در عامل فردی و ۱۸ تا در عامل ارتباطی جای می‌گیرند. عامل فردی شامل: ضعف قوه عقلانی، ضعف پایبندی مذهبی، ضعف ثبات هیجانی، ضعف خویش‌نوازی، اباحه‌گری، ضعف حرمت خود، تنوع‌طلبی، بدبینی، جنون، گم‌گشتگی هویت، عدم مدیریت ذهن، موسیقی محرک، تغذیه نامشروع، آمادگی‌های سرشتی، فقر و نیاز مالی است. عامل ارتباطی شامل: زمینه‌های قومی و اجتماعی، زمینه‌های خانوادگی، ضعف تکیه‌گاهی مردان، عدم آراستگی ظاهری، نیاز عاطفی زنان، نیاز جنسی، ضعف پذیرندگی زنان، انتقام از همسر، ابهام مرزهای درون‌خانوادگی، اجبار و اضطراب، ارتباط کلامی مخرب، پوشش نامناسب، تعامل ناسالم (اختلاط)، عدم مدیریت دیدار (نگاه)، عدم مدیریت شنیدار، عدم مدیریت شامه، عدم مدیریت گفتار و عدم مدیریت لمس است.

1. ITIS: Intentions Towards Infidelity Scale.

2. Jones, D. N.

یافته‌های مذکور هم‌سو با گزاره‌های دینی مذکور است و بر اساس آنها تبیین می‌شود. عوامل فردی شامل، ضعف پابندی مذهبی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۸۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۳۱)، ضعف قوه عقلانی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۸)، ضعف خویشتن‌داری (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۲۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۸)، ضعف ثبات هیجانی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۷)، ضعف حرمت خود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱)، اباحه‌گری (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۸۴)، بدبینی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۷)، تنوع‌طلبی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۴)، گم‌گشتگی هویت (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۰)، جنون (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۱۰)، موسیقی محرک (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۲۳۹)، عدم مدیریت ذهن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹)، آمادگی‌های سرشتی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۱۷۲)، تغذیه نامشروع (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷۶، ص ۱۳۶)، فقر و نیاز مالی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۱۲) و عوامل ارتباطی شامل ضعف تکیه‌گاهی مردان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۱۱۶)، زمینه‌های خانوادگی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۵۵)، زمینه‌های قومی و اجتماعی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۵۷)، عدم آراستگی ظاهری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۷)، نیاز عاطفی زنان (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۳)، پوشش نامناسب (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷۸)، نیاز جنسی (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۹)، ضعف پذیرندگی زنان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۷)، تعامل ناسالم (اختلاط) (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۶۵)، انتقام از همسر (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۵۶)، ابهام مرزهای درون خانوادگی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۳۴)، عدم مدیریت دیدار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۱۳)، اجبار و اضطراب (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۱۰)، تعارض زناشویی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۷)، عدم مدیریت دیدار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۱۳)، عدم مدیریت لمس (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۱۳)، عدم مدیریت گفتار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۱۳)، عدم مدیریت شامه (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۳۹) است.

نتایج بسیاری از پژوهش‌های، عوامل پیمان‌شکنی زناشویی مستخرج از منابع دینی را تأیید می‌کنند. برخی پژوهش‌ها، کمبود جنسی-عاطفی، خشم، حسادت، انتقام، تنوع‌طلبی، روابط جنسی پیش از ازدواج، نارضایتی در رابطه فعلی، احساس عدم امنیت یا نامطمئن بودن در مورد رابطه، علاقه مفرط برای برقراری رابطه عاشقانه با فرد خارج از رابطه زناشویی، نارضایتی جنسی، ناتوانی در کنترل وسوسه‌ها، مصرف دارو یا الکل را ذکر کرده‌اند (راسکو و

همکاران، ۱۹۸۸؛ دریگوتاس و همکاران، ۱۹۹۹؛ فلدمن و کافمن، ۱۹۹۹؛ فلدمن و همکاران، ۲۰۰۰؛ گلاس^۱ و رایت^۲، ۱۹۸۸، زارعی و چراغیان، ۱۳۹۸). پژوهش‌های دیگری عدم وجود رابطه صمیمانه با همسر، هرزگی و فساد اخلاقی همسر، احساس تنهایی، عوامل فردی، اختلالات شخصیت، زندگی مجردی و دور از همسر، مشکلات اقتصادی، تنوع‌طلبی و فقدان رضایت جنسی، پیمان‌شکنی شوهر، ماجراجویی و حسادت، کمبود توجه و مراقبت توسط شوهر و ابراز علاقه زیاد توسط مردان دیگر از عوامل پیمان‌شکنی زنان دانسته‌اند (شاکلفورد، بسر و گوتز، ۲۰۰۸؛ بلو و هارتنت، ۲۰۰۵؛ آلن و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، تفاوت‌های فردی (نگرش‌ها و صفات شخصیتی)، کیفیت رابطه جنسی-عاطفی و رضایت از زندگی، شرایط محیطی از عوامل پیمان‌شکنی زناشویی شمرده شده‌اند (فریکر^۳، ۲۰۰۶؛ ویدرمن^۴، هرد^۵، ۱۹۹۹). همچنین، این یافته با رویکرد میان‌نسلی سیستمی^۶ پیمان‌شکنی زناشویی هم‌سو است که عوامل فردی (باورها، انتظارات، مکانیزم‌های دفاعی فردی)، رابطه‌ای (سبک‌های ارتباطی، حل تعارض و نقش‌ها) و میان‌نسلی (تأثیرات خانواده اصلی) را در پیمان‌شکنی زناشویی برجسته می‌سازد (فایف^۷، ویکس^۸ و گامبسیا^۹، ۲۰۰۸).

یافته بخش اعتبار و روایی سنجی گویه‌ها و مقیاس نشان می‌دهد مقیاس اولیه زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی دارای ۵۶ گویه است که دارای دو عامل فردی و ارتباطی است. گویه‌های ۱ تا ۲۴ گویای عوامل فردی است و گویه‌های ۲۵ تا ۵۶ عوامل ارتباطی را نشان می‌دهند. در این مقیاس پاسخ‌دهندگان به یک طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای از کاملا مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نسبتاً مخالفم (۳)، نه موافق نه مخالف (۴)، نسبتاً موافقم (۵)، موافقم (۶) و کاملاً موافقم (۷) پاسخ می‌دهند.

پژوهش مذکور دارای محدودیت‌هایی است. از آنجایی که اجرای اولیه مقیاس با نمونه

1. Glass, S.

2. Wright, T.

3. Fricker, J.

4. Wiederman, M. W.

5. Hurd, C.

6. intersystems approach.

7. Fife, S. T.

8. Weeks, G. R.

9. Gambescia, N.

۵۰ نفری صورت پذیرفته است تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت پذیرد. از این رو اجرای مقیاس در نمونه‌های بزرگتر و جوامع و فرهنگ‌های مختلف پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۸)، ترجمه مکارم شیرازی، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶)، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران.
- بشیرپور، محراب؛ شفیع آبادی، عبدالله و دوکانه‌ای فرد، فریده (۱۳۹۷)، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس گرایش به خیانت زناشویی، روان‌سنجی، ۶(۲۴): ۳۷-۵۵.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- دلاور، علی (۱۳۸۸)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
- زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۸)، طراحی و تدوین بسته زوج‌درمانگری چندوجهی با رویکرد اسلامی برای مداخله در روابط خارج ازدواج، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زارعی توپخانه، محمد و چراغیان، حدیث (۱۳۹۸)، انقلاب جنسی و نهضت خودمهارگری در غرب، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، طراحی زوج‌درمانی شناختی رفتاری مبتنی بر متون اسلامی و مقایسه کارآمدی آن با زوج‌درمانی شناختی رفتاری توسعه یافته در افزایش رضایت زناشویی زوج‌ها، رساله دکتری روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۲)، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- شجاعی، محمد صادق (۱۳۹۴)، روان‌شناسی اسلامی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰)، منطق فهم حدیث، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق/۱۳۷۰ش)، مکارم اخلاق، قم: الشریف الرضی.
- علی‌پور، مهدی و حسنی، سید حمیدرضا (۱۳۸۹)، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم: مؤسسه دارالکتاب.
- فتوحی آشتیانی، علی (۱۳۹۵)، آزمون‌های روان‌شناختی (ج ۲)، تهران: انتشارات بعثت.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۶)، طرح‌های پژوهش، رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: جهاد دانشگاهی.

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷)، تحکیم خانواده، قم: دارالحدیث.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۵)، درسنامه فقه الحدیث، قم: مؤسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث.
- مؤمنی جاوید، مهرآور، شعاع کاظمی، مهرانگیز، پورشهریاری، مه سیمما (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد بین فردی بر بهبود روابط زناشویی مادران خیانت دیده، مطالعات روان‌شناختی، ۱۱(۲)، ۸۷-۱۱۳.
- مؤمنی جاوید، مهرآور؛ شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۵)، دیدگاه‌های نظری پیمان‌شکنی زناشویی و بهبود روابط، تهران، آوای نور.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البتیت ع.
- یوسفی، رحیم؛ کریمی، سارا و سلیمانی، مهران (۱۳۹۸)، روسازی پرسشنامه خیانت زناشویی، مجله روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۷(۱): ۲۳۷-۲۴۸.
- Abzug, R. (2016), Extramarital affairs as occupational hazard: A structural, ethical (cultural) model of opportunity, *Sexualities Journal*, 19 (1-2), 25_45.
- Allen, E. S. , & Atkins, D. C. (2005), The multidimensional and developmental nature of infidelity: Practical applications, *clinical psychology*, ;61(11):1371-82.
- Allen, E. S. , Rhoades, G. K. , Stanley, S. M. , Markman, H. J. , Williams, T. , Melton, J. , & Clements, M. L. (2008), Premarital precursors of marital infidelity, *Family process*, 47(2), 243-259.
- Atkins, D. C. , Baucom, D. H. , & Jacobson, N. S. (2001), Understanding infidelity: Correlates in a national random sample, *Journal of Family Psychology*, 15, 735-749.
- Balderrama-Durbin, C. , Stanton, K. , Snyder, D. K. , Cigrang, J. A. , Talcott, G. W. , Smith Slep, A. M. , Heyman, R. E. , Cassidy, D. G. (2017), The risk for marital infidelity across a year-long deployment, *Journal of Family Psychology*, 31(5):629-634.
- Barkow, J. H. , Cosmides, L. , & Tooby, J. (Eds.) (1992), *The adapted mind*:

Evolutionary psychology and the generation of culture, New York: Oxford University Press.

- Birnbaum, G. E. , Mizrahi, M. , Kovler, L. , Shutzman, B. , Aloni-Soroker, A. , & Reis, H. T. (2019), Our fragile relationships: Relationship threat and its effect on the allure of alternative mates, *Archives of Sexual Behavior*, 48, 703–713.
- Blow, A. J. , & Hartnett, K. (2005), Infidelity in committed relationships ii: A substantive review, *Journal of marital and family therapy*, 31(2), 217-233.
- Brown, E. M. (2013), *Patterns of infidelity and their treatment*, London: Routledge.
- Buss, D. M. , Larsen, R. J. , Westen, D. , & Semmelroth, J (1992), Sex differences in jealousy: Evolution, physiology, and psychology, *Psychological Science*, 3, 251-255.
- Canto, J. M. , Alvaro, J. L. , Pereira, C. , Garrido, A. , Torres, A. R. , Pereira, M. E. (2017), Jealousy, Gender, and Culture of Honor: A Study in Portugal and Brazil, 151(6):580-596.
- Drigotas, S. M. , Safstrom, C. A. , & Gentilia, T (1999), An investment model prediction of dating infidelity, *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(3), 509-515.
- Drigotas, S. M. , & Barta, W (2001), The cheating heart: Scientific explorations of infidelity, *Current Directions in Psychological Science*, 10(5), 177-180.
- Eagly, A. , & Wood, W. (1991), Explaining sex differences in social behavior: A metaanalytic perspective, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 17, 306-315.
- Fenigstein, A. , & Peltz, R. (2002), Distress over the infidelity of a child's spouse: A crucial test of evolutionary and socialization hypotheses, *Personal Relationships*, 9, 301-312.
- Fincham, F. D. , Lambert, N. M. , & Beach, S. R. (2010), Faith an

dunfaithfulness :Can praying for your partner reduce infidelity?, *Journal of Personality and Social Psychology*, 99,649–659.

- Floor, W. M. (2008), *A social history of sexual relations in Iran*, Washington, DC : Mage Publishers.
- Fricker, J. (2006), *Predicting infidelity: The role of attachment styles, lovestyles, and the investment model*. Swinburne University of Technology Melbourne, Australia.
- Gemmer, S. J. (2012), *Exploring Infidelity: Developing the GEM RIM (Gemmer's Risk of Infidelity Measure)*, the requirement for the degree of doctor of psychology, Wright State University.
- Ghayyur , T. (2010), *Marriage: Conflict, Divorce in the Muslim Community: 2010 Survey Analysis*, Copyright © 2010 Sound Vision Foundation.
- Glass, S. P. , & Wright, T. L. (1988), *Clinical Implications of research on extramarital involvement*, In R. Brown and J. Field (Eds.), *Treatment of Sexual Problems in Individual and Couples Therapy*(pp. 301-346), New York: PMA.
- Glaser, B. , & Strauss, A. (1967), *The Discovery of Grounded Theory Strategies for Qualitative Research*, Mill Valley, CA Sociology Press.
- Guba, e. g. & Lincoln, y. (1989), *fourth generation evaluation*. newbury park, CA sage.
- Habibi, M. Sayed Alitabar, S. H. Pouravari, M. Salehi, S. (2019), *Reliability, validity and factor structure for the attitudes toward infidelity scale*, *Journal of Research & Health*, 9(4): 294- 301.
- Jones, D. N. (2009), *The personality of a cheater*, Manuscript in preparation
- Jones, D. N. (2011/2019), *The Intentions Towards Infidelity Scale*, In T. D. Fisher, C. M. Davis, W. L. Yarber, & S. L. Davis (Eds.) *Handbook of Sexuality-Related Measures* (3rd ed. , pp. 251–253), New York: Routledge.
- Lammers, J. , Maner, J. (2016), *Power and Attraction to the Counternormative Aspects of Infidelity*, *Journal of Sex Research*, 53(1):54-63.

- Landeta, J. (2006), Current validity of the Delphi method in social sciences. *Technological Forecasting and Social Change*; 73(5); 467-82.
- Lawshe C. H. (1975), A quantitative approach to content validity, *Personnel Psychology*, 28, 563-575.
- McDaniel, B. T. , Drouin, M. , Cravens, J. D. (2017), Do You Have Anything to Hide? Infidelity-Related Behaviors on Social Media Sites and Marital Satisfaction, *Computers in Human Behavior*, 66: 88–95.
- Messripour, M. E. , O. Ahmadi, S. A. Jazayeri, R. (2016), Analysis of the Reasons for Infidelity in Women with Extra-marital Relationships: A Qualitative Study, *Canadian Center of Science and Education*, 10, 5, 1913-1852.
- Michelle M. J. Anthony P. J. Michael D. M. (2014), Risk Factors Associated with Women’s Marital Infidelity, *Contemporary Family Therapy*, 36(3), 327–332.
- Mitchell, L. (2000), Attachment to the missing object: Infidelity and obsessive love, *Journal of Applied Psychoanalytic Studies*, 2(4), 383-395.
- Pacher, A. (2017), Extramarital affairs in contemporary Japan: Current situation & trends, *The Journal of Sexual Medicine*, 14 (5), 300_310.
- Penn, C. D. , Hernandez, S. L. , & Bermudez, J. M. (1997), Using a cross-cultural perspective to understand infidelity in couples therapy, *The American Journal of Family Therapy*, 25(2): 169-185.
- Peluso, P. R. (2015), *Infidelity: A Practitioner’s Guide to Working with Couples in Crisis (Family Therapy and Counseling)*, New York, Routledge.
- Polit, D. F. , Beck, C. T. (2006), The Content Validity Index, *Research in Nursing & Health*, 29, 489-497.
- Roscoe, B. , Cavanaugh, L. E. , Kennedy, D. R. (1988), Dating infidelity: behaviors, reasons and consequences, *Adolescence*;23(89):35-43.
- Rusbult, C. E. , Drigotas, S. M. , & Verette, J. (1994), The investment model: An interdependence analysis of commitment processes and relationship

maintenance phenomena, In D. Canary & L. Stafford (Eds.), *Communication and relationship maintenance* (pp. 115-139), San Diego: Academic Press.

• Ruza, I. , & Ruza, A. (2012), “Causal explanation for infidelity of Latvian residents in dating and marital relationships”, *Journal of Family Psychology*, 28(1), 236-242.

• Sevi, B. Urganci, B. Sakman, E. (2020), Whocheats? A nex amination of light and dark personality traits a spredictors of infidelity, *Personality and Individual Differences*, 167.

• Shackelford, T. K. , Besser, A. , & Goetz, A. T. (2008), Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity, *Individual Differences Research*, 6(1), 13-25.

• Shannon, S. (2005), Three approaches to qualitative content analysis, *Qualitative Health Research*. ;15(9):1277-88.

• Shultz, K. S. , Whitney, D. J. , Zickar M. J. (2014), *Measurement theory in action: action: case studies and exercises*, New York, NY: Routledge.

• Schonian, S. (2013), *Perceptions and Definition of Infidelity: A Multimethod Study*, Master of Science Department of Marriage and Family Therapy, University of Nevada.

• Spanier, G. B. (1979), The measurement of marital quality, *Journal of Sex & Marital Therapy*, 5(3), 288-300.

• Stamps, W. E. (2020), *Treatment of infidelity as a clinical issue in couple therapy: a critical review of the literature*, A clinical dissertation submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Psychology, Pepperdine University Graduate School of Education and Psychology.

• Streiner, D. L. , Norman, G. R. , Carirnety, J. (2015), *Health Measurement Scales, A Practical Guide to Their Development and Use*, Oxford: Oxford University Press.

- Toplu-Demirtaş, E. , Fincham, F. D. (2018), Dating Infidelity in Turkish Couples: The Role of Attitudes and Intentions, 55(2):252-262.
- Tsapelas, I. , Fisher, H. E. , & Aron, A. (2010) “Infidelity: when, where, why, New York: Routledge.
- Vaughan, p. (2008), The monogamy myth (3rd edition), New York: Newmarket press.
- Walker, H. C. (2013), Establishing Content Validity of an Evaluation Rubric for Mobile Technology Applications Utilizing the Delphi Method, Baltimore, Maryland: Johns Hopkins University.
- Whatley, M. (2006), Attitudes toward Infidelity Scale, Department of Psychology, Valdosta State University.
- Whatley M. (2008), Attitudes toward infidelity scale: Ed: D. Knox, ve C. Schacht) Choices in relationships, Belmont, California: Thompson Wadsworth publishing.
- Whatley, M. A. (2012), Attitudes to ward infidelity scale. InD. Knox, & C. Schacht (Eds.), Choices in relationships: An introduction marriage and the family(pp. 415), (11thed.), Belmont,CA:ThompsonWadsworthPublishing.
- Wiederman, M. W. , Hurd, C. (1999), Extradyadic involvement during dating, J Soc Pers Relatsh;16(2):265-74.
- Wilson, K. , Mattingly, B. A. , Clark, E. M. , Weidler, D. J. , Bequette, A. W. (2011), The gray area: Exploring attitudes toward infidelity and the development of the Perceptions of Dating Infidelity Scale, The Journal of social Psychology, 51(1), 63–86.
- Wynd, C. A. , Schmidt, B. , Schaeferm M. A. (2003), Two Quantitative Approaches for Estimating Content Validity, Nursing Research, 25(2): 508-518.
- Yeniceri ,Z. & Kokdemir, D. (2006), University student’s perceptions of and explanations for infidelity: the development of the infidelity questionnaire

(INFQ), Social behavior and personality, 34(6): 639-650

ضمیمه: مقیاس زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی (ISS)^۱

ردیف	عبارت	کاملاً موافقم	موافقم	نسبتاً موافقم	نه موافقم نه مخالف	نسبتاً مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	پایبندی به دین، راه نجات انسان از بسیاری از خطاهاست.							
۲	بهتر است قبل از انجام هر کاری پیامدهای مثبت و منفی آن را در نظر گرفت							
۳	معمولاً زود تصمیم خودم را عوض می‌کنم.							
۴	بهتر است انسان اول خوب فکر کند بعد عمل کند.							
۵	گاهی از احساس بی‌ارزشی رنج می‌برم.							
۶	وقتی هیجان زده می‌شوم نمی‌توانم رفتار خودم را کنترل کنم.							
۷	اغلب اوقات احساس می‌کنم شناخت درستی از خودم ندارم.							
۸	توانایی کنترل وسوسه‌های خود را دارم.							
۹	همسرم به راحتی نمی‌تواند به کسی اعتماد کند.							
۱۰	خیانت کردن به افراد امری طبیعی است.							
۱۱	نسبت به مراودات جنسی، عاطفی اعضا خانواده حساس نیستم.							
۱۲	همسرم بدون دلیل نسبت به من شکاک است.							
۱۳	مردم پشت سرم در مورد قیافه و رفتارم حرف می‌زنند و مسخره‌ام می‌کنند.							
۱۴	به اعتقاد من اکثر آدم‌ها هوس‌ران هستند.							
۱۵	معمولاً موسیقی پاپ مرا به وجد می‌آورد.							
۱۶	اغلب اوقات احساس می‌کنم هدف خاصی در زندگی ندارم.							
۱۷	از مشکلات مالی متعددی رنج می‌برم.							
۱۸	اغلب وقتی تنها هستم احساس می‌کنم کسی با من حرف می‌زند.							

ردیف	عبارت	کاملاً موافقم	موافقم	نسبتاً موافقم	نسبتاً مخالفم	کاملاً مخالفم
۱۹	به نظرم مصرف مشروبات الکلی ایراد خاصی ندارد.					
۲۰	علاقه خاصی به موسیقی پاپ دارم.					
۲۱	معمولاً زیاد به مسائل جنسی فکر می‌کنم.					
۲۲	احساس بدی نسبت به استفاده از مشروبات الکلی ندارم.					
۲۳	تصاویر و صحنه‌های جنسی که دیده‌ام دائماً در ذهنم مرور می‌شوند.					
۲۴	اغلب اوقات نگران عدم تأمین نیاز مالی هستم.					
۲۵	در خانواده اصلی من سابقه ارتباطات آزاد جنسی وجود دارد.					
۲۶	در خانواده ما مشاجره و دعوا زیاد است.					
۲۷	مراسمات خویشاوندی ما بیشتر به صورت مختلط برگزار می‌گردد.					
۲۸	معمولاً در خانواده ما، آقا به خوبی از همسرش حمایت و محافظت می‌کند.					
۲۹	همسرم نیازهای عاطفی مرا تأمین نمی‌کند.					
۳۰	اغلب زنان جامعه پوشش مناسبی ندارند.					
۳۱	از اینکه همسرم به ظاهر خودش نمی‌رسد ناراضی‌ام.					
۳۲	خیانت کردن برای تلافی خیانت، پذیرفتنی است.					
۳۳	به نظرم در خانواده ما زن از توان تصمیم‌گیری بیشتری برخوردار است.					
۳۴	بهتر است در اجتماعات عمومی حریم زن و مرد رعایت شود.					
۳۵	احساس می‌کنم نیاز جنسی چندانی ندارم					
۳۶	در خانواده ما سخن گفتن در مورد مسائل جنسی و زناشویی پسندیده نیست.					
۳۷	به نظرم چشم‌چرانی، رفتار مناسبی نیست.					
۳۸	همسرم اغلب رفتار تحکم آمیزی با من دارد.					

ردیف	عبارت	کاملاً موافقم	موافقم	نسبتاً موافقم	نه موافقم نه مخالف	نسبتاً مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۳۹	احساس می‌کنم صمیمیت و لذت دوران اولیه زندگی را با همسرم ندارم							
۴۰	دیگران به ما می‌گویند شما خانواده زن سالاری هستید							
۴۱	اگر همسرم به من خیانت کند من هم مقابله به مثل می‌کنم							
۴۲	در محیط اطرافم محرک‌های جنسی زیادی وجود دارد							
۴۳	در میان اطرافیان ما نگرش سهل‌گیرانه‌ای نسبت به رفتارهای جنسی و خیانت وجود دارد.							
۴۴	ظاهر نامناسب همسرم اغلب اوقات مرا اذیت می‌کند.							
۴۵	میل به دیده شدن و جلوه‌گری در جامعه ما رو به افزایش است.							
۴۶	گاهی به خاطر حفظ آبرو دست به کارهایی زده‌ام که دوست نداشتم.							
۴۷	اشکالی ندارد با جنس مخالف هم دوست باشم.							
۴۸	تجربه تماشای فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل را دارم							
۴۹	استعمال عطر یا ادکلن متنوع، بانوان را در جامعه جذاب‌تر می‌کند.							
۵۰	اشکال ندارد که زن در مقابل مردان با ناز و عشوه حرف بزند.							
۵۱	گاهی با پسر/دختر عمو، پسر/دختر دایی، پسر/دختر خاله ... دست می‌دهم.							
۵۲	شنیدن صدای جنس مخالف لذت بخش است.							
۵۳	یکی از علاقه‌های من این است که با ادکلن‌های متنوع دیگران را مجذوب خود کنم.							
۵۴	اگر انسان مجبور باشد عیبی ندارد برخی رفتارهای غیر اخلاقی را مرتکب شود.							
۵۵	دست دادن نشانه احترام است حتی اگر جنس مخالف باشد.							
۵۶	در خانواده ما زن و شوهر اتاق خواب جدا دارند.							

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۶۵-۷۹)

تأثیر روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی

Effectiveness of positive psychotherapy on emotional capital of women with marital conflicts

محمد علی ضیایی / دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه قرآن و روان‌شناسی، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
منصوره زارعان / هیئت علمی گروه علوم اجتماعی و توسعه، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
علی توکلی / دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Mohammad Ziaee / PHD student of Psychology, Quran and Psychology Department, ALMustafa International University, Qom, Iran. ziaee1393@gmail.com

Mansoureh Zarean / Department of Social Science and Development Studies, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran. m.zarean@alzahra.ac.ir

Ali Tavakole / PHD student of psychology, Department of Psychology, reserch institute of Hawzah and University, qom, Iran.

Abstract

The main aim of the present study was to determine the effectiveness of positive psychotherapy on social adaptation, cognitive flexibility and emotional capital of women with marital conflicts in counseling centers in Qom. The current research method is semiexperimental with a pretest and posttest research design with a control group. The population included all the women who referred to counseling centers in Qom city in 1400 and 1401. The sample was randomly selected in the two groups of 15 people from women who referred to Farhan and Saman counseling centers in Qom city thorough purposeful assignment. They were assigned to the pretest and posttest stages and answered the Golparvar's Emotional

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی مراکز مشاوره شهر قم می‌باشد. روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پژوهش پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۰ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، انتخاب و به شکل تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره جایگزین شدند و در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به پرسشنامه سرمایه عاطفی پاسخ دادند. آزمودنی‌های گروه آزمایش به صورت گروهی آموزش مثبت‌نگری را دریافت کردند

Capital Scale(2017). The subjects of the experimental group received positivity training as a group, and the control group did not receive any training. The data are analyzed using SPSS software version 26 and using multivariate and univariate Covaris analysis tests. The results of the research showed that positivity education increased the cognitive flexibility of women ($P < 0.05$). Positivity training increased women's emotional capital ($P < 0.05$). Also

Keyword: positivity, emotional capital, women

و گروه کنترل تحت هیچ‌گونه آموزشی قرار نگرفتند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و با استفاده از آزمون‌های تحلیل کوواریس چند متغیری و تک متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش نشان داد آموزش مثبت‌نگری باعث افزایش سرمایه عاطفی زنان شد ($P < 0.05$). بنابراین با توجه به نتایج پژوهش، استفاده از روان‌درمان‌گری مثبت‌نگر در مراکز مشاوره جهت افزایش سرمایه عاطفی پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه‌ها: مثبت‌نگری، سرمایه عاطفی، زنان، تعارض زناشویی

مقدمه

سرمایه عاطفی به‌عنوان یک اندوخته اساسی انسان در طول زندگی به‌خصوص در زمان‌های حساس و پرتنش و چالش‌های فراروی زندگی، می‌تواند باعث ایجاد انرژی مثبت و هموار نمودن مسیر ظرفیت‌افزایی و مهارت‌افزایی معرفتی شود؛ سرمایه عاطفی شامل سه مؤلفه عاطفه مثبت، احساس انرژی و شادمانی می‌باشد و برقراری ارتباط صمیمانه یکی از کشاکش‌های عاطفی مهم در زندگی زناشویی و همچنین از دلایل مهم ازدواج‌های پایدار است (میرگین و کوردوورا، ۲۰۱۷). زوج‌هایی که صمیمیت بیشتری در روابط خود دارند، می‌توانند خود را به روش بهتری عرضه و خواسته‌های خود را به‌نحو مؤثرتری با همسر خود در میان‌گذارند و از رضایت بیشتری برخوردارند (پاتریک، سلز، گیوردانو و تلیوود، ۲۰۱۷). عوامل متعددی روابط زناشویی زوجین را تهدید می‌کند و سبب فرسایش عشق و صمیمیت میان آنها می‌شود. با گذشت زمان و مواجه شدن با کشمکش‌های مختلف زندگی زناشویی و فقدان توانش‌های لازم برای بهبود کیفیت رابطه زناشویی، به‌تدریج زوجین دچار تعارض می‌شوند (نبوی، شهبازی و کرابی، ۱۴۰۰). اگر یکی از طرفین یا هر دو فقط به فکر خود باشند به تعارض می‌افتد. تعارضات زناشویی از خواسته‌ها و نیازهای ناهمگون زوجین به وجود

1. Mirgain, Cordova.

2. Patrick, Sells, Giordano & Tollerud.

می‌آید. معمولاً یکی از زوجین خودخواهانه و بدون در نظر گرفتن استعدادها، توانمندی‌ها و نیازهای دیگری، خواسته‌ای را بیان می‌کند و وقتی آن خواسته بر آورده نشود تعارض ایجاد می‌شود (ویلسون، اندریج، پنگ، بیلی، مالارکی، کیکولت - گلسر^۱، ۲۰۱۷). بنابراین در ازدواج باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه زناشویی و زندگی مشترک است، بنابراین زن و شوهر باید یاد بگیرند که تعارضات خود را حل کنند تا خوشبخت شوند.

یکی از رویکردهای آموزشی و درمانی معرفی شده برای افراد متأهل، درمان مثبت‌نگر است (کافمن و سیبرمن^۲، ۲۰۰۹). این رویکرد درمانی مبتنی بر یک فرایند گفت‌وگوی مثبت بین درمانگر و مراجع است. فرد متأهل و درمانگر با یکدیگر روی انگیزه‌های مثبتی تأمل می‌کنند که پشت رفتار منفی، نگرش و ویژگی‌های شخصیتی قرار دارند. این تمرکز درمانی به بازتاب رفتار، نگرش و ویژگی شخصیتی مثبت شریک زندگی توسط افراد متأهل منجر می‌شود (چان^۳، ۲۰۱۸). این رویکرد درمانی، بیشتر یک درمان تلفیقی است که کار مشترک درمانگر و مراجع را در جلسات درمانی به همراه دارد و ممکن است بعضی از راه‌حل‌های قبلی، شناسایی و استفاده شوند (رشید و بادار^۴، ۲۰۱۹). در این درمان، کیفیت رابطه و تعامل مثبت افراد متأهل نسبت به هم بیشتر مدنظر است؛ زیرا توالی تعامل‌های منفی به احتمال بیشتری به آشفتگی در رابطه زناشویی منجر می‌شود (گاداسی، برنهم، نیوهومن، اندرسون، هیمن، رافلی و جانسن^۵، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر در روان‌شناسی مثبت‌نگر تقویت هیجان‌ها و عواطف مثبت و ارتقای معنای زندگی مورد توجه است (سلیگمن، ۲۰۰۰). مداخله‌های روان‌درمانی مثبت‌نگر از طریق افزایش هیجان‌ها و عواطف مثبت که در حوزه سرمایه عاطفی از نقش محوری برخوردارند، به ارضای نیازهای پایه نظیر خود مختاری، عشق و تعلق خاطر و ارتباط، کاهش افسردگی، افزایش شاد زیستی و احساس بهزیستی روان‌شناختی منجر می‌شوند (سلیگمن، رشید و پارکز، ۲۰۰۶). سرمایه عاطفی شامل سه مؤلفه عاطفه مثبت، احساس انرژی و شادمانی است این سرمایه انسانی به‌عنوان حالتی از احساس نشات و انرژی مثبت قابل هدایت به مسیر

1. Wilson, Andridge, Peng, Bailey, Malarkey., Kiecolt -Glaser.

2. Kauffman & Silberman.

3. Chan.

4. Rashid & Baddar.

5. Gadassi , Bar-Nahum, Newhouse, Anderson, Heiman, Rafaeli& Janssen.

ظرفیت‌افزایی و مهارت‌افزایی معرفی شده است. این متغیر دارای کارکردهای متنوعی در سطح روان‌شناختی است. مهم‌ترین کارکرد آن زمینه‌سازی عصب روان‌شناختی، شناختی و عاطفی برای گسترش توان ظرفیتی و مهارتی در انسان‌ها است (سرتیپ زاده، گلپور و آقایی، ۱۳۹۸). همچنین نتایج حاصل از مطالعات نشان داده که سرمایه عاطفی دارای کارکردهای عملکردافزایی، موفقیت‌افزایی، رفتارافزایی مثبت و بالاخره دارای قابلیت پیش‌بینی افزوده برای بسیاری از سازه‌های مثبت و منفی رفتاری و نگرشی فراتر از منابع سرمایه‌ای دیگر نظیر سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و سرمایه معنوی است (گلپور، ۱۳۹۷). پژوهش مددی، گلپور و آقایی (۱۳۹۸) نشان دادند درمان مثبت‌نگری وجودگرا و مثبت‌نگری ایرانی-اسلامی باعث افزایش سرمایه عاطفی افراد می‌شوند. پژوهش نوریان، گلپور و آقایی (۱۴۰۰) تأثیر روان‌درمانی مثبت‌نگر را بر افزایش سرمایه عاطفی و کاهش افسردگی زنان افسرده نشان دادند. همچنین پژوهش کاظمی، گلپور و آتش پور (۱۳۹۹) نشان دادند روان‌درمانی مثبت‌نگر، روشی مؤثر جهت افزایش سرمایه عاطفی دانش‌آموزان دختر دارای افسردگی هستند. همچنین هندریکس، اسکوتانوس-دیکسترا، گرافسما، بوهلمیجر، و دی جانگ^۱ (۲۰۲۱) اثربخشی درمان مثبت‌نگر را بر ارتقاء حالات مثبت و بهزیستی افراد نشان دادند.

از آنجایی که رویکرد درمانی روان‌شناسی مثبت‌گرا یک رویکرد درمانی جدید بوده و به دنبال تصویری مطلوب از زندگی است برای درمان زنان دارای تعارض با همسر رویکرد مناسبی هست؛ به دلیل اینکه این رویکرد عمده توجه خود را به توانمندی‌ها و احساسات مثبت درمان‌جو متمرکز می‌کند و با ایجاد معنا در زندگی و مفهوم‌سازی از وقایع مهم در مسیر زندگی؛ آسیب‌های روانی را کاهش و باعث افزایش شادمانی و رضایت از زندگی خواهد شد و در نهایت منتهی به یکپارگی هیجان‌های مثبت و منفی می‌شود. روان‌شناسی مثبت‌گرا، رویکرد تازه‌ای در روان‌شناسی است که به دنبال تصویری مطلوب از زندگی است و برای اینکه مشخص کند چه چیزهایی زندگی را برای زیستن با ارزش می‌کند، از روش‌های عینی روان‌شناسی استفاده می‌کند. موضوع اصلی روان‌شناسی مثبت‌گرا، پژوهش درباره تجربه‌های ذهنی مثبت است و مؤلفه‌هایی که می‌تواند به آرامش درونی زنان در تعارض زناشویی کمک کند و باعث پیشگیری از تعارض و همچنین انرژی و احساسات ازدست‌رفته زنان را در

1. Hendriks, Schotanus-Dijkstra, Graafsma, Bohlmeijer & de Jong.

جریان تعارضات زناشویی بازآوری نماید. این تجربه‌ها شامل؛ بهورزی، خشنودی، رضایت خاطر، لذت، امید، خوش‌بینی روانی، شایستگی و عشق هست. روان‌شناسی مثبت‌نگر به‌دنبال آن است که افراد را نیرومندتر و پرتوان کرده و استعدادهایشان را شکوفا کند. همچنین، تجربه‌های مثبتی همچون؛ خوش‌بینی، شادکامی، شوخ‌طبعی در افراد رشد دهد. روان‌درمانی مثبت‌گرا، با ایجاد و گسترش هیجان‌های مثبت، دامنه تفکر مثبت را گسترش داده و هم‌زمان فرد را برای انجام کارهای مثبت آماده می‌سازد (رضازاده مقدم، خدابخش کولایی، حمیدی‌پور و ثناگو، ۱۳۹۷). با توجه به مطالب بیان شده و تأثیر آموزش نگرش مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی به نظر می‌رسد کمتر پژوهشی به بررسی اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی پرداخته باشد و این پژوهش با بررسی سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی، می‌تواند ضمن ارائه تصویری روشن از وضعیت موجود زنان مورد نمونه‌گیری، طرحی درمانی را تنظیم کند تا بر اساس آن، اصلاحات و اقدامات درمانی روان‌درمانی مثبت‌نگر جهت بهبود و ارتقای وضعیت سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی انجام گیرد. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این مسئله می‌باشد: آیا روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی تأثیر دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه زنانی بود که به مراکز مشاوره شهر قم در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مراجعه می‌کردند و به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۰ نفر از زنان که به مراکز مشاوره شهر قم در اسفندماه ۱۴۰۰ و فروردین سال ۱۴۰۱ جهت مشاوره و حل مشکلات زناشویی مراجعه کردند و با ملاک ورود به پژوهش (کسب نمره بالاتر از نمره برش پرسشنامه یا نمره ۱۲۶ در پرسشنامه تعارض زناشویی عدم ابتلا به اختلال‌های جسمانی و روانی شدید از جمله افسردگی، اضطراب، وسواس (با توجه به پرونده مشاوره‌ای آنها)، داشتن حداقل میزان تحصیلات دیپلم و کمتر از ۱۰ سال از زندگی مشترکشان گذشته باشد) و ملاک‌های خروج (قرار داشتن تحت درمان‌های موازی درمان‌های روان‌شناختی یا روان‌پزشکی، عدم تمایل به شرکت در پژوهش و ادامه همکاری و غیبت بیش از دو جلسه از جلسات درمان) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. گروه نمونه به‌طور تصادفی نیز در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) گمارده شدند. سپس گروه آزمایش تحت آموزش ۶ جلسه‌ای روان‌درمانی مثبت‌نگر بر اساس جلسات هفتگی ۱ ساعته

قرار گرفتند. پس از پایان جلسات درمان دو گروه کنترل و آزمایش مجدداً با ابزار پژوهش (پرسشنامه سرمایه عاطفی) مورد ارزیابی قرار گرفتند.

جدول ۱: شرح جلسات درمانی مثبت‌نگر رشید و سلیگمن (۲۰۱۳)

شماره جلسات	عناوین جلسات	شرح جلسات
جلسه اول	معارفه و تشریح برنامه مثبت‌نگر	هدف از این جلسه معرفی افراد به یکدیگر، بیان کلی قواعد کارگروهی، محرمانگی جلسات، تأکید بر انجام تکالیف منزل بود. علاوه بر این توضیح کلی در مورد برنامه داده شد. همچنین مسائل مطروحه در ارتباط با فقدان و یا کمبود منابع مثبت از قبیل هیجانات مثبت، تعهد، ارتباطات مثبت، معنا و توانمندی‌های منشی در بروز هیجانات منفی و تأثیر آن بر فرایند درد مورد بحث قرار گرفت. آشنایی مقدماتی با مفاهیم و سازه‌های پژوهش. تکلیف منزل: نوشتن یک داستان مثبت در مورد خود
جلسه دوم	تقویت نقاط قوت و شناسایی احساسات و عواطف مثبت	هدف: افراد به تعیین توانمندی‌های منشی با استفاده از پرسشنامه VIA خود و از جمله توانمندی‌های مطرح شده در معرفی مثبت‌نگر خود پرداختند. توانمندی منشی به منظور ایجاد و تقویت تعهد و غرقه‌گی مورد بحث قرار گرفت. نحوه به‌کارگیری نقاط قوت شاخص به بحث گذاشته شد. تکلیف منزل: تهیه یک دفترچه و نوشتن سه رویداد مثبت زندگی.
جلسه سوم	گذشت و بخشش و میراث شخصی	هدف: آشنایی افراد با ماهیت عفو و گذشت. به آزمودنی‌ها آموزش داده شد تا در حد یک الی دو صفحه به بیان این بپردازند که دوست دارند دیگران آنها را به خاطر کدام ویژگی مثبتشان به خاطر بسپارند. در قالب یک پیام نکوداشت یا بزرگداشت در پایان عمر تکلیف منزل: نگارش یک نامه اعلام گذشت و بخشش
جلسه چهارم	سپاسگزاری و قدرشناسی	هدف: تأکید بر خاطرات خوب و قدرشناسی به عنوان شکلی پایدار از سپاسگزاری مورد بحث قرار گرفت. نقش خاطرات خوب و بد، با تمرکز و تأکید بر قدرشناسی مورد بحث قرار گرفت. افراد پس از تأمل، نخستین پیشنویس یک نامه قدرشناسی را خطاب به کسی که هرگز آن گونه که باید و شاید از وی قدردانی نکرده‌اند نوشتند. تکلیف منزل: نگارش یک نامه قدرشناسی و سپاسگزاری و تقدیم آن به شخص مورد نظر
جلسه پنجم	التذاذ/ لذت تدریجی و پیوسته	هدف: شتاب در بهره‌گیری از لذات به عنوان تهدیدی احتمالی برای لذت تدریجی مطرح می‌شود و راه مقابله با آن نیز آموزش داده شد. افراد در تمرین‌هایی در ارتباط با التذاذ شرکت کردند که در آنها از شیوه‌ها و راهبردهای متنوعی استفاده می‌شد. تکلیف منزل: انجام فعالیتهای لذت بخش مطابق با اصل التذاذ و کار با طمانینه
جلسه ششم	ارتباطات مثبت در تأمین بهزیستی و بازخورد فعال- سازنده	هدف: به افراد پیرامون نحوه واکنش فعال سازنده در قبال اخبار خوشی که از دیگران دریافت می‌کنند آموزش‌های لازم داده شد. افراد به تمرین واکنش سازنده و فعال به عنوان راهبردی برای تقویت ارتباطات مثبت پرداختند. در انتهای این جلسه، ضمن جمع‌بندی نهایی و گرفتن بازخورد، پس از آزمون اول اجرا شد.

پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱:

برای سنجش تعارضات زناشویی زوجین از پرسشنامه ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۸۷) استفاده شد. پرسشنامه شامل ۴۲ پرسش بوده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است و نمره برش پرسشنامه نمره ۱۲۶ است (زاهدی، ۱۳۹۷). در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در پژوهش خزایی (۱۳۸۵) نمرات تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارض زناشویی در سطح ۰/۰۱ هم‌بستگی معناداری داشتند. این آزمون توسط سازندگان آن بر روی مراجعه‌کنندگان به مراجع قضایی یا مراکز مشاوره جهت رفع تعارض زناشویی هنجاریابی شده و مشخصات روان‌سنجی آن به شرح زیر گزارش شده است: آلفای کراباخ برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ گزارش شده است. برای تعیین روایی این آزمون از تعدادی متخصص خانواده درمانی نظرخواهی شد، بنابر اعتقاد آنها این آزمون دارای روایی محتوایی مناسبی است (مطهری، بهزادپور و سهرابی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کراباخ ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه سرمایه عاطفی^۲:

برای سنجش سرمایه عاطفی از پرسشنامه گلپرور با بیست سؤال و سه خرده‌مقیاس عاطفه مثبت شبه حالت (۱۰ سؤال)، احساس انرژی (۵ سؤال) و شادمانی (۵ سؤال) استفاده شد (عنایتی و گلپرور، ۱۳۹۷). مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه پنج درجه‌ای لیکرت به صورت هرگز=۱، به ندرت=۲، گاهی=۳، اغلب=۴ و همیشه=۵ و دامنه نوسان امتیازات برای کل پرسشنامه برابر با ۲۰ تا ۱۰۰ است. این پرسشنامه دارای روایی و پایایی مطلوبی است و تحلیل عامل اکتشافی نشان داده که این پرسشنامه از روایی سازه مطلوبی برخوردار است. علاوه بر این، روایی همگرا نشان می‌دهد که شاخص‌هایی که باید با یکدیگر رابطه داشته باشند، در واقعیت با هم رابطه دارند و روایی واگرا این پرسشنامه که نشان می‌دهد شاخص‌هایی که نباید با یکدیگر رابطه داشته باشند، در واقعیت با هم رابطه ندارند و روایی همگرا و واگرا در این پرسشنامه از طریق بررسی هم‌بستگی امتیازات پرسشنامه با امتیازات متغیرهای رفتاری،

1. Marital Conflict Questionnaire.

2. Emotional Capital Questionnaire.

نگرشی و ادراکی مثبت و منفی بررسی و همگی در حد قابل قبول و معناداری گزارش شده است (گلپور و زارعی، ۱۳۹۶). آلفای کرانباخ این پرسشنامه در سطح خرده مقیاس‌های عاطفه مثبت شبه حالت، احساس انرژی و شادمانی در دامنه ۰/۸ تا ۰/۹۷ گزارش شده است (گلپور و عنایتی، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرانباخ ۰/۷۲ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا در سطح توصیفی توسط جداول فراوانی بررسی گردید. سپس در بخش استنباطی توسط نرم‌افزار spss نسخه ۲۶ فرضیه‌های پژوهش از طریق روش تحلیل کواریانس بررسی شدند.

پرسشنامه توانمندی‌های منش (VIA):

این پرسشنامه توسط سلیگمن و پترسون (۲۰۰۴) توسعه داده شده است. پرسشنامه توانمندی‌های منش (VIA) از ۲۴ سوال تشکیل می‌شود که ۶ بعد یا مؤلفه دانش و خرد، شجاعت، انسان دوستی، عدالت، اعتدال، و تعالی را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۵ برای کاملاً شبیه من تا ۱ کاملاً بر عکس من درجه‌بندی می‌شود. دامنه نمرات بین ۲۴ تا ۱۲۰ است که نمرات بالاتر نشان دهنده نمرات توانمندی منش بالا و نمرات پایین‌تر نشانگر نمرات توانمندی منش پایین‌تر هست. ضریب آلفای کرانباخ پرسشنامه در پژوهش سلیگمن و پترسون (۱۹۹۶) برابر با ۰/۹۱ و در پژوهش انجام شده در جامعه ایرانی برابر با ۰/۸۸ گزارش شد (شاهنگیان و همکاران، ۱۳۹۳).

یافته‌ها

نتایج حاکی از آن بودند که میانگین سنی گروه نمونه ۲۷/۹۰، مدت ازدواج با میانگین ۵/۱۳ و فاصله سنی با همسر ۲/۷۰ سال است. از میزان تحصیلات گروه نمونه در پژوهش ۲۳/۳ درصد دیپلم، ۳۰ درصد کاردانی، ۲۳/۳ درصد تحصیلات کارشناسی و ۱۳/۳ درصد دارای تحصیلات ارشد و بالاتر و ۲۷ نفر دارای یک فرزند، ۳۰ درصد و ۳ نفر دارای دو فرزند، ۱۶ درصد خانه دار، ۳۳/۳ درصد کارمند و ۱۳/۳ درصد دارای شغل آزاد بودند.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمره سرمایه عاطفی و مؤلفه‌های آن به تفکیک دو گروه در

پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	آزمون	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه عاطفی	کنترل	پیش‌آزمون	۵۸/۶۶	۸/۹۴
		پس‌آزمون	۵۸/۲۰	۸/۵۰
	آزمایش	پیش‌آزمون	۶۰/۸۶	۸/۲۷
		پس‌آزمون	۶۷/۶۶	۶/۹۸
عاطفه مثبت	کنترل	پیش‌آزمون	۲۶/۹۳	۵/۹۵
		پس‌آزمون	۲۶/۴۶	۵/۶۱
	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۸/۶۰	۵/۷۰
		پس‌آزمون	۳۲/۶۰	۵/۳۹
احساس انرژی	کنترل	پیش‌آزمون	۱۷/۵۳	۳/۳۵
		پس‌آزمون	۱۷/۵۳	۳/۳۳
	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۷/۴۶	۳/۲۷
		پس‌آزمون	۱۹	۱/۵۵
شادمانی	کنترل	پیش‌آزمون	۱۴/۲۰	۲/۷۰
		پس‌آزمون	۱۴/۱۸	۲/۷۰
	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۴/۸۰	۲/۴۲
		پس‌آزمون	۱۶/۰۶	۲/۲۸

در جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون گزارش شده است.

مفروضه نرمال بودن به وسیله آزمون شاپیرو ویلکز بررسی شد. به علت تعداد کم گروه‌ها این آزمون توان بالاتری در بررسی نرمال بودن نسبت به آزمون کولموگوروف اسمیرونوف دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات سرمایه عاطفی و مؤلفه‌های آن در دو گروه آزمایش و کنترل برقرار بود؛ به عبارت دیگر، توزیع نمونه‌ای نمرات همه مقیاس‌ها دارای توزیع نرمال است؛ بنابراین به کار بردن آزمون‌های پارامتریک با مانعی روبه‌رو نیست. فرض صفر برای تساوی واریانس‌های نمرات دو گروه در سرمایه عاطفی و

مؤلفه‌های آن در پیش‌آزمون و پس‌آزمون تأیید می‌شود ($P < 0/05$).

جدول ۳: خلاصه آزمون برابری ماتریس - کواریانس باکس

معناداری	Df _۲	Df _۱	F	ام‌باکس	متغیر
۰/۶۸	۵۶/۸۰	۶	۰/۶۵	۴/۴۲	

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد چون سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر است بنابر این، آزمون ام-باکس فرض همگنی ماتریس‌های واریانس-کواریانس را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر برابری ماتریس‌های کواریانس، به لحاظ آماری معنادار نیست.

جدول ۴: نتایج تحلیل (چند متغیری) مانکوا سرمایه عاطفی و مؤلفه‌های آن با کنترل نمرات پیش‌آزمون

نام آزمون	مقدار	Df فرضیه	df خطا	F	سطح معناداری	مجذور اتا
آزمون اثر پیلایی	۰/۴۸	۳	۲۳	۷/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۴۸
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۵۱	۳	۲۳	۷/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۴۸
آزمون اثر هتلینگ	۰/۹۴	۳	۲۳	۷/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۴۸
آزمون بزرگترین ریشه روی	۰/۹۴	۳	۲۳	۷/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۴۸

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد مقدار F معنی‌دار بوده است ($P < 0/05$). بدین ترتیب فرض صفر آماری رد و مشخص می‌گردد که ترکیب خطی متغیرهای پژوهش پس از تعدیل تفاوت‌های متغیرهای همپراش (پیش‌آزمون سرمایه عاطفی و مؤلفه‌های آن) از متغیر مستقل (آموزش نگرش مثبت) تأثیر پذیرفته است (مرحله پس‌آزمون). بنابراین برنامه آموزش مثبت‌نگری بر مؤلفه‌های سرمایه عاطفی تأثیر گذاشته است.

جدول ۵: خلاصه آزمون تحلیل واریانس یک راهه سرمایه عاطفی و مؤلفه‌های آن

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	DF	میانگین مجذورات	F	Sig	اتا
سرمایه عاطفی	۴۲۷/۸۳	۱	۴۲۷/۸۳	۲۱/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۴۵
عاطفه مثبت	۱۷۵/۸۹	۱	۱۷۵/۸۹	۲۲/۹۴	۰/۰۴۵	۰/۴۷
احساس انرژی	۱۴/۹۹	۱	۱۴/۹۹	۷/۹۴	۰/۰۰۹	۰/۲۴
شادمانی	۱۲/۶۰	۱	۱۲/۶۰	۷/۷۷	۰/۰۱۰	۰/۲۳

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار F محاسبه شده برای سرمایه عاطفی معنادار است.

مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که اثربخشی آموزش بر نمره کل سرمایه عاطفی ۴۵ درصد بوده است. همچنین مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که اثربخشی آموزش بر عاطفه مثبت ۴۷ درصد، احساس انرژی ۲۴ درصد و شادمانی ۲۳ درصد بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری:

هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی مراکز مشاوره شهر قم بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی و مؤلفه‌های آن عاطفه مثبت، احساس انرژی و شادمانی تأثیر مثبت دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مددی، گلپور و آقایی (۱۳۹۸)، هندریکس و همکاران (۲۰۲۱)، نوریان، گلپور و آقایی (۱۴۰۰)، کاظمی، گلپور و آتش‌پور (۱۳۹۹) هم‌خوانی داشت.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان گفت که هدف روان‌شناسی و روان‌شناسی مثبت‌نگر در وهله نخست، افزایش احساسات مثبت نظیر شادمانی، عاطفه مثبت و احساس انرژی و در نگاه کلی‌تر تقویت سرمایه عاطفی انسان‌ها در کنار افزایش تعامل مثبت و سازنده در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی است. مداخلات روان‌شناختی مثبت با وجود این که طیف متنوعی را تشکیل می‌دهند، شامل روش‌های تقویت توان و ظرفیت‌های انسانی همراه با تمرکز بر معنا و اهداف زندگی هستند. وانگ براین نظر است که روان‌شناسی مثبت‌نگر از بسیاری جهات با روی آورد وجودی دارای اشتراک است، زیرا هر دو شیوه با سولاتی نظیر اینکه زندگی خوب چیست؟ و چگونه می‌توان به شادی واقعی رسید؟ که هم‌زمان هم ماهیت مثبت‌نگری و هم ماهیت وجودی دارند سروکار دارند. همچنین بر اساس روی آورد مثبت‌نگر، مواجهه شجاعانه توأم با مسئولیت، با چالش‌های وجودی، مسیر بقا و شکوفایی را برای انسان‌ها هموار می‌کند و انسان‌ها را در هر جایگاهی که باشند، به بالندگی می‌رساند (هافمن^۱، ۲۰۱۵). همچنین می‌توان گفت که در این نوع درمان از توانمندی‌های منشی و استعدادهای فرد و ارائه چیزی فراتر از خود، مانند معنویت، خانواده یا اجتماع به منظور ایجاد احساس رضایت و این باور که زندگی خوب است، استفاده می‌شود. چنین فعالیت‌هایی احساسی ذهنی ایجاد می‌کند که به طور جدی به شادمانی نزدیک است (گلپور، ۱۳۹۷). از طرف دیگر

1. Hoffman.

روان‌درمانی مثبت‌نگر، هیجان‌های مثبت از گذشته را با ایجاد رضایت، قناعت و آرامش تلفیق و هیجان‌های مثبت از آینده را از طریق امید، خوش‌بینی، باور و اعتماد ایجاد می‌کند (رشید و سلیگمن، ۲۰۱۸). همچنین از طریق تکنیک‌ها و مهارت‌های مثبت در جلسات درمان و با اشتراک گذاشتن تجربیات مثبت و دریافت بازخوردهای مثبت و حمایتی از گروه باعث تغییر نگرش فرد نسبت به دیگران و زندگی و بهبود روابط مثبت می‌گردد. این افزایش در هیجان‌ها و روابط مثبت، ایجاد احساس معنا و هدفمندی در زندگی و انرژی حاصل از غرقه‌گی که در روان‌درمانی مثبت مورد تأکید قرار می‌گیرد، در نهایت منجر به افزایش سرمایه عاطفی می‌شود. زیرا بخش عمده و قابل توجه روان‌درمانی مثبت‌نگر در سطح عملی، بر انجام تمرینات و درونی‌سازی مهارت‌های معطوف به تقویت تجارب مثبت و نقاط قوت شخصی متمرکز است. برای نمونه انجام تمریناتی در حوزه بخشش خود و دیگران، تلاش برای تقویت انصاف در ارزیابی خود و دیگران، خیرخواهی، برقراری روابط مثبت و تفسیر و تعبیر خوش‌بینانه حوادث و رخدادها چنان که مطالعات قبلی نیز محرز ساخته‌اند (گلپور، ۱۳۹۷)، مسیرهایی هستند که سطح سرمایه عاطفی و تجربه حالات عاطفی مثبت را به ارمغان می‌آورند. به همین جهت روان‌درمانی مثبت از طریق فراهم ساختن فرصت برای چنین تجاربی در مسیر ارتقاء سرمایه عاطفی حرکت می‌کند (نوریان، گلپور و آقایی، ۱۴۰۰). بنابراین می‌توان گفت آموزش مثبت‌نگری بر معنا و اهداف مبتنی بر قوت و توانمندی متمرکز کرده و با تحول وجودی، باعث تقویت ویژگی‌هایی مانند احساس نیرو، توان و شادمانی درونی یا به عبارت دیگر سرمایه عاطفی زنان گروه نمونه گشته است و لذا باعث می‌شود زنان با عاطفه مثبت بالا فعالانه، با شور و نشاط و اعتماد به زندگی ادامه دهند و رابطه بهتری با همسر خویش داشته و از آن لذت ببرند و در تعاملات با همسر خویش از اعتماد و رضایت بالاتری برخوردار شوند.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده و در میان زنان دارای تعارض زناشویی شهرستان قم انجام شده است؛ بنابراین در تعمیم دادن نتایج پژوهش به سایر زوجین و با مدت ازدواج مختلف باید جانب احتیاط را رعایت کرد. استفاده از ابزار خودگزارشی، عدم اجرای آزمون پیگیری به دلیل عدم تمایل زنان به ادامه همکاری و عدم کنترل موقعیت اقتصادی (از نظر وضعیت درآمد) از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. با توجه به اثربخشی آموزش مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی پیشنهاد می‌گردد از رویکرد

آموزشی مثبت‌نگر به‌عنوان مداخلاتی برای بهبود سرمایه عاطفی زوجین در مراکز آموزشی و مشاوره به‌منظور ارتقای میزان گفتگوی مؤثر و درمان مشکلات مربوط به صمیمیت و ارتباط زوجین استفاده شود و در فهرست برنامه‌های آموزشی زوج درمانی و خانواده درمانی قرار گیرد تا درمانگران بتوانند به درمان مشکلات ارتباطی و غنی‌سازی روابط صمیمانه زوج‌ها و خانواده‌ها بپردازند.

منابع

- خزایی، معصومه (۱۳۸۵)، بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعارضات زناشویی دانشجویان دانشگاه تهران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره*، دانشگاه خاتم.
- رضازاده مقدم، سونه؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ حمیدی پور، رحیم و ثناگو، اکرم (۱۳۹۷)، «اثربخشی روان‌شناسی مثبت‌نگر بر امید و تاب‌آوری مادران دارای کودک کم‌توان ذهنی»، *روان‌پرستاری*، ۶ (۳): ۳۸-۳۲.
- زاهدی، مریم (۱۳۹۷)، «تأثیر مداخله مبتنی بر شفقت بر خوش‌بینی و تاب‌آوری زوجین دچار تعارض، آسیب‌شناسی»، *مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۴ (۲): ۱۳۸-۱۲۳.
- سرتیپ زاده، افسانه؛ گل‌پرور، محسن و آقایی، اصغر (۱۳۹۸)، «اثربخشی درمان وجودگرایی معنویت محور و معنویت درمانی اسلامی بر سرمایه عاطفی در زنان سالمند»، *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۷ (۴): ۶۹۴-۶۸۴.
- کاظمی، آذر؛ گل‌پرور، محسن و آتش پور، حمید (۱۳۹۹)، «مقایسه تأثیر درمان پذیرش خود ذهن آگاهانه و روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه عاطفی دانش‌آموزان دختر دارای افسردگی»، *مجله فیض*، ۲۴ (۲): ۱۹۸-۲۰۸.
- گل‌پرور، محسن و زارعی، مجید (۱۳۹۶)، «تأثیر آموزش موفقیت ویژه بیماران هموفیلی بر سرمایه عاطفی و تجارب اوج این بیماران»، *پژوهش‌های سلامت محور*، ۴ (۳): ۳۰۹-۳۲۲.
- گل‌پرور، محسن و عنایتی، مهناز (۱۳۹۷)، «الگوی ساختاری رابطه سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با سرمایه عاطفی و شکایات روان‌تنی در پرستاران»، *آموزش پرستاری*، ۷ (۳): ۵۷-۶۴.
- گل‌پرور، محسن (۱۳۹۷)، *سنجش کاربردی در روان‌شناسی سازمانی*، جلد دوم، چاپ اول، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان خوراسگان.
- مددی زواره، سارا؛ گل‌پرور، محسن و آقایی، اصغر (۱۳۹۸) «مقایسه تأثیر درمان مثبت‌نگری وجودگرا و درمان مثبت‌نگر ایرانی - اسلامی بر سرمایه عاطفی دانش‌آموزان دختر دارای اضطراب اجتماعی»، *سلامت روان کودک (روان کودک)*، ۶ (۳): ۱۱۲-۱۲۵.
- مطهری، زهرا؛ بهزاد پور، سمانه و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۲)، «تبیین سطح تعارضات زناشویی براساس هیجان خواهی و تاب‌آوری در زوجین»، *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۵ (۲): ۱۲۲-۱۰۵.

• نبوی، محبوبه؛ شهبازی، مسعود و کرایبی، امین (۱۴۰۰)، «مقایسه اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت و رفتار درمانگری دیالکتیکی بر کاهش تعارض زناشویی زنان در آستانه طلاق»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روان‌شناختی*، ۲۰ (۱۰۶): ۱۹۱۲-۱۸۹۷.

• نوریان، لیلی؛ گل پرور، محسن و آقایی، اصغر (۱۴۰۰)، «مقایسه اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر و درمان پذیرش و تعهد بر افسردگی و سرمایه عاطفی زنان افسرده»، *روان‌پرستاری*، ۹ (۴): ۲۳-۱۱.

• Chan, E. (2018), Positive Psychology Couple Therapy, *International Journal of Psychiatry*, 3(2), 1-2.

• Gadassi, R. , Bar-Nahum, L. E. , Newhouse, S. , Anderson, R. , Heiman, J. R. , Rafaeli, E. , & Janssen, E. (2016), Perceived partner responsiveness mediates the association between sexual and marital satisfaction: A daily diary study in newlywed couples, *Archives of Sexual Behavior*, 45(1), 109-120.

• Hendriks, T. , Schotanus-Dijkstra, M. , Graafsma, T. , Bohlmeijer, E. , & de Jong, J. (2021)• Positive emotions as a potential mediator of a multicomponent positive psychology intervention aimed at increasing mental well-being and resilience. *International Journal of Applied Positive Psychology*, 6, 1-21.

• Hoffman, L. , Vallejos, L. , Cleare-Hoffman, H. P. , & Rubin, S. (2015), Emotion, relationship, and meaning as core existential practice: Evidence-based foundations. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 1-10.

• Kauffman, C. , & Silberman, J. (2009), Finding and fostering the positive in relationships: positive interventions in couple's therapy, *Journal of Clinical Psychology*, 65(5), 520-531.

• Mirgain S, Cordova J V. (2017), Emotion skills and marital health: The association between observed and selfreported emotion skills, intimacy, and marital satisfaction, *Journal of Social and Clinical. Psychology*, 26(3), 941-967.

• Patrick S, Sells J N, Giordano F G & Tollerud T R. (2017), Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction, *The Family Journal*, 15(2):359-367.

- Rashid, T. , & Baddar, M. K. A. H. (2019), Positive psychotherapy: Clinical and cross-cultural applications of positive psychology, In L. Lambert & N. Pasha-Zaidi (Ed)· *Positive Psychology in the Middle East/North Africa* (pp. 333-362)· Springer International Publishing.
- Seligman MEP, Rashid T, Parks AC. (2006), Positive psychotherapy, *Am Psychol* , 61, 774-88.
- Seligman, M. E. P. , & Csikszentmihalyi, M (2000), Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55, 5-14.
- Wilson S. J, Andridge R, Peng J, Bailey B. E, Malarkey W. B, Kiecolt-Glaser J. K (2017), Thoughts after marital conflict and punch biopsy wounds: Agegraded pathways to healing, *Psych neuroendocrinology*, 85: 6 -13.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۸۱-۹۳)

بررسی مقایسه‌ای سطح شادکامی والدین دارای یک و چند فرزند

Comparing the level of Happiness of Parents with One or More Children

علی بیات / دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Ali Bayat / PHD student of psychology, Department of Psychology, reserch institute of Hawzah and University, qom, Iran. abayat@rihu.ac.ir

Abstract

The aim of this study was to compare the level of happiness of parents with one child and parents with several children. The research method is causal-comparative and the research tool was the Oxford Happiness Questionnaire (1989). The population of this study was all teachers with children in Qom province. In this study, 120 male and female teachers (3555- years old) from two groups of parents with one child (37) and several children (83) were selected by random cluster sampling. Participants responded to the Oxford Happiness Questionnaire items. The results show that there was a significant difference between the level of happiness in the two groups of parents with one child and parents with several children and parents with several children has a higher level of happiness than parents with one child.

Keyword: happiness, parents with one child, parents with several children.

چکیده

این پژوهش، با هدف مقایسه سطح شادکامی والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند انجام شده است. روش پژوهش توصیفی، از نوع علی-مقایسه‌ای و ابزار پژوهش پرسشنامه شادکامی آکسفورد (۱۹۸۹) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان دارای فرزند استان قم می‌باشد. بدین منظور در این پژوهش، تعداد ۱۲۰ معلم مرد و زن (۳۵ تا ۵۵ سال) از دو گروه والدین تک فرزند (۳۷) و چند فرزند (۸۳) به روش خوشه‌ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به گویه‌های پرسشنامه شادکامی آکسفورد پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میزان شادکامی در دو گروه والدین تک فرزند و والدین دارای چند فرزند وجود دارد و والدین دارای فرزندان متعدد نسبت به والدین دارای یک فرزند، میزان بالاتری از شادکامی برخوردار هستند. **کلیدواژه‌ها:** شادکامی، والدین تک فرزند، والدین چندفرزند.

مقدمه

خانواده به عنوان یک ساختار اجتماعی اساسی، نهادی است که در قالب آن وظیفه اجتماعی جایگزینی و تجدید نسل تحقق می‌یابد (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰). کانون خانواده که به تشکیل آن بسیار سفارش شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۴ و ۲۵) با وجود فرزندان گرمی خاصی می‌یابد. در متون اسلامی یکی از اهداف ازدواج، تکثیر نسل می‌باشد و فرزندان از ارکان مهم خانواده محسوب می‌شوند. شاهد بر این امر روایات فراوانی است که یکی از صفات تحسین شده همسر، «ولود» به معنای زیاد فرزندآور بودن، است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا بِكُرًا وَّلَوَادًا، وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا! فَإِنَّ أَبَاهُ بِكُمُ الْأُمَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» با دختر باکره‌ای که فرزند زیاد می‌آورد ازدواج کنید و با زن زیبایی که نازا و عقیم می‌باشد، ازدواج نکنید، زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت، بر سایر امت‌ها مباحثات می‌کنم» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، باب ۱۶، ص ۳۳). اگرچه خودداری از داشتن فرزند یا تعدد آن، گرایشی است که با تأثیرپذیری از فرهنگ غرب به وجود آمده و در جوامع اسلامی نیز طرفدارانی یافته است، اما با نگاهی به آموزه‌های دینی به طور قطع، فرزندان می‌توانند تأثیرات مثبت و سازنده‌ای در زندگی والدین داشته باشند. از این رو، در روایات به فرزندآوری و تعدد فرزند توصیه فراوان شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۲). در متون اسلامی و سیره ائمه علیهم السلام از فرزند با تعبیری همچون میوه دل و نور دیده (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۱۳)، مایه خوشبختی و کسی که انسان را یاری می‌کند و نیز مایه رحمت و غفران الهی یاد شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۵۷). همچنین متون دینی یکی از ویژگی‌های خانواده متعادل را شادکامی^۱ در برابر تلخ‌کامی و افسردگی^۲ ذکر کرده‌اند (محمدرضا شرفی، ۱۳۸۱). اگرچه متون دینی در خصوص تعدد فرزندان ساکت است، اما شواهد روایی فوق نشانگر اولویت خانواده‌ی گسترده و پرجمعیت است.

زنان و شوهران جوان، عمدتاً به دلیل مشکلات اقتصادی و روحیه رفاه‌طلبی و خوش‌گذرانی، از داشتن فرزند امتناع می‌ورزند؛ برخی نیز به دلیل مشکلات تربیتی از داشتن فرزند بیشتر اکراه دارند. بیماری‌ها، مشکلات و اختلالات روانی و بزه‌کارهای اجتماعی از دیگر عوامل روی‌گردانی والدین از داشتن فرزند است (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۳). همچنین در

1. happiness.

2. depression.

سال‌های اخیر، با توجه به تبلیغات گسترده‌ای که در زمینه کاهش تعداد فرزند صورت گرفته، و نیز برخی از پژوهش‌ها که بیانگر ویژگی‌های مثبت تک‌فرزندها در زمینه عاطفی-رفتاری بوده است، برخی والدین، به داشتن یک فرزند بسنده و برخی دیگر، تمایل به داشتن تنها یک فرزند دارند (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹۴). نتایج ادبیات پژوهش‌ها در زمینه پدیده تک‌فرزندی به دو صورت متناقض ارائه شده است؛ برخی تحقیقات بیانگر تأثیرات سوء و مشکلات رفتاری است که تک‌فرزندی می‌تواند برای کودک داشته باشد (لیسن و بلانتون^۱، ۲۰۰۱). بیرد و همکاران (۱۹۹۳) معتقدند تک‌فرزندان در مقایسه با کودکانی که خواهر و برادر دارند از استقلال کمتری برخوردارند. پژوهشگران همچنین فقدان مهارت‌های همکاری و یاری‌رسانی، افزایش میزان خودمحوری و ضربه‌های روانی شدید ناشی از کمبود توجه در محیط بیرونی را از دیگر پیامدهای تک‌فرزندی برشمردند (بیاتی، ۱۳۸۳، ص ۲۹). از سوی دیگر، نتایج برخی تحقیقات نشان‌دهنده ویژگی‌های مثبت تک‌فرزندی در زمینه عاطفی و رفتاری بوده است. برای نمونه سردارپور و همکاران (۱۳۸۲) در مقایسه فراوانی اختلالات رفتاری در بین کودکان تک‌فرزند و چندفرزند، نتیجه گرفته‌اند که فراوانی اختلال سلوک و نقص توجه در کودکان خانواده‌های چندفرزند به مراتب بیشتر از تک‌فرزندها است. پوستون و یو (۱۹۸۶) نشان دادند که تک‌فرزندان در مقایسه با بچه‌های دارای خواهر یا برادر، از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند. زمینه همکاری آنان بیشتر و درجه خصومت آن‌ها کمتر است (بیاتی، ۱۳۸۳، ص ۲).

الگوی حاکم بر روان‌شناسی در گذشته بیشتر بر درمان کمبودها و رفع ناتوانی‌ها، آسیب‌ها و ضعف‌ها معطوف بوده است و با وجود اهمیت و تأثیر هیجان‌ات مثبتی نظیر شادکامی، پژوهش‌های کمتری به این مقوله اختصاص داده شده است (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۴۳). در سالهای اخیر با کارهای سلیگمن^۲ و همکاران وی در روان‌شناسی، جنبشی به نام روان‌شناسی مثبت^۳ ایجاد شده است. از مفاهیم بنیادی مطرح در جنبش روان‌شناسی مثبت‌نگر، مفهوم شادکامی است. بر اساس دیدگاه روان‌شناسان، دو نوع شادکامی وجود دارد: نوعی از آن متأثر از شرایط محسوس زندگی، همچون زناشویی، تحصیل، شغل، و به‌طور کلی امکانات مالی و رفاهی است، که به آن وجه عینی شادکامی گویند؛ نوع دیگر آن، متأثر از حالات درونی

1. Lisen. C- Blanton.p.w.

2. Seligman.

3. Positive psychology.

و ادراکات شخصی است که از آن به شادکامی ذهنی یا احساس شادکامی تعبیر می‌شود (شفیعی، ۱۳۹۱). به رغم اهمیت و تأثیر شادکامی در زندگی، بیشتر مطالعات روان‌شناسی قرن بیستم بر اختلالات، نظیر افسردگی، اضطراب^۱ و اختلالات عاطفی تمرکز یافته است تا بر هیجانات مثبتی، نظیر شادکامی. همچنین آسیب‌هایی که پدیده تک‌فرزندی بر والدین می‌گذارد عمدتاً به صورت نظری مورد توجه قرار گرفته است. روان‌شناسان از رابطه میان تعدد فرزند با هویت و اعتبار اجتماعی والدین سخن به میان آورده‌اند و عدم تعدد فرزند را عاملی برای تنهایی سریع والدین، کاهش کارآمدی و ناپختگی شخصیت آنها برشمرده‌اند (محمودیان و پور رحیم، ۱۳۸۱، ص ۹۳). همچنین یکی از ویژگی‌های خانواده‌های تک‌فرزند توجه و حساسیت افراطی والدین به تنها فرزندشان می‌باشد که عاملی برای نگرانی و اضطراب والدین شمرده می‌شود (DSM IV، ۱۹۹۴، به نقل از دادستان ۱۳۷۶، ج ۱). از سوی دیگر به هر دلیلی خواه ازدواج، فرار، مهاجرت، یا فوت فرزند کانون خانواده تک‌فرزند سریع‌تر با نشانگان آشیانه خالی^۲ روبه‌رو خواهد شد. نشانگان آشیانه خالی نه فقط به معنای از دست دادن (یا خارج شدن فرزندان از خانه)، بلکه به معنای پیامدهای رنج‌آور ناشی از این مسئله برای والدین است (موان و وتینگتون^۳، ۱۹۹۹؛ به نقل از فاطمه مهدی‌یار، خیری و حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۸). غیبت فرزند در چنین خانواده‌هایی باعث افزایش تعارضات زناشویی می‌گردد، یا به خاطر احساس پوچی و فقدان معنای زندگی والدین، حالت افسردگی (گلدنبرگ^۴، ۱۳۸۲؛ ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی و نقشبندی) و احساس نومیدی به آنها دست می‌دهد (کارتز و مک‌گلدریک^۵، ۱۹۸۸؛ به نقل از محمد خالدیان و سهرابی، ص ۸۴). حاجی غلامی (۱۳۹۱) در تحقیقی در این زمینه به این نتیجه رسید که بین دو گروه والدین تک‌فرزند و چندفرزند از لحاظ افسردگی و اضطراب، تفاوت معناداری وجود ندارد. اگرچه والدین تک‌فرزند از رفاه اقتصادی بیشتری برخوردارند و احتمالاً بتوانند صمیمیت عمیق با فرزندان برقرار کرده و تمام توجه خود را به یک فرزند معطوف ساخته و او را به‌گونه‌ای که می‌پسندند تربیت کنند (پیک هارت، ترجمه حاجی‌زاده، ۱۳۸۹).

1. Anxiety.

2. Empty-nest syndrome.

3. Moen & Wethington.

4. Gldnbtg.

5. Cater, E. & Mc Goldrick, M.

بر اساس متون دینی، شادکامی برای خداوند ارزش دارد. در سایه چنین شادی حقیقی است که بشر به سعادت و خوشبختی می‌رسد (شفیعی به نقل از علوی و رنجبر شوراآبادی، ۱۳۹۱). مطالعات متعددی از جمله فرانسیس^۱ و همکاران (۲۰۰۰) حیدری‌رفعت و عنایتی‌فر (۱۳۸۹) ارتباط مثبت بین شادکامی و باورهای مذهبی را نشان داده‌اند. تحقیقات صورت گرفته همبستگی بین ازدواج و شادکامی را تأیید می‌کند (ماستکاسا، ۱۹۹۴) و به عقیده ماستکاسا عقیده بیشتر محققان این است که همبستگی ازدواج و شادکامی، اساساً وابسته به آثار سودمند ازدواج است. ولایارد (۲۰۰۵) یکی از عوامل مؤثر بر شادکامی در زندگی را روابط خانوادگی می‌داند.

با این حال، نظام خانواده و تکثیر نسل دچار مشکلات و چالش‌های اساسی شده است، به‌گونه‌ای که اساس و تمامیت آن نیز در معرض خطر می‌باشد. این موضوع به خصوص در جوامع اسلامی با توجه به سنت‌های اصیل و نهادینه شده آن، از اهمیت روز افزونی برخوردار است. این جوامع در حال حاضر با تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی که امروز بر جهان سایه افکنده است، دچار چالشی جدی‌تر شده است و باورها، اخلاقیات و سنت‌های فرهنگی و بومی آن به سستی و تزلزل گراییده است. بر اساس درک ضرورت فوق، تقویت نظام خانواده و کاهش آسیب‌های آن، مسئله‌ای است که مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌ای را می‌طلبد.

بر این اساس، بررسی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد در چندین پژوهش داخلی به مقایسه کیفیت زندگی زوجین تک‌فرزند و بیش از دو فرزند (نعیمی و دیگران، ۱۳۹۸)، تعارضات زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند (هرایتان و دیگران، ۱۳۹۴) پرداخته شده است. علاوه بر این، عطاری و دیگران (۱۳۸۵)، رحیمی (۱۳۸۸) و الماسی و دیگران (۱۳۸۱) به بررسی رابطه میان متغیرهای حوزه زناشویی و تعداد فرزند پرداخته‌اند. همچنین، پژوهشی با رویکرد دینی و روان‌شناختی (هروی و دیگران، ۱۳۹۹) افسردگی، اضطراب و کاهش یاری‌رسانی را از آسیب‌های تک‌فرزندی شمرده است. در میان تحقیقات خارجی نیز لی^۲ و دیگران (۲۰۱۵) به صورت کلی تأثیر تک‌فرزندی بر والدین و کرین^۳ (۲۰۱۱) آثار تک و چند فرزندگی را بر

1. Francis et al.

2. Li, Y.

3. Kryne. C.

ساختار خانواده بررسی کرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش هاشم‌بیگی و سروقند (۱۳۹۴) به بررسی شادکامی، اعتماد به نفس و سازگاری؛ افشار و ربیعی‌نژاد (۱۳۹۵) انگیزش پیشرفت؛ اغیاری و دیگران (۱۳۹۶) خودکارآمدی؛ زارعی توپخانه (۱۳۹۴) ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی؛ صادقی و روشن‌نیا (۱۳۹۴) تاب‌آوری؛ فیاضی (۱۳۹۵) عملکرد خانواده و خودمتمایزسازی و ساطوریان و دیگران (۱۳۹۳) مشکلات رفتاری میان کودکان، نوجوانان و دانشجویان تک و چند فرزند پرداختند. همچنین، خیرالهی و دیگران (۱۳۹۵) همبستگی میان دو متغیر شادکامی و سلامت روان را با تعداد فرزند در دختران نوجوان بررسی کردند. در پایان، همان‌طور که تحقیق مرور سیستماتیک خلیلیان (۱۳۹۷) نشان می‌دهد بیشترین سیر پژوهش در این موضوع به سمت بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های تک‌فرزندان و چندفرزندان حرکت کرده و از تحقیقاتی که تأثیر تک‌فرزندی را بر والدین یا ساختار خانواده بررسی کند، غفلت شده است. بنابراین این تحقیق، به دنبال بررسی این است که آیا بین شادکامی والدین تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش مقایسه سطح شادکامی والدین تک‌فرزند و چندفرزند است و والدین در دو گروه تک‌فرزند و چندفرزند به‌عنوان عاملی که احتمال دارد با متغیر وابسته (سطح شادکامی) رابطه داشته باشد، به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند، این پژوهش از نوع پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه معلمان منطقه چهار استان قم می‌باشد. در این پژوهش، تعداد ۱۲۰ معلم مرد و زن (۳۵ تا ۵۵ سال) از دو گروه والدین تک‌فرزند (۳۷ نفر) و چندفرزند (۸۳ نفر) به روش تصادفی^۱ و از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای^۲ به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. به این ترتیب در ابتدا، فهرستی از کلیه مدارس ناحیه آموزش و پرورش منطقه ۴ استان قم تهیه و از بین آن‌ها تعداد ۱۷ مدرسه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از میان ۱۷ مدرسه تعدادی معلم تک‌فرزند و چندفرزند به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفته شد. معیار ورود معلمان به پژوهش تأهل و فرزنددار بودن آنان بود.

1. Random.

2. Cluster Simpling.

داده‌ها از طریق نرم‌افزار spps نسخه ۱۸ و در دو بخش روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون t برای دو گروه مستقل) تجزیه و تحلیل شد. ابزار گردآوری اطلاعات؛ پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۱ در میان پرسشنامه‌های مختلف شادکامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در پژوهش‌های چندی به کار رفته است. این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ توسط آرجیل و لو^۲ تهیه شده است. چون آزمون بک یکی از موفق‌ترین آزمون‌های افسردگی بوده است، آرجیل پس از رایزنی با بک بر آن شد تا جملات مقیاس افسردگی بک^۳ را معکوس کند. بدین ترتیب ۲۱ ماده تهیه شد. سپس ۱۱ ماده به آن افزوده شد، تا سایر جنبه‌های شادکامی را دربرگیرد. بعد از آن، این سیاهه ۳۲ ماده‌ای در مورد ۸ دانشجو اجرا و از دانشجویان خواسته شد تا گزینه را مرتب و درباره روایی صوری پرسش‌ها نیز قضاوت کنند. این امر سبب تغییر برخی مواد آزمون و نیز حذف سه ماده گردید. بنابراین فرم نهایی سیاهه ۲۹ ماده دارد (آزموده، شهیدی و دانش ۱۳۸۶). هنگام اجرا از آزمودنی خواسته می‌شود جملات هر گروه را در پرسشنامه به دقت بخواند، سپس جمله‌ای را علامت بزند که بهتر از همه طرز احساس او را در روزهای اخیر مشخص می‌کند. در همه ۲۹ گروه به گزینه الف نمره ۰، به گزینه ب نمره ۱، و به گزینه ج نمره ۲، و به گزینه د نمره ۳، تعلق می‌گیرد. بنابراین دامنه نمرات بین صفر تا ۸۷ قرار می‌گیرد (دانش، ۱۳۸۹). به منظور بررسی اعتبار و روایی فهرست شادکامی آکسفورد، آرجیل (۲۰۰۱) نمونه‌ای متشکل از ۱۴۲ مرد و ۲۲۷ زن ایرانی، ۱۸ تا ۵۳ سال میانگین ۲۵ فهرست شادکامی آکسفورد، پرسشنامه شخصیتی آیزنک، و فهرست افسردگی بک، را تکمیل کردند. بررسی همسانی درونی فهرست شادکامی آکسفورد نشان داد که تمام ۲۹ گزاره این فهرست با نمره کل همبستگی بالایی داشتند. آلفای کرونباخ برای کل فهرست برابر با ۰/۹۱ بود. همبستگی پیرسون بین فهرست شادکامی آکسفورد با فهرست افسردگی بک و زیرمقیاس‌های برون‌گرایی و نوروژگرای EPQ به ترتیب برابر با ۰/۴۸-، ۰/۴۵ و ۰/۳۹- بود که روایی هم‌گرا و واگرای فهرست شادکامی آکسفورد را تأیید کرد. نتایج تحلیل عاملی با استخراج ۵ عامل رضایت از زندگی، عزت نفس، بهزیستی فاعلی، رضایت خاطر و خلق مثبت توانستند با ارزش ویژه بزرگتر از ۱ در مجموع ۴۹/۷ درصد واریانس کل را تبیین کنند. میانگین نمرات آزمودنی‌های ایرانی در فهرست شادکامی آکسفورد (۴۲/۰۷)

1. Axford happiness inventory(OHI).

2. Argyle & lu.

3. Beck.

با یافته‌های پژوهش آرچیل ($m = 35.6$) متفاوت بود. یافته‌های پژوهش نشان دادند که فهرست شادکامی آکسفورد برای اندازه‌گیری شادکامی در جامعه ایرانی از اعتبار و روایی مناسب برخوردار است. روایی این مقیاس در مطالعات مختلف از جمله علی‌پور و نوربالا (۱۳۸۷) تأیید شده است، آرچیل و لو (۱۹۹۸) ضریب آلفای ۹۰ درصد را با ۳۴۷ آزمودنی، نوری (۱۳۸۱) با ۱۸۰ آزمودنی آلفای کرونباخ ۸۴ درصد را به دست آورده‌اند. در ایران علی‌پور و نوربالا (۱۳۸۷) با ۱۰۱ آزمودنی آلفای ۹۳ درصد را به دست آورده‌اند.

یافته‌ها

در این پژوهش، به منظور مقایسه سطح شادکامی والدین تک‌فرزند و چندفرزند، آزمودنی‌ها با یکدیگر مقایسه شدند. در جدول ۱، توصیف جمعیت شناختی آزمودنی‌ها از جمله تعداد والدین تک‌فرزند و چندفرزند، میانگین نمرات سطح شادکامی و انحراف استاندارد آنها ارائه شده است.

جدول ۱: توصیف داده‌ها در خصوص سطح شادکامی والدین بر اساس تعداد فرزند

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	شادکامی	
						تک‌فرزند	چندفرزند
	۳۷	۴۲/۰۵	۱۱/۳۷	۲۳	۶۵		
	۵۳	۴۸/۶۹	۱۰/۳۷	۳۰	۸۴		

همانگونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین سطح شادکامی والدین چندفرزند برابر با ۴۸/۶۹ شده که این میزان در بین والدین تک‌فرزند برابر با ۴۲/۰۵ به دست آمده است. طبق نتایج به دست آمده روشن شد که والدین چندفرزند، در خصوص سطح شادکامی، از میانگین نمره بالاتری نسبت به تک‌فرزندی‌ها برخوردار هستند. برای بررسی و مقایسه میانگین و معنادار بودن یا نبودن تفاوت آنها، از آزمون t نمونه‌های مستقل استفاده شد که نتایج به دست آمده در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون t نمونه‌های مستقل در خصوص سطح شادکامی والدین تک‌فرزند و چندفرزند

آزمون لوین		آزمون t	
سطح معناداری	مقدار f	مقدار t	درجه آزادی
۰/۶۳۶	۰/۲۲۶	-۲/۸۷	۸۸
			۰/۰۵

طبق جدول ۲، نتایج آزمون t گروه‌های مستقل، می‌توان گفت که تفاوت دو گروه به لحاظ آماری معنادار است و (و سطح شادکامی والدین چندفرزند در مقایسه با والدین تک‌فرزند بالاتر است و تفاوت این دو گروه معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی تفاوت سطح شادکامی والدین دارای یک و چند فرزند انجام شده است. آزمون فرضیه (جدول ۲)، نشان داد که تفاوت معناداری بین نمرات شادکامی والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند وجود دارد؛ بدین معنا که والدین دارای چند فرزند، نمرات بالاتری در سطح شادکامی کسب نمودند (جدول ۱). این یافته‌ها با پژوهش‌های محمودیان و پور رحیم (۱۳۸۱، ص ۹۳)، دادستان (۱۳۷۶)، گلدنبرگ (۱۳۸۲)، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی و نقشبندی) و کارتر و مک‌گلدریک (۱۹۸۸؛ به نقل از محمد خالدیان و سهرابی، ص ۸۴) همسو و با تحقیق حاجی غلامی (۱۳۹۱) ناهمسو است؛ این می‌تواند به دلیل شرایط مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جوامع مورد مطالعه باشد.

در تبیین این رابطه، می‌توان گفت: ۱- کودکان والدین را از تنهایی ﷻ ایی می‌بخشند و موجب نشاط و شادابی، افزایش کارآمدی و پختگی شخصیت والدین می‌گردد (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱). ۲- تعداد فرزندان موجب پدید آمدن روابط نزدیک و صمیمی والدین و فرزندان می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فراوانی روابط نزدیک با دیگران، یکی از همبسته‌های احساس شادکامی است (سلیگمن و کیکزنت میهالی، ۲۰۰۰، به نقل از حسین ثابت و مومنی‌پور، ۱۳۹۴). ۳- در تبیین این رابطه نیز می‌توان به تأکید و تشویق گزاره‌های دینی برای ازدیاد نسل و فرزندآوری اشاره نمود که موجب احساس امیدواری و معنادار بودن زندگی را به انسان می‌دهد. میلانی (۱۳۹۲) بیان می‌کند که هرچه خانواده کوچکتر باشد آسیب‌پذیری آن بالاتر است. خانواده‌هایی که یک فرزند دارند چون قائم به فرد است اگر مشکلی برای فرزند پیش آید زندگیشان تمام و نابود می‌شود.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش: ۱- پژوهش حاضر به ابزار مورد استفاده این تحقیق وابسته است و کیفیت نتایج تابع ویژگی‌های پرسشنامه شادکامی آکسفورد می‌باشد. ۲- از محدودیت‌های آن، اجرا و بررسی سطح شادکامی در بین معلمان ناحیه ۴ شهر قم است. از این رو، به واسطه تفاوت‌های فردی و فرهنگی- اجتماعی برای تعمیم نتایج به سایر مناطق و اقشار، باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

در این پژوهش نقش متغیرهای تأثیرگذار بر سطح شادکامی به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفت. بنابراین، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، اثر این متغیرها را نیز مورد مطالعه قرار دهند و برای تعمیم آن را در جوامع مطالعاتی دیگر اجرا کنند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمی‌پور، قاسم؛ عارف‌محبی، محمد (۱۳۹۶)، *شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- احمدی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «اثر بخشی مناسک عمره مفرده بر شادکامی و سلامت روانی»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۳، ص ۴۱-۶۲.
- اغیاری، اشرف؛ طاهر، محبوبه؛ آقایی، حکیمه (۱۳۹۶)، «مقایسه خودکارآمدی دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و دانش‌آموزان خانواده چندفرزند»، *چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی، مشاوره و علوم رفتاری*.
- افشارنجفی، فریدون؛ ربیعی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۵)، «مقایسه انگیزش پیشرفت و ابعاد آن در دانش‌آموزان تک‌فرزند و چندفرزند»، *چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*.
- بیاتی، فاطمه (۱۳۸۳)، «مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چندفرزند مقطع راهنمایی شهر تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی*، تهران: دانشگاه الزهراء علیها.
- پیک هارت، کارل (۱۳۸۹)، *کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند*، چاپ سیزدهم، ترجمه مسعود حاجی‌زاده، تهران: صابرین.
- حاجی‌غلامی یزدی، مهدیه (۱۳۹۱)، «تأثیر آموزش مهارت فرزندپروری بر نگرانی، اضطراب و باورهای خودکارآمد والدین»، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، شماره ۲ (۲۱).
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسین ثابت، فریده؛ مومی‌پور، مهرنوش (۱۳۹۴)، «رابطه عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در دانشجویان دختر»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۳، ص ۱۴۵-۱۶۱.
- خالدیان، محمد؛ سهرابی، فرامرز (۱۳۹۳)، «اثر بخشی معنادرمانی به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی و افزایش امید در سالمندان با سندرم آشیانه خالی»، *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، شماره ۱۵، ص ۷۹-۱۰۳.

- خلیلیان شلمزاری، محمود (۱۳۹۷)، «بررسی پژوهش‌های روان‌شناختی داخلی در تک‌فرزندی: مرور سیستماتیک»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۱۰، ص ۹۹-۱۲۵.
- دادستان پیرخ (۱۳۷۶)، *روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی*، تهران: سمت، چاپ دوم.
- دانش، عصمت (۱۳۸۹)، «مقایسه سطح شادکامی و سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر متأهل و مجرد دانشگاه»، *روان‌شناسی کاربردی*، شماره ۱۶.
- رجبعلی، عبدالحمید (۱۴۳۵)، «تضاد طرح کاهش جمعیت با تعالیم دینی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام*، شماره ۲، ص ۵۳.
- زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۴)، «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای تک و دو فرزند با بیش از دو فرزند»، *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، (۱۱)، ص ۹۵-۱۱۲.
- ساطوریان، سید عباس؛ طهماسبیان، کارینه و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۲۷، ص ۸۱-۶۶.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶)، *نقش فرزند در استحکام و بهداشت روانی خانواده، همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱)، *خانواده متعادل*، تهران: انجمن اولیا و مربیان، چاپ هفتم.
- شفیعی، نرگس (۱۳۹۱)، «جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل بیرونی، ارائه الگوی شادکامی در دانش‌آموزان»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۴، ص ۱۰۵-۱۱۹.
- شولتز، داوون و شولتز، سیدنی ال (۱۳۸۵)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش، چاپ نهم.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۳)، *جمعیت و تنظیم خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صادقی، مسعود؛ روشن‌نیا، سمیه (۱۳۹۴)، «مقایسه تاب‌آوری در نوجوانان خانواده‌های چندفرزند و تک‌فرزند»، *اولین کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی و علوم تربیتی*.
- عابدین‌آبادی، عاطفه (۱۳۹۱)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی سبک‌های مقابله و شادکامی در دانشجویان»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۳، ص ۱۳۵-۱۶۳.
- علی محمدی، کاظم (۱۳۸۸)، شادکامی و ساخت آزمون آن از دیدگاه اسلام، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- فیاضی، مینا (۱۳۹۵)، «مقایسه عملکرد خانواده و خودمتمایزسازی در دانشجویان تک‌فرزند و چندفرزند»، *دومین همایش ملی روان‌شناسی و علوم تربیتی*.

- گلدنبرگ ایرنه و گلدنبرگ هربرت (۱۳۸۲)، **خانواده درمانی**، مترجمان حمیدرضا حسین شاهی برواتی و سیامک نقشبندی، تهران: انتشارات روان.
- مباشری، محمود؛ علیدوستی، معصومه؛ حیدری سورشجانی، سعید؛ خسروی، فرزین؛ خلفیان، پوران؛ جلیلیان، محسن (۱۳۹۲)، «تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند شهرستان شهرکرد در سال ۱۳۹۲»، **مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام**، ۲۱(۶)، ص ۶۳-۷۰.
- محمودیان، حسین؛ محمدرضا پور، رحیم (۱۳۸۱)، «ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری»، **فصلنامه جمعیت**، شماره ۴۱، ص ۸۹-۱۰۳.
- معاونت پژوهش، گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۸۶)، **تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن**، ج ۱ و ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مهدی یار، فاطمه؛ خیر، محمد؛ حسینی، مریم (۱۳۹۳)، «مقایسه سندرم آشیانه خالی در والدین قبل و بعد از ترک منزل توسط فرزند(ان)»، **مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی**، ۴(۵۸)، ص ۲۹-۱۷.
- مینوچین، سالوادور (۱۳۷۳)، **خانواده و خانواده‌درمانی**، ترجمه باقر ثنائی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نعیمی، ابراهیم؛ سعیدی، میلاد؛ کاظمیان، سمیه (۱۳۹۸)، «مقایسه کیفیت زندگی زوجین تک‌فرزند با زوجین دارای بیش از دو فرزند در خانواده‌های تهرانی»، **مشاوره و روان‌درمانی خانواده**، شماره ۱(۲۷)، ص ۱۶۱-۱۷۲.
- هاشم بیگی، الهه؛ سروقد، سیروس (۱۳۹۴)، «مقایسه اعتماد به نفس، شادکامی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان تک‌فرزند و چندفرزند»، **دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران**.
- هراتیان، عباسعلی؛ ساطوریان، عباس؛ زارعی، محمد؛ جان بزرگی، مسعود؛ آگاه‌هریس، مژگان (۱۳۹۴)، «بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیر منطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار و پایبندی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند»، **روان‌شناسی و دین**، ۳(۳۱)، ص ۹۳-۱۱۲.
- هروی، مرضیه؛ چراغی کوتیانی، اسماعیل؛ هراتی، محسن (۱۳۹۹)، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد دینی و روان‌شناختی»، **دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی**، شماره ۱(۳)، ص ۱۸۲-۱۶۳.
- Li, Y., Liu, L., Lv, Y., Xu, L., Wang, Y., & Huntsinger, C. S. (2015). Mother-child and teacher-child relationships and their influences on Chinese only and non-only children's early social behaviors: The moderator role of urban-rural status. *Children and Youth Services Review*, 51, 108-116.

-
- Krynen, C. (2011). The rise of single-child families: Psychologically harming the child. *Intuition BYU Undergrad J Psychol*, 7, 10-4.
 - Lisen, C. R, & Blanton, P. W, 2001, Experience of only children, *Journal of Individual Psychology*, v. 57 (2), p. 725-740.

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۹۵-۱۱۹)

نقش سه‌گانه تاریک شخصیت در ابعاد مقابله دینی با میانجی‌گری تصور از خدا

The role of the dark triad in the dimensions of religious coping mediated by the God Image

مجتبی کرمی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
محمدتقی تبیک / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
محمدرضا حسن‌زاده توکلی / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

Mojtaba Karami/Master's degree in Islamic psychology, positive orientation, Qur'an and Hadith University, Qom, Iran.

Mohammad Taghi Tabik / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, University of Qur'an and Hadith, Qom, Iran. mtabik@gmail.com

Mohammad Reza Hasanzade Tavakoli / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, University of Qur'an and Hadith, Qom, Iran.

Abstract

Religious coping is a very important structure that plays a role in physical and mental health. In this study, investigated the role of dark triad of personality in explaining the dimensions (positive/negative) of religious coping mediated by God image. The participants in this study were 311 people (151 men, 160 women) who responded to the three scales by available sampling method: Dark Triad, Image of God and Short Scale of Religious Coping. In this study, used correlational method, causal modeling, T test and multivariate regression analysis. The findings showed a correlation between research variables.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سه‌گانه تاریک شخصیت در تبیین ابعاد مثبت و منفی مقابله دینی با میانجی‌گری تصور از خدا انجام گرفت. شرکت‌کنندگان این پژوهش ۳۱۱ نفر (۱۵۱ مرد و ۱۶۰ زن) بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس، به مقیاس‌های سه‌گانه تاریک شخصیت، تصور از خدا و مقیاس کوتاه مقابله دینی پاسخ دادند. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش هم‌بستگی، مدل‌یابی علی، تحلیل رگرسیون تک متغیره و چند متغیره استفاده شد. یافته‌ها از هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش حکایت داشت. همه‌ی سه‌گانه تاریک و همه خرده‌آزمون‌هایش با مقابله دینی منفی و تصور منفی از خدا رابطه داشتند. هم‌چنین ماکیاویلیانیسم و

All subscales of Machiavellianism, narcissism, and psychopathy were associated with negative religious coping and negative image of God. Accordingly, the mediating role of the image of God in the relationship between the dark trinity and negative religious coping was confirmed. The results of this study showed that all subscales of the dark triad variable have the power to predict negative coping and the idea of God played a mediating role for the relationship between these two variables.

Keywords: religious coping, God image, dark triad, religiosity.

سایکوپاتی با تصوّر مثبت از خدا و خودشیفتگی و تصوّر مثبت از خدا رابطه داشتند. در برازش مسیرهای مدل معلوم گردید که مسیر مستقیم سه‌گانه تاریک به مقابله دینی منفی معنادار نیست و مسیر سه‌گانه تاریک به تصوّر از خدا و تصوّر از خدا به مقابله دینی منفی معنادار است. بر این اساس نقش میانجی‌گری تصوّر از خدا برای رابطه میان سه‌گانه تاریک و مقابله دینی منفی تأیید گردید. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت سه‌گانه تاریک می‌تواند از طریق تصوّر از خدا در راهبرد منفی مقابله دینی نقش آفرینی کند.

کلید واژه‌ها: مقابله دینی، سه‌گانه تاریک شخصیت، تصور از خدا، مقابله مذهبی، خدا پنداره.

مقدمه

دین برای بسیاری از افراد حکم شخصی دارد (یونگ^۱، ۱۹۳۷ ترجمه روحانی، ۱۳۵۴) دانشمندان معتقدند ویژگی‌های شخصیتی و روابط اولیه بر نوع دین‌داری افراد تأثیرگذارند (اسپیلکا^۲، هود، هونسبرگر و گرساچ، ۲۰۰۳ ترجمه دهقانی، ۱۳۹۷). پیدمونت و ویلکینز^۳ (۲۰۱۳) با تأکید بر نقش متقابل دین و شخصیت اهمیت دین و معنویت را برای روان‌شناسان شخصیت تبیین می‌کنند. یکی از جنبه‌هایی که دین در اختیار بشر قرار می‌دهد، راهبردهای مقابله دینی در مواجهه با مشکلات است. در مقابله دینی^۴، هر رویدادی در پرتو امر قدسی تفسیر می‌شود (زین‌باوئر و پارگامنت^۵، ۲۰۰۰) پژوهش‌های بسیاری به بررسی ارتباط میان

1. Jung, C.G.

2. Spilka et al.

3. Piedmont, R.L., Wilkins, T.A.

4. religion coping.

5. Zinnbuer & pargament.

شخصیت و مقابله دینی پرداخته‌اند. از جمله ویژگی‌های شخصیتی که ارتباط آن با مقابله دینی می‌تواند به تکمیل نظریه‌ها و مدل‌ها منتهی شود، سه‌گانه تاریک شخصیت^۱ است. پژوهش‌ها حاکی است افرادی که دارای شخصیت تاریک هستند، غالباً سطوح پایین‌تری از دین‌داری را گزارش می‌کنند. این افراد کمتر به دیگران کمک می‌کنند و بیشتر به جای کمک به دیگران از استثمار دیگران سود می‌برند (آقابابایی، محمدتبار و صفاری‌نیا، ۲۰۱۴). بنابراین به هنگام رویارویی دینی با بحران این انتظار وجود دارد که با افزایش تاریکی شخصیت، استفاده از مقابله دینی منفی را شاهد باشیم.

از سوی دیگر تصور از خدا^۲ به عنوان تجربه عاطفی فرد نسبت به خدا می‌تواند بخش عمده‌ای از نظام معنایی هر فرد را تشکیل دهد. دانشمندان بر این باورند؛ تصور از خدا ریشه در دل‌بستگی و روابط ابژه‌ای فرد دارد (هافمن، ۲۰۰۵).

با توجه به جایگاه مقابله دینی در پژوهش‌های اخیر، اهمیت شناسایی عوامل مؤثر بر مثبت یا منفی بودن مقابله دینی مشخص می‌گردد. در واقع خاصیت گسترده مقابله دینی زمانی بهتر پدیدار می‌شود که بر روی ساختارهای روان‌شناختی گسترده‌ای چون ویژگی‌های شخصیتی تمرکز شود (پیدمونت و ویلکینز، ۲۰۱۳). نادیده گرفتن عوامل شخصیتی مؤثر بر مقابله دینی، عدم آگاهی در رابطه با یک فرایند روان‌شناختی عمده را به بار می‌آورد و موجب ناقص و ناتمام ماندن نظریه‌ها و مدل‌ها در این حوزه می‌گردد.

سه‌گانه تاریک شخصیت با خودشیفتگی^۳، جامعه‌ستیزی^۴، و ماکیاولی‌گرایی^۵ در سطوح غیربالینی سروکار دارد. به جهت وجود ویژگی‌های مشترک و هم‌بستگی‌های مثبت این سه سازه، پالهاوس و ویلیامز (۲۰۰۲) تا جایی پیش رفته‌اند که سه‌گانه تاریک را یک شاخص کلی می‌دانند. افراد دارای این صفات، با ناسازگاری، بازداری بین‌فردی، عدم صداقت، نبود صمیمیت، ناهمدلی و دشمنی مشخص می‌شوند (جاکوبتیز، اگان^۶، ۲۰۰۶؛ لی و اشتون^۷،

1. dark triad.

2. God image.

3. Narcissism.

4. Psychopaty.

5. Machiavellianism.

6. Jakobwitz, & Egan.

7. Lee & Ashton.

۲۰۰۵؛ جونز و پالهاوس^۱، ۲۰۱۱؛ میلر و همکاران^۲، ۲۰۱۰). خودشیفته‌ها به دلیل خودفربیی‌شان باید به طور خلاقانه‌ای عشق به خدا را تحریف کنند تا با دیدگاه بیمارگونه‌شان تطابق داشته باشد. آنها نسبت به رنج و نیازهای دیگران حساس نبوده و فعالیت‌های خیرخواهانه‌شان برای جلب توجه است (اسپری^۳، ۲۰۱۲، ص ۱۰۴-۱۰۵). از این میان تنها جامعه‌ستیزی به دلیل رابطه منفی با «هدف در زندگی»^۴ ممکن است فاقد احساس معنا در زندگی بوده یا اساساً هیچ باوری نداشته باشند که به زندگی معنا بدهد (آقابابایی، ۲۰۱۹). از دین خود برای دستیابی به اهداف اجتماعی خود استفاده می‌کنند (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع این سه سازه با یکدیگر دارای اشتراکات و تمایزاتی هستند به عنوان نمونه، افراد با سطوح بالای خودشیفتگی می‌توانند در برابر فشارهای اجتماعی مقاومت بیشتری نشان دهند. درحالی‌که سطوح بالاتر ماکیاولی‌گرایی بیشتر نگران انتظارات و ارزیابی‌های دیگران هستند (آقابابایی، ۲۰۱۹).

پارگامنت و همکاران (۱۹۹۸) با تمرکز بر راهبردهای مفید یا مضر مقابله دینی آن را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم نمودند (پارگامنت، کینگ و پرز، ۲۰۰۰). راهبردهای مقابله‌ای دینی مثبت منعکس‌کننده رابطه ایمن با خدا و احساس ارتباط معنوی با دیگران است و راهبردهای مقابله‌ای دینی منفی نشان‌دهنده مبارزه در درون خود، با دیگران یا با خدا در مورد مسائل مقدس است. در این نوع، خدا موجودی طاقت‌فرسا و ناتوان تلقی می‌شود. در نتیجه فرد خود را از جانب خدا در رنج می‌بیند. افراد دارای انگیزه جست‌وجوگری که از خدا و اجتماعات دینی سازمان‌یافته بیزارند، با این الگو سازگارترند (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰). پارگامنت، آنو و واولتزر (۲۰۰۵) یافتن معنا، جست‌وجوی مهارت، یافتن، دستیابی به صمیمیت و تقرب به خدا و دگرگونی را پنج کارکرد اصلی مقابله برمی‌شمرند. با توجه به تمرکز غالب پژوهش‌ها در حوزه مقابله دینی بر سنت یهودی-مسیحی پژوهشگران مسلمان به ترسیم ابعاد مقابله دینی بر اساس قرآن کریم پرداخته‌اند. در پژوهش آنها الگوی مفهومی مقابله دینی بر چهار بعد «منابع دینی»، «زمینه‌های مقابله دینی»، «ساختار مقابله دینی» و «پیامدهای مقابله دینی» استوار است (خطیب و همکاران، ۱۴۰۱).

1. Jones, D. N. & Paulhus, D. L.

2. Miller.

3. Sperry, L.

4. purpose in life.

5. Pargament, K. I & Koenig, H. G. & Perez, L. M.

سازه روان‌شناختی تصویر خدا توسط آنا-ماریا ریتسوتو (۱۹۷۹ به نقل از هافمن، ۲۰۰۵) و بر اساس تصوّر فروید از دین و خدا ایجاد شد (هافمن، ۲۰۰۵). او تصور از خدا را نتیجه روابط کودک با والدین و علاقه روزافزون کودک به رویدادهای علیّی می‌داند (وولف، ۱۹۹۷ ترجمه دهقانی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد تصورات از خدا در دوران تحول شکل گرفته، منحصر به فرد بوده و به تجربه واقعی عقل درنیامده باشند (جان بزرگی، ۱۳۹۸، ص ۳۰). اگرچه پژوهشگرانی همچون دی روس^۱ (۲۰۰۴) به نقل از فیض‌آبادی، (۱۳۸۸)، مفهوم خدا و تصوّر از خدا را یکسان تلقی کرده‌اند؛ اما به اعتقاد لارنس (۱۹۹۷)، در تعریف مفهوم خدا^۲ باید گفت، مفهوم خدا، درک شناختی فرد از خدا و تصوّر از خدا^۳ درک تجربه‌ای فرد از خداست. باید توجه داشت که در این میان دین چیزی بیش از یک مفهوم ساده از خدا به دست می‌دهد. دین ابزاری ارائه می‌دهد که شخص با آن می‌تواند خود را به خدا ارتباط دهد (نوذری، ۱۳۹۶) مفاهیم و آموزه‌های دینی، می‌توانند در تصویری که فرد از خدا می‌سازد نقش آفرینی کنند. در ادبیات دینی، خصوصاً دین اسلام خداوند خود را از آنچه مخلوقات درباره‌اش توصیف می‌کنند منزه و پاک دانسته (جان بزرگی، ۱۳۹۸، ص ۳۰) به عقیده ریان^۴ افرادی که تصوّر منفی از خداوند دارند، نمی‌توانند با او رابطه‌ای عاطفی و صمیمی برقرار کنند و حتی اگر اهل عبادت هم باشند، عبادتشان ناشی از ترس و اضطراب است (علیانسب، ۱۳۹۰). در نگاه تحول دین‌داری، تصویر شایسته از خدا در برابر تصویر مخدوش از او، که در اواخر کودکی شکل می‌گیرد می‌تواند در ابتدای بزرگسالی تجربه قرب الهی را در برابر انزوا از خدا پدید آورد (نوذری، ۱۳۹۶). در چهارچوب نظریه دل‌بستگی تصورات از خدا به سه دسته کلی قابل تقسیم بندی است؛ الف- خدای فعال، پایدار، هدایت‌کننده و خیرخواه؛ ب- خدای غضبناک، سرزنش‌گر و سخت‌گیر؛ ج- خدای دور از دسترس، بی‌عاطفه، غیرانسان‌وار، منفعل، بیگانه و دست‌نایافتنی (گرساچ، ۱۹۶۸؛ شافر و گرساچ، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ به نقل از تیبیک، ۱۳۹۸). در تصوّر مثبت از خدا دو مؤلفه اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی مؤلفه حضور خداوند در زندگی و دیگری مراقبت خداوند. مؤمنین بر این باورند که خداوند به آنان نزدیک بوده و زمانی که دچار ناراحتی می‌شوند، می‌توانند این انتظار را داشته باشند که خداوند آنها را به حال خود وانمی‌گذارد. (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰).

1. De Roos, S. A.

2. God Concept.

3. God Image.

4. Ryan, R. J.

براساس پژوهش‌های گذشته رابطه سه‌گانه تاریک با بهباشی معنوی (کامرل^۱ و همکاران، ۲۰۱۴) بهباشی درونی مذهبی-معنوی (آنتراینر^۲ و همکاران، ۲۰۱۶) دین‌داری اجتماعی بیرونی (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴) دین‌داری درونی (واتسون، جاب چن، موریس و قربانی^۳، ۲۰۱۹) وابستگی مذهبی (حداد و انگمن^۴، ۲۰۱۶) جهت‌گیری درونی-بیرونی (لوویسکی و زاجنکوسکی^۵، ۲۰۱۶) اعتقاد به ماوراءالطبیعه و باورهای مذهبی (شوفلید^۶ و همکاران، ۲۰۲۱) بررسی شده است. همچنین پژوهشگران معتقدند اعتقادات فرد مسلمان به نفع جامعه است و با سه‌گانه تاریک هم‌بستگی منفی دارد (قربانی، واتسون، زارعی و جاب چن^۷، ۲۰۱۷). جامعه‌سنجی و ماکیاول‌گرایی با مقابله هیجان‌مدار و خودشیفتگی با مقابله مسئله‌مدار رابطه دارد (بایرکاس، جکز و سات^۸، ۲۰۱۶). پژوهش‌ها در رابطه با تصوّر از خدا و مقابله حاکی است افرادی که خدا را درگیر در زندگی روزمره می‌دیدند، بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای در جهت ارتقاء حفاظت معنوی استفاده می‌کردند (اسچرییل^۹، ۲۰۱۱). پژوهش وان لارهوون^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۰) حکایت داشت که تصویر غیر شخصی از خدا^{۱۱} (خدا را چیزی بالاتر از خود دانستن) پیش‌بینی‌کننده‌ای مهم‌تر برای استراتژی‌های مختلف مقابله در بیماران است تا تصویر شخصی از خدا^{۱۲}.

با توجه به آنچه گفته شد، اینکه آیا نمره بالای سه‌گانه تاریک شخصیت بر رویکرد مقابله دینی فرد تأثیرگذار است یا خیر سوالی است که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است. البته در صورت وجود رابطه میان این دو متغیر اساساً سوال دیگری وجود دارد که آیا تصور از خدا می‌تواند رابطه میان سه‌گانه تاریک شخصیت و مقابله دینی را میانجی‌گری

1. Kammerle.

2. Unterrainer.

3. Watson & Job Chen & Morris & Ghorbani.

4. Haddad & Angman.

5. Łowicki & Zajenkowski.

6. Schofield.

7. Ghorbani & Watson & Zarei & Job Chen.

8. Birkas & Gacs & Csath.

9. Schreiber J.A.

10. Van Laarhoven.

11. nonpersonal image of God.

12. personal image of God.

کند؟ از این رو این پژوهش با هدف مشخص نمودن ارتباط میان این سه متغیر به بررسی این فرضیه می‌پردازد که سه‌گانه تاریک شخصیت با میانجی‌گری تصور از خدا در تبیین ابعاد مقابله دینی نقش دارد.

روش

پژوهش حاضر از جهت نحوه گردآوری داده‌ها، یک پژوهش کمی و توصیفی است و برای سنجش رابطه میان متغیرها از روش هم‌بستگی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را تمام مردان و زنان ایرانی تشکیل می‌دهند که به نرم‌افزارهای ارتباط جمعی دسترسی داشته‌اند. این پژوهش با حضور ۳۱۱ شرکت‌کننده با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و توسط نرم‌افزار گوگل‌فرم انجام گرفت. در این پژوهش جهت ساماندهی و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-۲۵ و برای مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار AMOS Graphics-۲۴ استفاده گردید. شرکت‌کنندگان به مقیاس‌های ذیل پاسخ دادند.

۱. پرسشنامه کوتاه سه‌گانه تاریک دوازده کثیف (DD) (جوناسون و وبستر، ۲۰۱۰): در این پژوهش جهت سنجش سه‌گانه تاریک شخصیت از پرسشنامه کوتاه سه‌گانه تاریک دوازده کثیف (DD) (جوناسون و وبستر، ۲۰۱۰) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۲ گویه و سه خرده‌مقیاس خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی است و جوناسون و وبستر (۲۰۱۰)، پایایی درونی با ضریب آلفای کرونباخ هر یک از این سازه‌ها را به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۲ و ۰/۶۳ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز پایایی این سه خرده‌آزمون با ضریب آلفای کرونباخ عبارتند از: ماکیاول‌گرایی ۰/۸۴، جامعه‌ستیزی ۰/۴۵ و خودشیفتگی ۰/۸۷.

۲. پرسشنامه تصور از خدا (کلاین، ۱۹۹۳): در این پژوهش برای سنجش تصور از خدا از پرسشنامه تصور از خدا کلاین (۱۹۹۳) بهره گرفته شد. این پرسشنامه توسط خسروی (۱۳۸۳) ترجمه گردید (فیض آبادی و خسروی ۱۳۸۸). این پرسشنامه شامل سه خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند (تصور مثبت) و تصور منفی از خداست. این پرسشنامه دارای ۲۷ گویه است. کلاین (۱۹۹۳) به نقل از همان پایایی درونی سه خرده‌آزمون حضور خدا، مراقبت خدا و تصور منفی از خدا را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۶۹ به دست آورده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این سه خرده‌آزمون با ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۶۷ به دست آمد.

۳. پرسشنامه کوتاه مقابله دینی (پارگامنت، ۲۰۰۰): همچنین برای سنجش مقابله دینی از پرسشنامه کوتاه مقابله دینی رجبی و همکاران (۱۳۹۱) برگرفته از پارگامنت (۲۰۰۰) استفاده شد. شرکت‌کنندگان در این پرسشنامه با توجه به یک رویداد منفی در زندگی به گویه‌های دو خرده‌آزمون مقابله دینی مثبت و منفی پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه دارای ۷ گویه برای مقابله دینی مثبت و ۷ گویه برای مقابله دینی منفی (در مجموع ۱۴ گویه) می‌باشد. پایایی خرده مقیاس‌های پرسشنامه مقابله دینی با ضریب آلفای کرونباخ در جامعه ایرانی رضایت‌بخش است و آلفای کرونباخ تمامی خرده مقیاس‌ها در محدوده ۰/۶۹ تا ۰/۸۹ قرار دارند که نشان‌دهنده همگن بودن گویه‌های زیرمقیاس‌ها است (افلاکسیر و گلمن، ۲۰۱۱). همچنین در پژوهش قربانی و همکاران (۲۰۱۷) پایایی درونی خرده مقیاس‌های مقابله دینی مثبت و منفی با ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی مقابله دینی مثبت و منفی به ترتیب با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و ۰/۷۷ به دست آمد.

یافته‌ها

فراوانی شرکت‌کنندگان در این پژوهش که در مجموع ۳۱۱ نفر بودند از لحاظ جنس، وضعیت تأهل و حوزوی و دانشگاهی بودن مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی است ۱۵۱ نفر از شرکت‌کنندگان مرد و ۱۶۰ نفر زن بودند همچنین ۱۶۲ نفر مجرد و ۱۴۹ نفر متاهل و تعداد ۲۳۵ نفر دانشگاهی و ۷۶ نفر حوزوی بودند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سن	سن	۱۲	۵۹	۲۹/۳۸۹	۸/۹۹۲	۰/۷۹۰	۰/۲۴۵
مقابله دینی	مقابله دینی مثبت	۷	۲۸	۲۳/۰۷	۴/۸۴۲	-۱/۱۸۴	۱/۲۲۴
	مقابله دینی منفی	۷	۲۸	۱۳/۷۱	۴/۵۳۱	۰/۷۲۶	۰/۳۵۸
تصور از خدا	حضور خدا در زندگی	۱/۴۵۴	۵	۴/۰۹۴	۰/۷۱۷	-۱/۲۳۰	۱/۷۶۰
	مراقبت خداوند	۱	۵	۳/۹۵۰	۰/۷۸۸	-۱/۲۲۳	۲/۱۰۹
	تصور مثبت از خدا	۱/۲۲۷	۵	۴/۰۲۲	۰/۶۸۳	-۱/۴۵۴	۲/۹۷۰
	تصور منفی از خدا	۱	۵	۲/۲۵۴	۰/۷۳۸	۰/۷۰۷	۰/۷۱۹

متغیر	مؤلفه	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سه‌گانه تاریک شخصیت	ماکیاول‌گرایی	۴	۲۸	۶/۴۹	۳/۸۹۹	۲/۱۹۷	۵/۵۰۱
	جامعه‌ستیزی	۴	۲۴	۹/۶۲	۳/۹۷۴	۰/۸۲۹	۰/۵۸۵
	خودشیفتگی	۴	۲۸	۱۵/۵۰	۶/۹۲۶	-۰/۰۰۲	-۰/۹۴۸
	سه‌گانه تاریک شخصیت	۱۲	۶۸	۳۱/۶۰	۱۰/۹۲۰	۰/۴۲۵	۰/۰۱۷

شاخص‌های توصیفی پژوهش (جدول ۱) نشان می‌دهد اکثر متغیرهای پژوهش از لحاظ کجی و کشیدگی از وضعیت مطلوبی برخوردارند و تنها موردی که کجی در آن زیاد است ماکیاول‌گرایی است و چون این متغیر جزء متغیرهای مستقل پژوهش است، این کجی اهمیت زیادی ندارد.

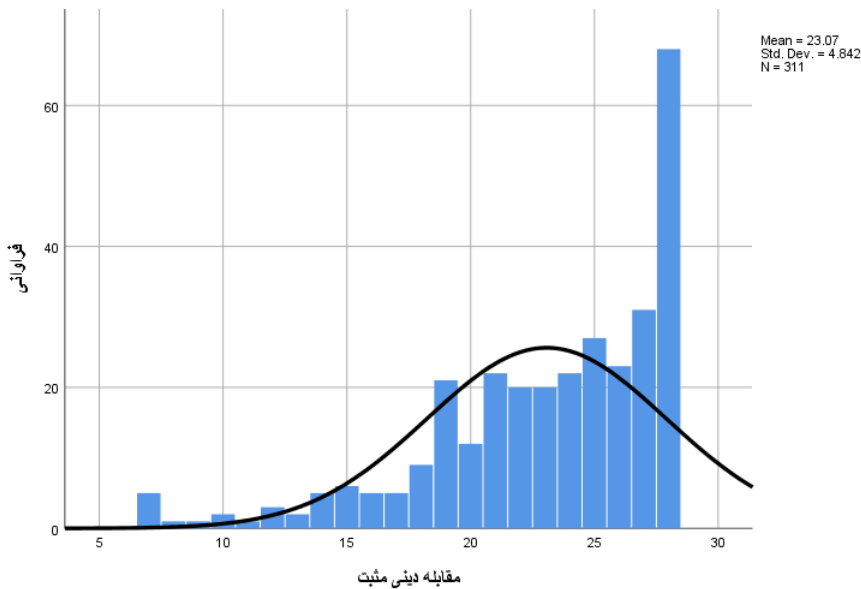
جدول ۲: ماتریس هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	سن									
۲	مقابله دینی مثبت	۰/۱۲۸*								
۳	مقابله دینی منفی	-۰/۱۵۵**	۰/۰۸۸							
۴	حضور خدا در زندگی	۰/۱۴۴*	-۰/۶۶۹**	-۰/۱۳۷*						
۵	مراقبت خداوند	۰/۰۶۵	۰/۶۵۸**	-۰/۰۵۰	۰/۶۴۷**					
۶	تصور مثبت از خدا	۰/۱۱۳*	۰/۷۳۱**	-۰/۱۰۱	۰/۸۹۸**	۰/۹۱۶**				
۷	تصور منفی از خدا	-۰/۲۱۹**	-۰/۲۲۷**	۰/۴۹۳**	-۰/۳۷۴**	-۰/۲۰۱**	-۰/۲۱۲**			
۸	ماکیاول‌گرایی	-۰/۱۸۶**	-۰/۲۰۱**	-۰/۲۰۸**	-۰/۳۵۶**	-۰/۱۰۲	-۰/۲۴۶**	۰/۲۳۳**		
۹	جامعه‌ستیزی	-۰/۱۴۱*	-۰/۱۹۳**	-۰/۱۸۴**	-۰/۳۰۴**	-۰/۲۱۲**	-۰/۲۸۲**	۰/۲۱۳**	۰/۴۴۷**	
۱۰	خودشیفتگی	-۰/۱۲۹*	-۰/۱۴۲*	-۰/۱۹۴**	-۰/۱۴۲*	-۰/۰۹۹	-۰/۱۲۲*	۰/۲۳۵**	۰/۲۶۵**	۰/۲۲۱**
۱۱	سه‌گانه تاریک شخصیت	-۰/۱۹۹**	-۰/۲۲۲**	۰/۲۶۴**	-۰/۳۲۸*	-۰/۱۷۷**	-۰/۱۷۴**	۰/۳۰۶**	۰/۶۸۷**	۰/۶۶۳**
										۰/۸۰۹**

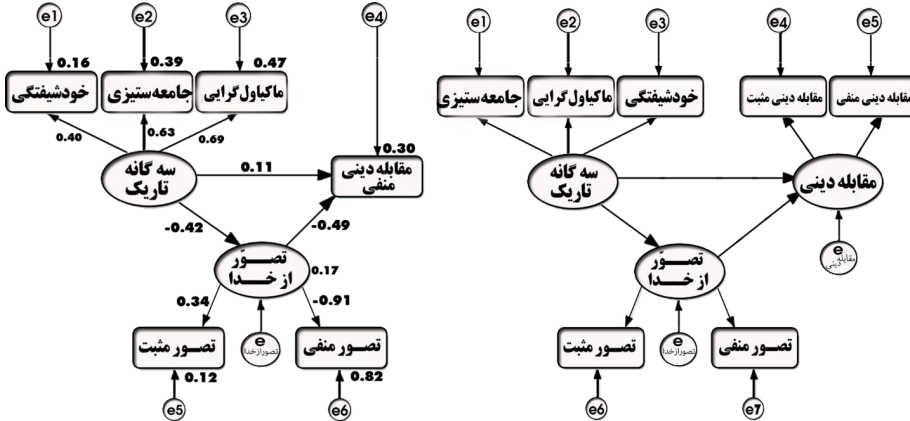
هم‌بستگی میان متغیرها (جدول ۲) نشان می‌دهد، مقابله دینی منفی با تصور منفی از خدا و با خرده‌مقیاس حضور خدا در زندگی، رابطه‌دار است. همچنین مقابله دینی منفی به ترتیب با نمره کل سه‌گانه تاریک و سه سازه آن به صورت مجزا دارای رابطه می‌باشد. میان مقابله دینی مثبت و مقابله دینی منفی در این پژوهش رابطه معناداری یافت نشد. نمره کل تصور منفی و مثبت از خدا و خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی با همه سازه‌ها و نمره کل سه‌گانه تاریک رابطه دارد. خرده‌مقیاس مراقبت خداوند تنها با جامعه‌ستیزی و نمره کل سه‌گانه رابطه برقرار کرده است. همه متغیرها به جز مراقبت خداوند با سن ارتباط دارند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در مدل اولیه (شکل ۲) متغیر مقابله دینی به عنوان متغیر مکنون و مقابله دینی مثبت و منفی به عنوان متغیرهای آشکار جای گرفته بودند. اما در گام نخست معلوم شد که این مدل جواب نمی‌دهد و پس از بررسی مشخص شد که مقابله دینی مثبت از نظر روان‌سنجی دارای مشکلاتی است و همان‌طور که در جدول دارای اعتبار مناسب در این پژوهش نیست. چراکه اکثر شرکت‌کنندگان در جواب به هفت گزینه مقابله دینی مثبت از میان گزینه‌های لیکرت چهار درجه‌ای، گزینه‌های سه و چهار را انتخاب کرده بودند. بنابراین با حذف متغیر مقابله دینی مثبت مدل تصحیح شد (شکل ۲) و جواب داد. مدل تصحیح شده استاندارد شده و شاخص‌های برازش خوبی ($RMSEA=1/00$) را دارا می‌باشد. ($CFI=917/00$ ، $AGFI=911/00$ ، $GFI=97/00$)

شکل ۱: نمودار فراوانی پاسخ به گزینه‌های خرده مقیاس مقابله دینی مثبت



شکل ۲: از راست به چپ نمودار مدل اولیه و نمودار مدل تصحیح شده



جدول ۳: ضرایب مسیر

معناداری	خطای استاندارد	ضریب مسیر	مسیر		
			تصور از خدا	خودشیفتگی	سه‌گانه تاریک شخصیت
۰/۰۰۶	۰/۰۱۳	-۰/۰۳۵	تصور از خدا	<-----	سه‌گانه تاریک شخصیت
-	-	۱	خودشیفتگی	<-----	سه‌گانه تاریک شخصیت
۰/۰۰۰	۰/۱۸۰	۰/۸۹۷	جامعه‌ستیزی	<-----	سه‌گانه تاریک شخصیت
۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	۰/۹۶۸	ماکیاول‌گرایی	<-----	سه‌گانه تاریک شخصیت
-	-	۱	تصور مثبت از خدا	<-----	تصور از خدا
۰/۰۰۰	۰/۷۷۷	-۲/۸۴۲	تصور منفی از خدا	<-----	تصور از خدا
۰/۲۱۵	۰/۱۵۱	۰/۱۸۷	مقابله دینی منفی	<-----	سه‌گانه تاریک شخصیت
-	۲/۰۹۲	-۹/۴۲۹	مقابله دینی منفی	<-----	تصور از خدا

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود از میان مسیرها تنها ضریب مسیری که معنادار نیست ضریب مسیر سه‌گانه تاریک شخصیت به مقابله دینی منفی است که سطح معناداری آن ۰/۲۱۵ می‌باشد. اما مسیر غیرمستقیم سه‌گانه تاریک شخصیت به مقابله دینی که از تصور از خدا می‌گذرد معنادار است. بنابراین می‌توان دریافت که متغیر تصور از خدا می‌تواند به‌عنوان میانجی در رابطه سه‌گانه تاریک و مقابله دینی منفی نقش داشته باشد. فرضیه پژوهش با وجود ارتباط میان سه متغیر و نقش میانجی‌گری تصور از خدا در رابطه میان سه‌گانه تاریک و مقابله دینی منفی تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تصوّر از خدا رابطه میان سه‌گانه تاریک شخصیت و مقابله دینی منفی را میانجی‌گری می‌کند. این پژوهش با پژوهش تبیک (۱۳۹۸) هم‌سو است. در آن پژوهش نیز تصوّر از خدا، میان عامل شخصیت و تعارضات معنوی فرد نقش میانجی داشت، بر این اساس بالارفتن سه‌گانه تاریک به‌طور مستقیم بر مقابله دینی منفی افراد تأثیر نمی‌گذارد بلکه قبل از تأثیر بر رفتار مقابله‌ای فرد، بر تصویر ذهنی او از خدا تأثیرگذار است. در نتیجه نوع دلبستگی‌های افراد دارای صفات تاریک، تجربه عاطفی آنها نسبت به خدا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌طور کلی خدایی را برای او متصوّر می‌سازد که یا در دسترس نیست و یا مراقبتش را از او دریغ می‌دارد. این تصویر از خدا به‌هنگام رویارویی فرد با مشکل، فرد را دچار تعارضات بسیاری می‌کند. چرا که در بحران، رنج را از جانب خدا لمس نموده و برای گذر از آن حمایت، حضور و مراقبت خدا را احساس نمی‌کند. از این‌رو راهبرد مقابله‌ای او منفی است. چنانچه ریتسوتو (۱۹۷۹ به نقل از هافمن، ۲۰۰۵) بر آن تأکید دارد تصوّر از خدا یک تجربه عاطفی است که اغلب به‌صورت فرایندی ناخودآگاه حاضر است. این تبیین توسط نظریه گنیا (۱۹۹۰، ۱۹۹۵ به نقل از تبیک، ۱۳۹۸) پشتیبانی شود. نظریه گنیا که مبتنی بر رویکردهای روان‌پویشی است بر این فرض استوار است که از سویی میزان سازش‌یافتگی و ناسازش‌یافتگی شناختی و شخصیتی افراد در نوع تصوّر از خدا تأثیرگذار است و از سوی دیگر نوع تصوّر از خدا نیز به نوبه خود در ایجاد یا عدم ایجاد کشمکش‌های روانی-معنوی دخیل است. به بیان دیگر فرد مذهبی در مواجهه با یک رویداد با تکیه بر تجارب عاطفی و ادراکش به خدا در وضعیت‌های تنش‌زا به مقابله می‌پردازد و هر اندازه این تجربه عاطفی که همان تصوّر از خداست دچار آسیب شده باشد مقابله او را به‌صورت منفی پدیدار خواهد شد. روابط و دلبستگی‌های اولیه سبک دلبستگی فرد را نسبت به خدا یا همان تصوّرات فرد از خدا را دستخوش تغییر می‌نماید. این رویکرد ناهمدلانه به خدا موجب می‌شود که فرد خدا را حاضر و ناظر نبیند و غالباً رویدادهای تنش‌زا را به او اسناد دهد.

اینکه هر یک از سازه‌های تاریک شخصیت با فاصله کمی از یکدیگر با مقابله دینی منفی رابطه دارند، نشان‌دهنده این است که این سه سازه نسبتاً نقش یکسانی در تبیین مقابله منفی دارند. از منظر روان‌پویشی آرمانی‌سازی و ناززنده‌سازی افراطی خودشیفته‌ها باعث می‌شود چیزی تحت عنوان نسبتاً خوب برای این شخصیت وجود نداشته باشد (مک‌ویلیامز، ۲۰۱۱ ترجمه جوادزاده، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۹). از این‌رو این احتمال وجود دارد که

این افراد در رویارویی با بحران به صورت افراطی به رویداد نگاه کنند و نتوانند به صورت نسبی آن را ارزیابی کنند. اگرچه بر خلاف دیدگاه فروید که دین را یک دفاع می‌داند (فروید، ۱۹۲۸ ترجمه رضی، ۱۳۴۲)، پارگامنت دین را مقوله‌ای فراتر از یک دفاع به شمار می‌آورد (زین باوئر و پارگامنت، ۲۰۰۰). اما این احتمال وجود دارد که دفاع‌های نخستین در این افراد با راهبرد مقابله دینی‌شان مرتبط باشد. پژوهش آنتراینر و همکاران (۲۰۱۶) این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که بهباشی معنوی با دفاع‌های اولیه در ارتباط است. بنابراین فرد در موقعیت تنش‌زا، خدا را موجودی طاقت‌فرسا و ناتوان تلقی می‌کند (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰). نارارزنده‌سازی افراطی باعث شده با اسناد رنج به خدا یا دیگری همواره با آنها در کشمکش باشند. کنترل همه‌توان و حس عاملیت بسیار بالا در جامعه‌ستیزها باعث می‌شود آنها هر پدیده‌ای را تحت کنترل خود بپندارند. از این رو احتمالاً هنگام بحران، به جهت از دست دادن قدرت مهار واقعه و محدود شدن کنترل، خود را از جانب خدا در رنج ببینند. به نظر می‌رسد این افراد به دلیل وجود کنترل بالا به جای کمک گرفتن از خدا به ابتکار فردی و جست‌وجوی کنترل به‌طور مستقیم دست بزنند. همچنین ممکن است تا حدی در مقابل عامل تنش‌زا احساس عجز و ناتوانی شدید کنند و بحران برایشان سخت و غیرقابل کنترل باشد که منفعلا نه آن را به قدرت بالاتر که خدا باشد واگذار نمایند. به عبارت دیگر این حالت با تصور اینکه خدا قدرت مطلق است در تعارض است. در این صورت حتی اگر رنج واقعه را به خدا اسناد ندهند؛ ممکن است قدرت خدا در تعالی بخشی، عذاب و جبران واقعه را نادیده بگیرند و به این شکل خداوند را ناتوان و طاقت‌فرسا تلقی کنند. این همان چیزی است که در تبیین مقابله دینی منفی مورد تأکید است (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰). ابراز و دریافت ضعیف عاطفی و هیجانی در این افراد باعث می‌شود بحران به‌عنوان یک علامت ترسیم شود که خدا دوستشان ندارد و از جانب خدا در رنج هستند. چرا که آنها معتقدند کسی آنها را دوست ندارد و دوستدار کسی نیستند (مک ویلیامز، ۲۰۱۱ ترجمه جوادزاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۱).

این فرایند یعنی تأثیر شخصیت بر مقابله دینی به‌واسطه نقش آفرینی بر تصورات فرد از خدا صورت می‌پذیرد. پژوهش‌ها به‌عنوان نمونه پژوهش احمدی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از آن است که خودشیفتگی تعیین‌کننده سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و مضطرب است و از آنجایی که دلبستگی ناایمن مضطرب، تصور خدای قضاوت‌گر و خشن و دلبستگی ناایمن

اجتنابی، تصوّر خدای دسترس‌ناپذیر و غیریاری‌گر را در پی دارد (هومولکا، ۲۰۱۳) می‌توان به این نتیجه دست یافت که هر مقدار خودشیفتگی در فرد بالا می‌رود، دو حالت متصوّر است؛ یا فرد خدا را خدای قضاوت‌گر و خشن تصوّر می‌کند که نهایتاً تعامل با چنین خدایی بسیار طاقت‌فرسا و تفسیر رویداد، رنج از جانب او قلمداد می‌شود و یا اینکه او را دور از دسترس و غیریاری‌گر تصوّر می‌کند که در این صورت او حضور و مراقبت خدا در زندگی را احساس نمی‌کند و در وقوع حادثه تنش‌زا خدا را یاری‌گر نمی‌پندارد. ماکیاول‌گراها و جامعه‌ستیزها به ترتیب خدا را دور از دسترس‌تر می‌پندارند. جامعه‌ستیزها ممکن است به خاطر دلبستگی آشفته-گم‌گشته (پاپالیا و همکاران، ۲۰۰۴ ترجمه عرب قهستانی و دیگران، ۱۴۰۰) و یا وقفه عاطفی به هنگام بحران خدا را دور از دسترس تصوّر کنند و یا در ارتباط با خدا گسست را تجربه کنند. چرا که این افراد در بحران‌های شدید در حال تجربه عجز هستند. آنها با توقف در مرحله همه‌توانی، نمی‌توانند قدرت مطلق را در ناملايمات ببینند و ناگزیر به یک وقفه عاطفی نسبت به خدا روی می‌آورند. در این پژوهش در خصوص ماکیاول‌گرایی به صورت گسترده‌تری شاهد عدم حضور خدا در زندگی هستیم. اگرچه این افراد نسبت به دو سازه دیگر نمرات بالاتری در دین‌داری اجتماعی بیرونی دارند (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴)، اما آنها ممکن است از دین خود برای دستیابی به اهداف اجتماعی خود استفاده کنند. به این معنا که رویکرد دینی ماکیاول‌گراها در جامعه نه به جهت تصوّرات مثبت آنها نسبت به خدا و دین بلکه به جهت برآورده ساختن منافع شخصی‌شان باشد. اگرچه ممکن است ماکیاول‌گراها بیش از دو سازه دیگر به هم‌رنگی با جامعه بپردازند و مشارکت اجتماعی بالاتری را نشان دهند اما آنها به دلایل غیر نوع‌دوستانه مانند فشار اجتماعی، یا به عنوان یک تاکتیک نفوذ برای رسیدن به آنچه می‌خواهند، درگیر اقدامات اجتماعی می‌شوند (همان). در نتیجه افرادی که در موقعیت بحران این رفتار جای خود را به بروز رفتارهای ناهمدلانه آنها با دیگران می‌دهد. البته میزان دین‌داری و باورهای شخص مسلمان در شدت کنترل صفات تاریک در موقعیت تنش‌زا می‌تواند مؤثر باشد و از آنها فعالیت‌های به نفع جامعه مشاهده شود (قربانی و همکاران، ۲۰۱۷).

از این میان تنها سازه جامعه‌ستیزی با مراقبت خداوند، رابطه منفی دارد. ممکن است جامعه‌ستیزها در مقایسه با دو سازه دیگر، هیچ درک و احساسی از مراقبت خدا نداشته باشند

چراکه خود را قدرت مطلق می‌پندارند. ماکیاول‌گراها و خودشیفته‌ها به جهت خلأی که از درون احساس می‌کنند، عدم مراقبت خدا را کمتر از جامعه‌ستیزها لمس می‌کنند. البته تحلیل یافته‌ها در خصوص جامعه‌ستیزی به دلیل ضریب آلفای کرونباخ پایین این سازه باید با احتیاط صورت پذیرد. به‌طور کلی عدم همدلی موجود در سه‌گانه تاریک (لوویسکی و زاجنکوسکی، ۲۰۱۶) تصورات منفی از خدا را تبیین می‌کند. یافته پژوهش راث^۱ (۲۰۱۸) این مطلب را تأیید می‌کند که همدلی با تصور خیرخواهانه از خداوند هم‌بستگی بالایی دارد.

کارکردهای اصلی مقابله دینی به خصوص «دستیابی به تسلط و کنترل»، «معنایابی»، «طلب صمیمیت با دیگران» (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۵) در مقابل مشخصه‌های سه‌گانه تاریک که مؤلفه‌هایی چون عدم کنترل، عدم صمیمیت و عدم همدلی (جاکوویتز، اگان^۲، ۲۰۰۶؛ لی و اشتون^۳، ۲۰۰۵؛ جونز و پالهاوس^۴، ۲۰۱۱). هستند قرار می‌گیرند. بنابراین این احتمال وجود دارد که ویژگی‌های موجود در این سه سازه بنایی برای کارکردهای مقابله دینی در این سه سازه به حساب بیایند. پارگامنت متذکر می‌شود که افراد با روحیه جست‌وجوگری که از خدا و اجتماعات مذهبی بیزارند (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰) بیشتر با این الگوی مقابله دینی منفی سازگارترند در واقع خودشیفته‌ها، به مسئولیت‌های جمعی و بهزیستی دیگران عدم همدلی و بی‌تفاوتی نشان می‌دهند (باری و همکاران، ۲۰۰۳). جامعه‌ستیزها نیز صفاتی مانند عدم همدلی، رفتارهای فریب‌کارانه و روحیه ضداجتماعی دارند. بنابراین بیزاری این افراد از اجتماعات مذهبی می‌تواند به خوبی توجیه شود.

افراد خودشیفته در بحران شرم و ترس از بی‌کفایتی را تجربه می‌کنند (مک‌ویلیامز، ۲۰۱۱) ترجمه جوادزاده، ۱۴۰۰ ص. ۲۳۶) و در گذر از آن هرآینه احساس می‌کنند که از ناحیه دیگران مقصر دیده می‌شوند. احساس بی‌کفایتی می‌تواند تا جایی پیش رود که فرد آن را به حوزه ارتباط با خدا نیز تسری دهد. این احتمال وجود دارد که تجربه حسادت نسبت به دیگرانی که با آن بحران درگیر نیستند، در ذهن آنها تصور بی‌عدالتی و تبعیض از ناحیه خدا را شکل دهد و این‌گونه از مقابله دینی منفی استفاده کنند. این افراد به جای مواجهه با شکست خود، به دیگران حمله می‌کنند تا رنج خودآزمایی را در هنگام رویارویی با بحران تجربه نکنند

1. Roth, E.

2. Jakobwitz, & Egan.

3. Lee & Ashton.

4. Jones, D. N. & Paulhus, D. L.

(اسپری، ۲۰۱۲، ص. ۱۰۶). عدم صمیمیت با دیگران در فرایند مقابله دینی این افراد و اینکه آنها به اجتماعات و مناسک دینی روی نمی‌آورند ممکن است به جهت این باشد که بیلک این افراد برای حضور در اجتماعات مذهبی دریافت تقویت و تأیید بیشتر است به اینکه آنها ذاتاً خاص و ویژه‌تر از دیگرانند (همان). بنابراین به هنگام تجربه شکست در بحران حضور در اجتماعات مذهبی انتظار خودشیفته‌ها در این زمینه را برآورده نمی‌کند.

جامعه‌ستیزها در بدترین سبک دل‌بستگی یعنی نالیمن آشفته-گم‌گشته قرار دارند (پاپالیا و همکاران، ۲۰۰۴ ترجمه عرب قهستانی و دیگران، ۱۴۰۰ ص. ۲۴۱) که ممکن است در بحران احساس گم‌گشتگی داشته باشند و نارضایتی از خدا را تجربه کنند. این احتمال وجود دارد که در بحران‌های گروهی ماکیاول‌گراها نسبت به دو گروه دیگر به دنبال هم‌رنگی با افراد مطلع از دین برآیند و در نگاه خوش‌بینانه سعی در جست‌وجوی حمایت از جانب عالمان دینی داشته باشند. البته این موضوع بستگی به آن دارد که این افراد چه کسانی را در بحران‌ها قدرتمندتر تلقی کنند. درمقابل احتمال می‌رود جامعه‌ستیزها و خودشیفته‌ها بیشتر به نارضایتی مذهبی بین‌فردی روی آورند و در بحران‌ها کمتر درصد کمک معنوی به دیگران برآیند.

اگرچه در پژوهش اسکاپ‌جانکر و همکاران (۲۰۰۲)؛ آسیب‌شناسی خوشه B (شامل شخصیت خودشیفته و ضداجتماعی) نسبت به دیگر خوشه‌های اختلال شخصیت DSM-5 کمترین ارتباط مستقل را با تصوّر از خدا دارد، اما آنها اختلالات بالینی شخصیت را مورد بررسی قرار داده‌اند و آنچه در این پژوهش در قالب سه‌گانه تاریک مطرح شده خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی غیربالینی است. شاید اختلالات خودشیفتگی و ضداجتماعی در سطح بالینی تا اندازه‌ای میزان عاطفه و همدلی را در فرد کاهش داده باشد که مقیاس‌های تصوّر از خدا نتواند سطح دل‌بستگی این افراد را نسبت به خدا مورد سنجش قرار دهد. البته به گفته آنها حضور بیش از حد زنان در پژوهش آن‌ها نیز بی‌تأثیر نیست. خطیب و همکاران (۱۴۰۱)، در الگوی قرآنی مقابله دینی بر این نکته تأکید دارند که تغییر در مقابله دینی با تغییر در نفس پدید می‌آید. تزکیه در سمت مثبت و تدسیه در سوی منفی ویژگی خودتغییردهنگی نفس است که در قالب اصلاح انتظار و خطاهای اسنادی، خودمهارگری و غیره می‌تواند به تغییر در راهبردهای معطوف به خود منتهی شود. این تغییر در خود است که به کشف یا ساخت معانی تازه منجر می‌شود. آنچه در سه‌گانه تاریک نیز مشاهده می‌شود عدم اصلاح خود است که در شکل‌گیری معنادهی منفی اثرگذار است.

به‌طور کلی مردم از یک سیستم جهت‌گیری کلی که شامل باورها، احساسات، روابط، و اعمال نهفته در حوزه‌های مذهبی است در موقعیت‌های خاص بهره می‌برند. پارگامنت، ساختار اساسی موجود در دین یعنی معنا می‌تواند شامل تجربه مراقبت^۱، جذب^۲ یا دلبستگی^۳ باشد که نمونه بارزش در امور الهی، قرب به خدا و تجربه دینی است. (پارگامنت، ۱۹۹۷ به نقل از زین باوئر و پارگامنت^۴، ۲۰۰۰). سبک دلبستگی ایمن به خدا می‌تواند منجر به مقابله دینی مثبت و سبک دلبستگی ناایمن به خدا می‌تواند منجر به مقابله دینی منفی در فرد باشد (پارگامنت، فالب، آنو و واچولتز^۵، ۲۰۱۳). در پژوهش حاضر ارتباط میان تصور منفی از خدا و مقابله دینی منفی آشکار است. با توجه به پیوند عمیق دو حوزه تصور از خدا و دلبستگی به خدا، فرد در بحران به‌صورت ناخودآگاه به تجربه عاطفی‌اش به خدا مراجعه می‌کند و اگر در رابطه‌اش، حضور و حمایت خداوند را یافت، در مواجهه با بحران از راهبردهای مثبت مقابله دینی بهره می‌برد و در صورتی که تجربه عاطفی منفی نسبت به خدا داشت، از راهبردهای منفی مقابله دینی استفاده می‌کند. در واقع اعتقاد به اینکه خداوند پناهگاه مطمئن و امنی است به فرد احساس قدرت می‌دهد و باعث می‌شود راهبردهای مقابله‌ای کارآمدتری برای حل معضلات زندگی داشته باشند (امیدی، فرهوش، احمدی، اربابی، ۱۳۹۹). از رابطه خرده مقیاس‌های تصور مثبت از خدا با تصور منفی اینچنین برداشت می‌شود: در دسترس نبودن خدا سهم بیشتری را در منفی شدن تصور افراد نسبت به خدا ایجاد می‌کند. در نتیجه مقابله دینی منفی فرد، بیش از هر چیز متأثر از این است که فرد خدا را در زندگی‌اش حاضر و ناظر نمی‌بیند. در نتیجه در موقعیت بحران این دور از دسترس بودن است که باعث شده فرد بیش از هر چیز خود را از جانب خدا در رنج ببیند. بر اساس نظریه «الگوی معنا سازی^۶» پارک (۲۰۱۳) معنا دارای دو جنبه است؛ «معنای کلی^۷» و «معنای موقعیتی^۸». انسان‌ها زندگی‌شان را با معنای کلی سامان می‌دهند. معنای کلی معمولاً به‌صورت ناآگاهانه از فرهنگ حاکم

1. experience of caring.
2. attraction.
3. Attachment.
4. Zinnbuer & pargament.
5. Pargament & Falb & Ano & Wachholtz.
6. meaning-Making model.
7. global meaning.
8. situational meaning.

و از تجربه‌های شخصی به وجود می‌آید. هرچند غالباً افراد از این معنای کلی غافل‌اند اما تأثیر این معنای کلی بر افکار، کنش‌ها و احساسات، زیاد است. رخداد‌های تنش‌زا که عمدتاً با خواسته‌های فرد ناسازگارند موجب نقض این باورها و معنای کلی می‌شود. به اعتقاد پارک مقدار ناهماهنگی میان باورهای کلی فرد و معنای موقعیتی ارزیابی شده «رخداد» تعیین‌کننده سطح پریشانی و درماندگی فرد است (همان). فرد دین‌دار در هنگام رویارویی با بحران اگر بتواند، معنایی که بحران به عنوان یک معنای موقعیتی به او می‌دهد با معنای کلی در ناخودآگاه یکپارچه سازد، راحت‌تر می‌تواند از بحران عبور کند و مقابله‌اش نیز مثبت خواهد بود اما اگر معنای بحران با معنای کلی در ذهن او در تعارض باشد عبور از این بحران با کشمکش‌های درونی و معنوی همراه خواهد شد و فرد بحران را به منزله یک امر طاقت‌فرسا از جانب خدا تلقی خواهد کرد. البته معنای کلی در رابطه با خدا محدود به تصوّرات و سبک دلبستگی فرد نسبت به خدا نیست بلکه دامنه وسیع‌تری را در بردارد که شامل مفاهیم خدا و آموزه‌های دینی و روابط اجتماعی دینی نیز می‌شود. به اعتقاد پارک (۲۰۲۰)، متدینین، احتمالاً از راهبردهای معناسازی مانند مقابله با ارزیابی مجدد مثبت استفاده می‌کنند که شامل جست‌وجو و تأکید بر جنبه‌ها و پیامدهای مطلوب موقعیت‌ها می‌شود. آنها در به‌کارگیری این معناها و تلاش برای سازگاری بهتر با تجربه‌های استرس‌زا موفق‌تر هستند. در پژوهش حاضر نیز تصوّرات فرد از خدا بر نحوه ارزیابی این افراد از موقعیت تنش‌زا تأثیرگذار است. اگر فرد در معنای کلی، تصوّراتش از خدا، خدای بدخواه باشد و یا اینکه فرد رنج را خیرخواهی خدا نداند، در موقعیت تنش‌زا نمی‌تواند نسبت به واقعه ارزیابی مجدد مثبت داشته باشد و ناگزیر از راهبردهای مقابله‌ای دینی منفی استفاده می‌کند.

به نظر می‌رسد خرده‌آزمون مقابله دینی مثبت، مقیاس خوبی برای سنجش مقابله دینی مثبت در جامعه ایرانی نیست چراکه عموم شرکت‌کنندگان نمره بالایی در مقابله دینی مثبت کسب کردند. این یافته با یافته پژوهش افلاکسیر و گلمن (۲۰۱۱) و پارگامنت و همکاران (۲۰۱۳) هم‌سو است. اگر چه گفته شده؛ آموزه‌های اسلامی به مردم کمک می‌کند تا رویدادهای منفی را بازتعریف کرده و موقعیت خود را بپذیرند (افلاکسیر و گلمن، ۲۰۱۱) اما به نظر می‌رسد با توجه به فرهنگ و آموزه‌های ایرانیان، مقیاس مقابله دینی مثبت، ابزار دقیقی برای سنجش این مؤلفه در جامعه ایرانی نباشد. بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله پیوند میان علم و عاطفه است که نوع ارتباط فرد با خدا و میزان فرمان‌برداری از او را تعیین می‌کند (نوذری، ۱۳۹۶). اگرچه که در ایران شکل‌گیری مفهوم انتزاعی از خدا در دوران نوجوانی با

کندی روبه‌رو است و ممکن است بازگشت این موضوع به آموزش نامتناسب باشد (همان) اما در جامعه ایرانی به قدری مفاهیم دینی و مرتبط با خدا با زندگی روزمره گره خورده که ممکن است افراد در پاسخ به سوالاتی که مرتبط با تجربه‌شان نسبت به خداست، به جای تجربه حقیقی، مفاهیم مرتبط با خدا را گزارش دهند. به عقیده وان لارهوون و همکاران (۲۰۱۰) در پرسشنامه‌های مقابله دینی اغلب تصور شخصی از خدا را پیش فرض می‌گیرند و بنابراین، ممکن است راهبردهای مقابله‌ای را که به تصویر غیرشخصی از خدا مربوط می‌شوند، شناسایی نکنند. پژوهش‌ها ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که بدون بررسی زمینه‌های روان‌شناختی، نمی‌توان تبیین دقیقی از سازه‌های روان‌شناختی به دست آورد. به نظر می‌رسد عواملی نظیر «بافت فرهنگی-اجتماعی» که زمینه‌ساز سازه انگیزش دین‌داری است در سازه مقابله دینی نیز یک عامل تعیین‌کننده باشد (خطیب و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین بهتر است مقیاسی بر اساس الگوی مقابله دینی متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی طراحی و مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش محدودیت‌هایی را دارد از جمله اینکه به جهت استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس قابل‌تعمیم به جامعه نیست و اینکه مقیاس مقابله دینی متناسب با جامعه پژوهش حاضر نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به عدم تناسب مقیاس مقابله دینی به خصوص مقیاس مقابله دینی مثبت با جامعه پژوهش حاضر، این مقیاس برای جامعه ایرانی با توجه به سطح دین، فرهنگ و معنویت در این جامعه باز طراحی گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به پایین بودن آلفای کرونباخ سازه جامعه‌ستیزی این پژوهش در اقشار و دیگر بافت‌های فرهنگی ایران مجدداً انجام شود. به طور کلی نمی‌توان انکار کرد که فرهنگ جمع‌گرایانه‌ای مانند ایران با فرهنگ فردگرایانه غرب دارای تفاوت‌هایی است و همان‌گونه که سه‌گانه تاریک نقش متفاوتی در این دو فرهنگ دارد (آقابابایی، طلائی پاشیری، کوانتس، ۱۳۹۶) ممکن است نحوه اثرگذاری آن بر مقابله دینی در این دو فرهنگ نیز متفاوت باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود این پژوهش در جوامع غربی نیز انجام شود. همچنین دستاورد این پژوهش جهت پیش‌آگهی مراکز مشاوره و نهادها درباره راهبردهای مقابله دینی و تصور از خدا قابل استفاده است.

منابع

- آقابابایی، ناصر؛ طلائی پاشیری، ا. ر. و کوانتس، ت. ک (۱۳۹۶)، «بررسی میان ویژگی‌های شخصیتی، بنیان‌های اخلاقی و اخلاق کاری در دانشجویان ایرانی و کانادایی»، *دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، ۴ (۱)، ۱-۲۲.
- اسپیلکا، برنارد؛ هود، راف دلیو؛ هونسبرگر، بروس و گرساچ، ریچارد (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول، ص ۱۳۳-۱۳۵.
- امید، احد؛ فرهوش، محمد؛ احمدی، محمدرضا و افتخار اربابی، رقیه (۱۳۹۹)، «نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت از زندگی»، *دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، ۴ (۱)، ۸۱-۱۰۳.
- پاپالیا، دیان. ای؛ الدز، سالی و ناکس و فلدمن، روت داسکین (۱۴۰۰)، *روان‌شناسی رشد و تحول انسان*، ترجمه: عرب قهستانی، داوود؛ آوادیس یانس، هامایک؛ سهرابی، حمیدرضا؛ داورپناه، فرزنده؛ حیات روشنائی، افسانه و نقشبندی، سیامک). تهران: انتشارات رشد، چاپ هشتم.
- تیبیک، محمد تقی (۱۳۹۸)، *تدوین مدل مفهومی کشمکش‌های روانی-معنوی در ایران: روش آمیخته، پایان‌نامه دکترا*، چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.
- جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۸)، *درمان چند بعدی معنوی یک رویکرد خداسو*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خطیب، سیدمهدی؛ آذربایجانی، مسعود؛ پسندیده، عباس؛ جان بزرگی، مسعود و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۴۰۱)، «تدوین الگوی مقابله دینی با استرس بر اساس قرآن کریم: نظریه داده بنیاد»، *دوفصلنامه روان‌شناسی فرهنگی*، ۶ (۱)، ۴۶-۷۵.
- رجبی، محمد؛ صارمی، علی اکبر و بیاضی، محمدحسین (۱۳۹۱)، «ارتباط بین الگوهای مقابله دینی با سلامت روانی و شادکامی»، *روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسان ایرانی*، ۸ (۳۲)، ۳۶۳-۳۷۱.
- علیانسنب، سید حسین (۱۳۹۰)، «تصویر ذهنی از خدا و خاستگاه آن»، *روان‌شناسی و دین*، ۴ (۲)، ۶۳-۷۷.
- غباری بناب، باقر و حدادی کوهساری، علی اکبر (۱۳۹۰)، «دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۱ (۴)، ۸۱-۱۰۶.
- فیض‌آبادی، سلیمه و خسروی، زهره (۱۳۸۸)، «مقایسه تصور از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان»، *مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۴ (۲)، ۱-۹.
- مک ویلیامز، نانسی (۱۴۰۰)، *تشخیص روان‌تحلیلی، شناخت ساختار شخصیت در فراینده بالینی*، ترجمه: جوادزاده، غ. تهران: انتشارات ارجمند.
- زیگموند، فروید (۱۳۴۲)، *آینده یک پندار*، ترجمه: رضی، ه. تهران: انتشارات آسیا.

- نوذری، محمد (۱۳۹۶)، *روان‌شناسی تحول دین‌داری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وولف، دیوید ام (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی دین*، ترجمه: دهقانی، م، تهران: انتشارات رشد.
- یونگ، کارل گاستاو (۱۳۵۴)، *روان‌شناسی و دین*، ترجمه: روحانی، ف، تهران: انتشارات فرانکلین.
- Aflakseir, A & Coleman, P. GT (2011), Initial Development of the Iranian Religious Coping Scale, *Journal of Muslim Mental Health*. VI (1), 44-61.
- Aghababaei, N & Błachnio, A. (2015), Well-being and the Dark Triad, *Personality and Individual Differences*, 86, 365-368.
- Aghababaei, N & Mohammadtabar, S & Saffarinia, M. (2014), Dirty Dozen vs. the H factor: Comparison of the Dark Triad and Honest Humility in prosociality, religiosity, and happiness, *Personality and Individual Differences*, 67, 6-10.
- Aghababaei, N (2019), The Relationship between the Dark Triad Traits and Subjective and Psychological Well-being among Iranian Students, *International Journal of Behavioral Sciences*, 13(3), 92-96.
- Ahmadi, V & Ahmadi, S & MehrabiZade Honarmand, M & Zargar, Y & Arshadi, N & Mirshekar, S (2013), The Relationships between Attachment Styles and Narcissism among Students of Shahid Chamran University in Iran, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84, 215 - 218.
- Barry, T. D & Frick, P. J & Killian, A. L (2003), The relation of narcissism and self-esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation, *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 32(1), 139-152.
- Birkas, B & Gacs, B & Csath, A. (2016), Keep calm and don't worry: Different Dark Triad traits predict distinct coping preferences, *Personality and Individual Differences*, 88, 134-138.
- Ghorbani, N & Watson, P. J & Zarei, A & Chen, Z. J (2017), Muslim attitudes and spirituality: relationships with Dark Triad and Harmony Control in Iranian teachers, *Mental Health, Religion & Culture*, doi: 10. 1080/13674676. 2017. 1320367

- Haddad, B & Angman, M (2016), Dark Triad, Sociosexual Orientation and Religious Affiliation: An Association and Moderation Study, *Clinical and Experimental Psychology*, 2(2), 1000124. Doi: 10. 4172/2471-2701. 1000124
- Van Laarhoven Hanneke W. M & Johannes Schilderman, K. C & Vissers, Constans A. H. H. V. M & Verhagen, J. P (2010), Images of God in Relation to Coping Strategies of Palliative Cancer Patients, *Journal of Pain and Symptom Management*, 40 (4), 495-501.
- Hoffman, L (2005), *Cultural Constructs of the God Image and God Concept: Implications for Culture, Psychology, and Religion*.
- Homolka, S. J (2013), Divine Struggles: Parents' Contributions and Attachment to God as a Mediator [Master's thesis, Case Western Reserve University], *OhioLINK Electronic Theses and Dissertations Center*. http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=case1386785400
- Jakobwitz, S & Egan, V (2006), The dark triad and normal personality traits, *Personality and Individual Differences*, 40(2), 331-339.
- Jonason, P. K & Webster, G. D (2010), The Dirty Dozen: A concise measure of the Dark Triad, *Psychological Assessment*, 22(2), 420-432.
- Jones, D. N & Paulhus, D. L (2011), *Differentiating the Dark Triad within the interpersonal circumplex*, Handbook of Interpersonal Psychology (Theory, Research, Assessment, and Therapeutic Interventions), 249-267.
- Kämmerle, M & Unterrainer, H. F & Dahmen-Wassenberg, P & Fink, A & Kapfhammer, H. P (2014), Dimensions of Religious/Spiritual Well-Being and the Dark Triad of Personality, *Psychopathology*, 47(5), 297-302.
- Lawrence, R. T (1997), Measuring the Image of God: The God Image Inventory and the God Image Scales, *Journal of Psychology and Theology*, 25(2), 214-226.

- Lee, K & Ashton, M. C (2005), Psychopathy, Machiavellianism, and narcissism in the Five Factor Model and the HEXACO model of personality structure, *Personality and Individual Differences*, 38(7), 1571–1582.
- Lowicki, P & Zajenkowski, M (2016), No empathy for people nor for God: The relationship between the Dark Triad, religiosity and empathy, *Personality and Individual Differences*, DOI: 10. 1016/j. paid. 02. 012.
- Miller, J. D & Dir, A & Gentile, B & Wilson, L & Pryor, L. R & Campbell, W. K (2010), Searching for a vulnerable Dark Triad: Comparing factor 2 psychopathy, vulnerable narcissism, and borderline personality disorder, *Journal of Personality*, 78(5), 1529–1564.
- Pargament, K. I & Koenig, H. G & Perez, L. M (2000), The many methods of religious coping: Development and initial validation of the RCOPE, *Journal of Clinical Psychology*, 56(4), 519–543.
- Pargament, K. I & Smith, B. W & Koenig, H. G & Perez, L (1998), Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37(4), 710–724.
- Pargament, K. I & Ano, G. G & Wachholtz, A. B (2005), *The Religious Dimension of Coping* (Advances in Theory, Research, and Practice), In R. Paloutzian & C. Park (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p 479-495), NewYork: Guilford.
- Pargament, K. I & Falb, M. D & Ano, G. G & Wachholtz, A. B (2013), *The Religious Dimension of Coping* (Advances in Theory, Research, and Practice), In R. Paloutzian & C. Park (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p. 560-579), NewYork: Guilford.
- Park, Crystal L (2013), *Religion and Meaning. In R. Paloutzian & C. Park* (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p. 357-379), NewYork: Guilford.

- Park, Crystal L (2020), ***Religiousness and meaning making following stressful life events***, The Science of Religion, Spirituality, and Existentialism, Academic Press, 273-285.
- Paulhus D. L & Williams. K. M (2002), The Dark Triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy, ***Journal of Research in Personality***, 36(6), 556-563.
- Piedmont, R. L & Wilkins, T. A (2013), ***The Role of Personality in Understanding Religious and Spiritual Constructs***, In R. Paloutzian & C. Park (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p. 293-311), NewYork: Guilford.
- Roth, E (2018), ***Is the image of God related to empathy?*** Empirical evidence coming from Bolivian Catholic university students, Universidad Católica Boliviana.
- Schaap-Jonker, H & Eurelings-Bontekoe, E & Verhagen, P. J & Zock, H (2002), Image of God and personality pathology: An exploratory study among psychiatric patients, ***Mental Health, Religion & Culture***, 5(1), 55-71.
- Schofield, Malcolm B & Roberts, B. L. H & Harvey, C. A & Gemma Crouch, I. S. B & (2021), Tales from the Dark Side: The Dark Tetrad of Personality, Supernatural, and Scientific Belief, ***Journal of Humanistic Psychology***, 62(2), 298-315.
- Schreiber Judith A (2011), Image of God: Effect on Coping and Psychospiritual Outcomes in Early Breast Cancer Survivors, ***Oncology Nursing Forum***, 38 (3), 293-301.
- Sperry, L (2012), ***spirituality in clinical practice: theory and practice of spiritually oriented psychotherapy***, Routledge, NewYork.
- Unterrainer, H. F & Ruttiger, J & Lewis, A. J & Anglim, Jeremy, F. A & Kapfhammer, H. P (2016), Vulnerable Dark Triad Personality Facets Are Associated with Religious Fundamentalist Tendencies, ***Psychopathology***, 49(1), 47-52.

-
- Watson, P. J & Job Chen, Z & Morris, R. J & Ghorbani, N (2019), Religion within a Dark Triad Ideological Surround: Pluralistic Self as Dialogue across Private, Communal, and Public Space, *Research in the Social Scientific Study of Religion*, 29, 377–400.
 - Zinnbauer, B. J & Pargament, K. I (2000), Working with the Sacred: Four Approaches to Religious and Spiritual Issues in Counseling, *Journal of Counseling & Development*, 78(2), 162-171.

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۱۲۱-۱۴۴)

نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده

The mediating role of the Spousal boundaries Relations between cyber space and Family efficiency

فاطمه شیرچی / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.
فاطمه محسن‌زاده / کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.

Fateme Shirchi / PHD student of Quran and Psychology, Department Psychologie university Bent alhoda. Qom. iran. r.shirchi206@gmail.com

Fateme Mohsenzadeh / Master's degree in family counseling, Islamic Azad University of Qom, Iran.

Abstract

The aim of this study was to study The mediating role of the Spousal borer relation between cyber space and Family efficiency. The research method was descriptive–correlational one. The population was married couples in Qom in 1400 years . 120 were selected as sample through random sampling. To collect the data, Safurayi (1388) Family Efficiency Questioner based on Islamic view, Taghian and Safurayi (1399) cyber space and Houshyari (1399) Spousal Boundaries Questioner were used. The results were analyzed using correlation coefficient, Linear regression analysis and Path Analysis statistical methods. The findings showed that: there was a significant negative relationship between cyber space and Family efficiency. there was a significant positive relationship between Spousal Boundaries and

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده با روش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش متاهلین شهر قم در سال ۱۴۰۰ بود که از میان آن‌ها ۱۲۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس تعیین گردید. برای انجام پژوهش از پرسشنامه‌های سنجش کارآمدی خانواده صفورائی (S.FEQI) (۱۳۹۹)، پرسشنامه فضای مجازی تقیان و صفورائی (۱۳۹۹) و مرزهای زوجینی هوشیاری (H.SBQ) (۱۳۹۹) استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون خطی و سایر شاخص‌های آماری توصیفی تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد بین کیفیت استفاده از فضای مجازی با کارآمدی خانواده همبستگی منفی و معنی‌داری

Family efficiency. there was a significant negative relationship between cyber space and Spousal Boundaries. the Spousal Communication Boundaries as a whole play a mediating role in the relationship between cyber space and Family efficiency.

Keywords: Family efficiency , cyber space, Spousal Communication Boundaries.

وجود دارد. بین مرزهای زوجینی و کارآمدی خانواده همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و مرزهای زوجینی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد. مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده به صورت کامل نقش میانجی دارد.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، کارآمدی خانواده، مرزهای ارتباطی زوجینی.

مقدمه

خانواده نهادی مقدس و بی‌بدیل است که حیات و سعادت جامعه بشری به آن وابسته است. بی‌شک سلامت جامعه وابسته به سلامت خانواده است و سلامت روانی و جسمانی افراد جامعه تأمین نمی‌شود مگر آن که خانواده‌هایی متعالی، سالم، بالنده، متعادل و صالح داشته باشیم (به‌پژوه، ۱۳۹۰). دستیابی به این هدف مستلزم کارآمدی خانواده است. کارآمدی به معنای موفقیت در اهداف و کارکردها بر اساس امکانات و محدودیت‌ها معنا شده است (فصاحت، ۱۳۹۱). کارکرد خانواده به زمینه‌هایی مانند توانایی خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارض‌ها، هم‌بستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اشاره دارد (بخشی‌پور، اسدی، کیانی، شیرعلی‌پور، احمددوست، ۱۳۹۱، ص ۱۲). همچنین کارآمدی خانواده عبارت از وضعیتی است که در آن خانواده با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند (صفورائی‌پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۰). کارآمدی خانواده، یکی از محورهای ارزیابی سلامت و کارآمدی افراد و جوامع مختلف است که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی فرد و جامعه ایفا می‌کند. خانواده سالم بستر رشد و نمو شخصیت و مهم‌ترین عامل کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه است (گیدنز و بردسال^۱، ۲۰۰۳، ترجمه چاوشیان، ۱۴۰۱)، به طوری که بهنجاری یا نابهنجاری در هر جامعه‌ای در گرو شرایط عمومی خانواده است و

1. Giddens & Birdsall.

هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید (حمیدی، ۱۳۸۳). در سال‌های اخیر، نظام خانواده به علت تحولات فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، علمی و ارزشی با مشکلات و چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است. تزلزل بسیاری از سنت‌ها، اخلاقیات، آداب و باورهایی که عامل تقویت، استحکام و تعادل خانواده بوده، به صورت جدی، کارآمدی خانواده را تهدید کرده است. این عوامل گسترده را می‌توان در گستره‌ای از مسائل روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جسمانی و معنوی جای داد و هر کدام می‌توانند به نوعی کارآمدی خانواده را تقویت یا تضعیف نمایند (بختیاری، ۱۳۹۹).

یکی از عوامل مؤثر بر کارآمدی خانواده، استفاده از فضای مجازی در محیط خانواده است. جامعه ما نیز امروزه شاهد حضور گسترده رسانه‌های نوین ارتباطی در محیط خانواده می‌باشد. بر اساس آخرین اطلاعات ثبت شده در پرتال سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ضریب نفوذ اینترنت در سه ماهه پایانی سال ۱۴۰۱، به ۱۳۴ درصد رسید است (ایرنا، ۱۴۰۲/۱/۸). این درحالی است که ضریب نفوذ اینترنت در سال ۱۳۹۲، ۵۴/۱۹ درصد بوده است (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ۱۳۹۷). مقایسه آمار فوق بیانگر شتاب گسترش اینترنت در جامعه است. همچنین بر اساس اطلاعات همین منبع، تعداد مشترکین تلفن همراه در پاییز ۱۴۰۱ از ۱۴۵ میلیون و ۶۶۷ نفر فراتر رفته و بدین ترتیب ضریب نفوذ موبایل نیز از ۱۷۲ درصد عبور کرده است (ایرنا، ۱۴۰۲/۱/۸).

چنین حضور رسانه‌ای رو به رشدی زمینه‌ساز پژوهش‌های متعددی در خصوص تأثیر کیفیت استفاده از فضای مجازی بر تعاملات و جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی از جمله سبک زندگی، کیفیت رابطه زناشویی، رضایت از رابطه مورد پژوهش شده است. نتایج پژوهش‌های فوق نیز عمدتاً حول دو محور بوده است. دسته اول پژوهش‌هایی است که به تأثیر پیامدهای منفی فضای مجازی بر تعاملات افراد خانواده اشاره دارد. یکی از اولین کارهای تحقیقی که در زمینه تأثیر اینترنت بر تعاملات خانوادگی انجام شده تحقیق کرات و همکاران^۱ (۲۰۰۲) است، با عنوان پارادوکس اینترنت، تکنولوژی اجتماعی که مشارکت اجتماعی و سلامت روان را کاهش می‌دهد. در این مطالعه طولی تعداد ۱۶۹ نفر از ۷۳ خانواده برای مدت یک سال در اولین سال استفاده از اینترنت تا دومین سال آن مورد مطالعه قرار گرفتند و زمان استفاده آنها از اینترنت و مصرف رسانه‌ای آنها از دو وجه استفاده از اطلاعات و سرگرمی‌ها و نامه‌نگاری اینترنتی ثبت گردید. همچنین مشارکت اجتماعی دور بردتر مورد

پرسش قرار گرفتند. احساس اضطراب، تنهایی و افسردگی نیز مؤلفه‌های سنجش سلامت روان به حساب آمده‌اند. در سال دوم پس از طی ۱۲ ماه افراد نمونه، بار دیگر مورد پرسش قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که استفاده از اینترنت در طول زمان با کاهش تعامل مشارکت‌جویانه با اعضای خانواده همراه بوده و گاه به‌عنوان ابزاری برای فرار از تعامل با آنان به کار رفته است. همچنین با افزایش استفاده از این ابزار گروه‌های اجتماعی که فرد بدان‌ها وابسته است کوچک‌تر شده و از سوی دیگر احساس تنهایی و افسردگی در فرد افزایش می‌یابد.

کاهش تعامل با همسر به واسطه پرداختن به فعالیت‌های آنلاین همچنین می‌تواند با احساسات منفی همسر همراه شده و تضادهای فی‌مابین آنها را گسترش دهد. کوین و همکاران^۱ (۲۰۱۲، ص ۳۹۱) با تمرکز روی ۱۳۳ زوج درگیر در بازی‌های اینترنتی آنلاین دریافتند میزان مصرف اینترنتی مذکور با تعارض بر سر زمان اتلاف شده و در پی آن با افزایش پرخاشگری‌های جسمی و ارتباطی میان زوجین همراه است. در تحقیق موریسون و کراگان^۲ (۲۰۰۱، ص ۱۵۶) زنانی که همسرانشان کاربر فعال اینترنت بودند، خود را «بیوه کامپیوتری» خوانده بودند، بدین معنا که مشغول بودن دائمی همسر به فعالیت‌های اینترنتی ماهیت حضور وی به‌عنوان همسر را تحت‌الشعاع قرار داده است. نتایج کرگورف و همکاران^۳ (۲۰۱۱) با عنوان پیامدهای ارتباطی استفاده از اینترنت در میان زوج‌های تازه ازدواج کرده نیز نشان داد که میان استفاده افراطی از اینترنت و کلیه جنبه‌های کیفیت رابطه زناشویی، شامل رضایت از رابطه و احساسات و رفتار معطوف به شریک زندگی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

به نظر مظفری‌نیا و قاسمی‌پور (۱۳۹۶) بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی رابطه معنادار وجود دارد. بررسی‌های ذوالفقاری و بابایی (۱۴۰۱) نشانگر این بودند که اینترنت ابزار قدرتمندی است که هم می‌تواند باعث فساد گردد و هم ابزار آموزش و تعلیم و رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی افراد را فراهم آورد. با توجه به این که این پدیده نوظهور است، دارای تهدیداتی است به‌ویژه برای خانواده و روابط زوجین.

به‌زعم پاک‌خصال، سیف‌الهی و میرزایی (۱۳۹۸) پیامدهای منفی استفاده نادرست از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط زوجین عبارتند از: دگرگون شدن نظام

1. Coyne et al.

2. Morrison & Krugan.

3. Kerkhof et al.

ارزشی فرد، تغییر سطح توقعات و انتظارات همسران، دوری‌گزینی و انزوا از یکدیگر، ایجاد بی‌اعتمادی، انزوا و دوری از محیط‌های واقعی. یافته‌های یونگ، گریفین شلی، کوپر، امارا و بوخانان^۱ (۲۰۰۰)، کارتر^۲ (۲۰۱۹)، برقی و رضایی (۲۰۱۹)، آنی بورایمو و ماکولای^۳ (۲۰۱۸)، اکتاویانا، و جانمن^۴ (۲۰۱۸) و زیمانسکی و استوارت - ریچاردسون^۵ (۲۰۱۴) نیز گویای آن است که فضای مجازی می‌تواند بر روابط زناشویی و کیفیت زندگی زوجین تأثیر بگذارد و منجر به اختلافات زناشویی، جدایی و احتمالاً طلاق شود.

دسته دیگر از پژوهش‌ها حاکی از نتایجی است که به نقش مثبت استفاده از فضای مجازی در تقویت تعاملات و کیفیت ارتباط زوجین دلالت دارد که از جمله می‌توان به پژوهش ولمن و همکاران^۶ (۲۰۰۳) و ولمن^۷ (۲۰۰۲) اشاره نمود که در تحقیقاتی جداگانه به این نتیجه رسیدند که اینترنت نه تنها فرصت‌های تماس با دوستان و خویشان را با هزینه پائینی امکان‌پذیر می‌سازد، بلکه در نتیجه آگاهی اعضای شبکه از نیازهای یکدیگر، بر تعداد ارتباطات رودرور و تلفنی افزوده شده و یگانگی جمعی نیز تقویت می‌شود. کرات و همکاران (۲۰۰۲) در تحقیق دیگری که چند سال بعد صورت دادند، در نتایج تحقیق اولیه خود بازبینی کردند. این تحقیق که روی نمونه‌های تحقیق پیشین و همچنین نمونه‌های جدید صورت گرفت نشان از آن دارد که کاربران اینترنت تعاملات خانوادگی روبه‌رشدی داشته و چرخه گروه‌های اجتماعی آنها نیز گسترش یافته است. مشابه بودن این نتایج در نمونه‌های تحقیق پیشین (با کاربری طولانی) و نمونه‌های جدید، این استدلال را از سوی محققان در پی داشت که تغییر در نتایج استفاده از اینترنت پیامد تغییر در خود فضای اینترنت بوده، فضایی که در آن هم امکان برقراری ارتباط گسترش یافته و هم گسترش اطلاعات پیوندی میان فضای مجازی و حقیقی برقرار ساخته است. همچنین دسترسی افراد بیشتری به

1. Young, Griffin-Shelley, Cooper, O'Mara & Buchanan.

2. Carter.

3. Oni-Buraimoh & Macaulay.

4. Octaviana & Juneman.

5. Szymanski & Stewart-Richardson.

6. Wellman et al.

7. Hampton & Wellman.

اینترنت، امکان تعامل مجازی میان افراد آشنا را بالا برده است (کرات^۱، ۲۰۰۲، ص ۲۳). علاوه بر این در پژوهش‌هایی استفاده از فضای مجازی به افزایش قدرت برقراری ارتباط و تعامل با همسر اشاره دارد. از جمله تحقیق هرتلن و انچتا^۲ (۲۰۱۴) روی افرادی که از اینترنت برای تعامل با همسر استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد بالا رفتن میزان استفاده از ابزارهای ارتباطی تکنولوژیک تأثیرات مثبتی در برقراری رابطه میان زوجها داشته است. این امر از امکان در دسترس بودن زوج و احساس امنیت عاطفی ناشی از آن تأثیر می‌پذیرد.

مدیریت روابط میان زوجها از طریق کسب اطلاعات کاربردی مجازی، کنترل تضادها به کمک بیان احساسات و افکار از طریق نت، کاهش اضطرابی که محصول مواجهات رودررو است، نشان داده تعهد به زوج با همگانی کردن این امر در فضای مجازی، از جمله کمک‌های فضای مجازی به مدیریت روابط زوجها است. همچنین برخی زوجها توانسته‌اند با بهره‌گیری از محتوای جنسی مجازی و رد و بدل کردن پیام‌های تصاویری با این مضمون به روابط جنسی خود تنوع ببخشند. این امر در کنار افزایش روابط در زوج‌های دور از هم از جمله راهکارهای ارتقای روابط در میان زوجها مورد بررسی به شمار رفته است (نوستدر و گرینبرگ^۳، ۲۰۱۲).

بی‌شک در کنار فوائد استفاده مناسب از فضای مجازی در تقویت تعاملات و کیفیت ارتباط زوجین و ایجاد تحولات اساسی زندگی بشر، نمی‌توان از آسیب‌های ناشی از این فناوری غافل ماند. در این راستا پژوهش‌های بورايمو و ماکولای^۴ (۲۰۱۸) با عنوان بررسی زبان رابطه جنسی در رسانه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر روابط همسران در نیجریه نشان داد الگوی مکالمه در رسانه‌ها نشان دهنده بالاترین نوع فساد در مکالمه و ارتباط است. ارتباط جنسی یکی از ویژگی‌های مشترک روندهای جدید در رسانه‌های اجتماعی است که اگر این انگیزه جنسی درک نشود، می‌تواند موجب ایجاد بحران بین همسران شود. در مطالعه کایا و ساکیرگلو^۴ (۲۰۲۳) عواملی چون نگرش مثبت نسبت به خیانت، تعهد پایین در روابط زوجینی، کیفیت بالاتر شرکای جایگزین، کیفیت پایین روابط زناشویی، تنهایی، رضایت پایین از روابط زناشویی، عدم اطمینان از روابط بهتر، دل‌بستگی اضطراب و اجتناب و قرار گرفتن در موقعیت

1. Kraut.

2. Hertlein & Ancheta.

3. Neustaedter & Greenberg.

4. Kaya & Sakiroglu.

قوی خیانت به طور قابل توجهی با خیانت آنلاین همراه بود. پژوهش شرابی، یولیک، آلکسفولس و تیمرمن^۱ (۲۰۲۱) نیز نشان داد نگرش شرکت‌کنندگان نسبت به خیانت آنلاین پیش‌بینی‌کننده ملاقات شخصی با افراد از وب‌سایت بود. همچنین تأثیر نگرش به خیانت آنلاین بر احتمال دیدار با کاربر دیگری در آینده وجود دارد. طبق یافته‌های لیو، یو و زنگ^۲ (۲۰۲۰) نیز روابط پرخطر با خیانت فعالیت‌های جنسی آنلاین هم‌بستگی مثبت دارد. از نظر عباسی و القمدی^۳ (۲۰۱۷) فیس‌بوک می‌تواند رفتارهای آسیب‌رسان به روابط مانند معاشقه، به اشتراک گذاشتن جزئیات صمیمی، ایجاد صمیمیت عاطفی و درگیر شدن در امور جنسی را ارتقا بخشد. صمیمیت عاطفی در فیس‌بوک نسبت به صمیمیت جنسی بیشتر است. استفاده ناسازگار از فیس‌بوک می‌تواند منجر به عواقب منفی اجتماعی مانند انزوای اجتماعی، عدم اعتماد به نفس، عدم انسجام اجتماعی، اعتیاد به فیس‌بوک، خیانت و طلاق شود.

رابطه کیفیت استفاده از فضای مجازی با کارآمدی در تحقیقاتی بررسی شده است اما مکانیزم اثر این متغیر مستقل در متغیر وابسته مشخص نیست. به نظر می‌رسد کیفیت استفاده از فضای مجازی از طریق مرزهای زوجینی در کارآمدی اثرگذار است. اصطلاح مرز^۴ در خانواده، نخستین بار در نظریه ساختاری از سوی مینوچین^۵ مورد توجه قرار گرفت (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۸). مرز، حد یا حائل مفروضی است که در خدمت حفظ و پیشبرد، تمایز و یکپارچگی خانواده به‌عنوان یک کل، زیرمنظومه‌های خانواده و تک‌تک اعضای خانواده است. مرز استعاره‌ای برای مراودات ویژه است که به‌طور منظم ما بین منظومه‌ها در جریان است. مرزهای یک زیرمنظومه، عبارت از مقرراتی است که معین می‌کند چه کسی و چگونه جزو این زیرمنظومه است و به اموری مانند روابط کلامی و غیرکلامی میان افراد و موضوعات عاطفی مربوط می‌شود. این که در یک رابطه تعاملی خاص در خانواده چه کسی حضور دارد و چه کسی بیرون از آن جای دارد، نشان‌دهنده مرزها در خانواده است (بارکر^۶، ۱۹۸۹، ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۹۷). الیزر و مینوچین^۷

1. Sharabi, Uhlich, Alexopoulos & Timmermans.

2. Liu, Yue & Zheng.

3. Abbasi, & Alghamdi.

4. Boundary.

5. Minuchin.

6. Barker.

7. Elizur.

(۱۹۹۰) معتقدند هم چنان‌که خانواده بر فرد اثر دارد، سایر سیستم‌های بیرونی خانواده از جمله خانواده گسترده و جامعه نیز بر خانواده و فرد تأثیرگذار هستند (نیکولز و شوارتز، ۲۰۰۶، ترجمه دهقانی و همکاران، ۱۴۰۱). به طوری که اگر تعاملات بیرونی خانواده نظام‌مند نبوده و خانواده دارای مرزهای بیرونی بهنجار نباشد، کارآمدی مطلوب خود را از دست خواهد داد (گلدنبرگ و گدنبرگ، ۲۰۰۳). چنانچه نتایج پژوهش شاهوران فرد (۱۳۹۴) و شاهسوار و کجویی (۱۳۹۸) نشان داد که بین مؤلفه‌های کارآمدی خانواده با مرزهای بیرونی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین نفوذپذیری مرزهای درونی و بیرونی خانواده باید توسط زیر منظومه‌های خانوادگی با یکدیگر و با کل خانواده و با محیط بیرون اعضای آن حراست و مدیریت شود (فرحبخش و خبازی رواندی، ۱۳۹۵).

از نظر مینوچین مرزهای زوجینی به عنوان مهم‌ترین زیرمنظومه خانواده که عبارتند از خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی که زیرمنظومه زوجینی را از سایر زیرمنظومه‌ها و بیرون خانواده متمایز کرده و کیفیت تعاملات زوجین با یکدیگر و با بیرون از زیرمنظومه خود را معین می‌کند (الیزر و مینوچین، ۱۹۹۰) باید مرزی ایجاد کند که آن را از مداخله انتظارات و نیازهای سایر سیستم‌ها حفظ کند. زن و شوهر به یکدیگر به عنوان پناهگاهی در مقابل انتظارات عدیده زندگی احتیاج دارند. آنها باید یک حیطه روانی-اجتماعی مخصوص به خود را داشته باشند، پناهگاهی که بتوانند در آن از هم حمایت عاطفی کنند (مینوچین، ۱۹۷۴، ترجمه ثنایی، ۱۴۰۱). از این رو برای حفظ سلامت و کارآمدی سیستم و اعضای آن در تعامل با بیرون باید مرزهای بیرونی خانواده روشن و منعطف باشد (گلدنبرگ و گدنبرگ، ۲۰۰۳) اما اگر مرز حول زیرمنظومه زن و شوهری خیلی خشک باشد، ممکن است که انزوای آنها سیستم خانواده را تحت فشار و استرس قرار دهد. اما اگر زن و شوهر مرزها را سست نگه دارند، ممکن است زیر گروه‌های دیگر از جمله بچه‌ها و خویشاوندان در وظایف و عملکرد زیر منظومه آنها مداخله کنند (مینوچین، ۱۹۷۴). همچنین مدیریت همسانی و توجه به تفاوت ارزش‌های خانواده و مسائل اجتماعی مانند رسانه باید نوع ارتباطات و میزان استفاده از رسانه‌ها در مرزبندی خانواده با جامعه مورد توجه قرار گیرد (انصاری، ۱۳۹۲).

با اینکه تحقیقات بسیاری در زمینه کارآمدی خانواده صورت گرفته، با توجه به نقش بنیادین و بی‌بدیل خانواده در ساختار یک جامعه کارآمد و سازنده، شناسایی عوامل دخیل

در کارآمدی خانواده ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به اهمیت نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده و فقدان پژوهش در این باره، هدف پژوهش فوق بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع هم‌بستگی است. در این پژوهش، کارآمدی خانواده به عنوان متغیر ملاک، کیفیت استفاده از فضای مجازی متغیر پیش‌بین و مرزهای زوجین به عنوان متغیر میانجی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوجین متأهل شهر قم در سال ۱۴۰۰ بود که با استفاده از فرمول فرمول تاباچنیک و فیدل^۱ (۲۰۰۷)، ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس و جمع‌آوری داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

مقیاس سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام صفورایی (SFEQ)^۲ (۱۳۸۸): پرسشنامه ۷۹ سوالی سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام (SFEQ) توسط صفورایی (۱۳۸۸) و برگرفته از آیات و روایات اسلامی تهیه و اعتباریابی شد. پرسشنامه دارای سه شاخص بینشی، اخلاقی و حقوقی است که هر کدام از شاخص‌های سه‌گانه دارای مؤلفه‌هایی هستند که در مجموع ده مؤلفه را تشکیل می‌دهد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: ازدواج و رضایت جنسی، خوش‌بینی و رضامندی، نقش‌ها و مرزها، مدیریت مالی، فرزند و فرزندپروری، واقع‌بینی و اعتماد متقابل، تعهد و مسئولیت‌پذیری، کنترل رفتار، جهت‌گیری مذهبی، صمیمیت و همدلی. طبق گزارش صفورایی (۱۳۸۸)، ضریب همسانی درونی بر اساس آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹۱، شاخص بینشی ۰/۸۹۲، و شاخص حقوقی ۰/۷۶۷ است. همچنین اعتبار پرسشنامه از طریق دو نیمه کردن بر اساس ضریب اسپیرمن براون ۰/۸۳۴ و بر اساس ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۳۳ به دست آمده است.

هوشیاری، تقیان و صفورایی (۱۳۹۵) با استفاده از نظریه سؤال-پاسخ پرسشنامه ۷۹ سوالی کارآمدی خانواده را مجدد هنجاریابی و در نهایت با ۶۰ سؤال ارائه کردند. برای بررسی روایی کل پرسشنامه کوتاه شده و مؤلفه‌های آن از هم‌بستگی بین نمرات حاصل از

1. Tabachnick & Fidell.

2. Safurayi Family Efficiency Questioner based on Islamic view.

کل مقیاس و مؤلفه‌ها در دو فرم اولیه و کوتاه استفاده شد. هم‌بستگی بین دو فرم برای کل مقیاس ۰/۹۹، در مورد شاخص بینشی ۰/۹۹۶، در ارتباط با شاخص حقوقی ۰/۹۳۶ و در مورد شاخص اخلاقی نیز ۰/۹۸۴ است.

برای تعیین میزان همسانی دو فرم در طبقه‌بندی آزمودنی‌ها از میانه استفاده شد. میزان توافق در نمره کل دو فرم، ۹۹/۶ درصد، برای شاخص بینشی نیز درصد توافق دو فرم ۹۹ درصد، برای شاخص حقوقی، میزان توافق مربوط به دو فرم ۸۹/۳ درصد و دو فرم در شاخص اخلاقی ۹۶/۴ درصد توافق داشته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرم کوتاه به اندازه فرم اولیه روایی دارد (هوشیاری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳). در پژوهش حاضر از نسخه ۶۰ گویه‌ای هوشیاری و همکاران استفاده شده است.

پرسشنامه فضای مجازی تقیان و صفورائی (۱۳۹۹): پرسشنامه فضای مجازی توسط تقیان و صفورائی (۱۳۹۹) به منظور سنجش رفتارهای کاربران فضای مجازی که موجب آسیب به ساختار نظام خانواده می‌شود ساخته شد. پرسشنامه مذکور شامل ۱۳ سوال است که ۱۰ سوال آن کیفیت استفاده از فضای مجازی را می‌سنجد، یک سوال برای سنجش میزان استفاده از فضای مجازی، یک سوال برای سنجش شبکه‌های مجازی مورد استفاده و یک سوال برای بررسی هدف کاربران از استفاده از فضای مجازی طراحی شده است. روایی محتوایی پرسشنامه با بررسی اساتید مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه مرزهای ارتباطی زوجینی هوشیاری (H. SBQ) (۱۳۹۹): پرسشنامه ۶۶ سوالی مرزهای زوجینی خانواده در سال ۱۳۹۹ توسط هوشیاری بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است و شش زیرمؤلفه تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی-زناشویی و حدود انتظارات دوسویه را اندازه‌گیری می‌کند. روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد. به منظور بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها، پرسشنامه ۶۶ گویه‌ای بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه و مرزهای زوجینی است و کلیه شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی

تأییدی مرزهای درونی زوجینی است. به عنوان شاهدی بر روایی سازه، میانگین نمره دو گروه از پاسخگویان با هم مقایسه شد. نتایج نشان داد به صورت معناداری میانگین نمره مرز در گروه پاسخگویان دارای اختلال خانواده کمتر از میانگین نمره در خانواده‌های عادی است و پرسشنامه به خوبی توانسته بین دو گروه خانواده‌های عادی و دارای اختلال خانوادگی تفکیک قائل شود.

یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲۰ نفر (۷۱ زن و ۵۰ مرد) آزمودنی بود که بیشترین فراوانی (۵۳ نفر، ۲۴/۸ درصد) مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال بود. ۲۳ نفر (۱۹ درصد) پاسخگویان در بازه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال، ۱۹ نفر (۱۵/۷ درصد) در بازه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۵ نفر (۱۲/۴ درصد) در بازه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال، ۱۲ نفر (۹/۹ درصد) در بازه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال و ۱۰ نفر (۶/۶۷ درصد) در گروه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال بود. از نظر نوع تحصیلات ۶۶ نفر (۵۴/۵ درصد) تحصیلات دانشگاهی، ۱۷ نفر (۱۷/۰ درصد) تحصیلات حوزوی، ۳ نفر (۲/۵ درصد) تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و ۳۵ نفر (۲۸/۹ درصد) هیچ کدام بود. از نظر سطح تحصیلات ۱۱ نفر (۹/۰۹ درصد) کمتر از دیپلم، ۲۹ نفر (۲۳/۹۷ درصد) دیپلم، ۸ نفر (۶/۶۱ درصد) سطح ۱ یا کاردانی، ۴۸ نفر (۳۹/۶۷ درصد) سطح ۲ یا کارشناسی، ۲۲ نفر (۱۸/۱۸ درصد) سطح ۳ یا کارشناسی ارشد، و ۳ نفر (۲/۴۸ درصد) سطح ۴ یا دکتری بود. میانگین سن ازدواج پاسخگویان، ۲۱ سال بود که ۴۷/۱ درصد پاسخگویان قبل از ۲۰ سالگی، ۳۲/۲ درصد نیز بین ۲۰ تا ۲۴ سالگی، ۱۳/۲ درصد در بازه سنی ۲۵ تا ۲۹ سالگی، ۷/۴ درصد پاسخگویان بعد از ۳۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کارآمدی خانواده	۱۴۶/۵	۲۰/۶۶	-۰/۵۸	-۰/۰۵
مرزهای زوجینی	۱۱۴/۵	۲۳/۸۷	۰/۹۸	۰/۴۶
کیفیت استفاده از فضای مجازی	۲۹/۳	۳/۷۲	-۰/۱۶۹	۰/۳۵۰

میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق و زیرمقیاس‌های آن در جدول فوق ارائه شده است. از آنجا که میزان کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق بین ۲- تا ۲+ است می‌توان گفت توزیع متغیرهای تحقیق متقارن بوده و به توزیع نرمال نزدیک است. به‌منظور بررسی نقش واسطه‌ای مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده از روش بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۲: بررسی نقش واسطه‌ای مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و

کارآمدی خانواده

مدل	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضریب تعیین	ضریب استاندارد رگرسیون	F	سطح معناداری	t	سطح معناداری
۱	کارآمدی خانواده	کیفیت استفاده از فضای مجازی	۰/۵۵۹	-۰/۲۴۲	۷/۴۵۲	۰/۰۰۷	-۲/۷۲۱	۰/۰۰۷
۲	مرزهای زوجینی	کیفیت استفاده از فضای مجازی	۰/۵۳۴	-۰/۱۸۵	۴/۱۹۵	۰/۰۴۳	-۲/۰۴۸	۰/۰۴۳
۳	کارآمدی خانواده	کیفیت استفاده از فضای مجازی	۰/۴۰۸	-۰/۱۳۱	۴۰/۶۱۲	۰/۰۰۰	-۱/۸۱۸	۰/۰۷۲
		مرزهای زوجینی		۰/۶۰۱			۸/۳۴۰	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و مرزهای زوجینی رابطه معناداری وجود دارد. با ورود اثر متغیر مرزهای زوجینی، رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده، غیرمعنادار شده است. بنابراین می‌توان گفت مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده به‌صورت کامل نقش میانجی دارد. برای بررسی میزان نقش واسطه‌ای مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده با استفاده از روش بوت‌استرپ^۱ (با ۵۰۰۰ تکرار) اثرات مستقیم و غیرمستقیم محاسبه شد و نسبت اثر واسطه‌ای به کل اثرات ارائه شده است.

1. Bootstrap.

جدول ۳: میزان نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده

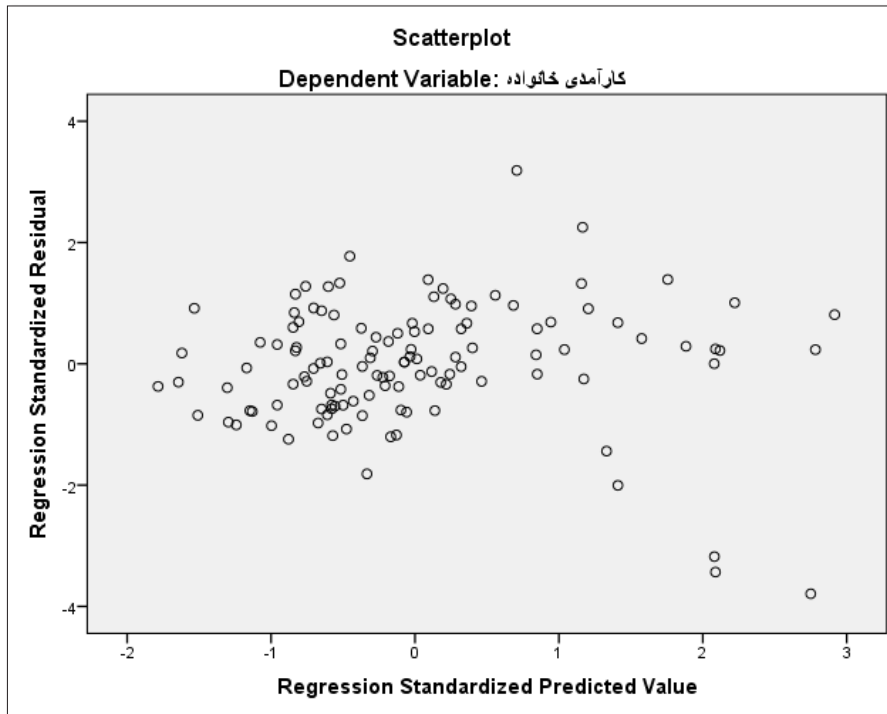
اثرات	برآورد اثر
اثر غیرمستقیم	-۰/۶۱۵۷
اثر غیرمستقیم	-۰/۶۱۵۷
اثر مستقیم	-۰/۷۲۷۴
نسبت اثر غیرمستقیم به اثر کل	۰/۴۵۸

نتیجه آزمون بوت استراپ نشان می‌دهد مرزهای زوجینی توانسته است، ۴۵/۸ درصد رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده، را به عنوان متغیر میانجی، تبیین کند. به عبارت دیگر ۴۵/۸ درصد ارتباط بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده از مسیر مرزهای زوجینی خانواده می‌گذرد. از آنجا که در روش بارون و کنی از رگرسیون خطی استفاده شده است، به منظور اطمینان از نتایج رگرسیون، پیش فرض‌های انجام این تحلیل بررسی شده است. سطح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱ نشان می‌دهد توزیع باقیمانده‌های رگرسیون نرمال است.

جدول ۴- نتیجه آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع باقیمانده‌های رگرسیون

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	باقیمانده‌ها
۰/۰۷۳	۱۲۱	۰/۱۷۴	

به منظور بررسی مفروضه ثابت بودن واریانس از نمودار پراکنندگی مقادیر برآورد شده استاندارد در برابر باقیمانده‌های استاندارد استفاده شده است.



نمودار ۱: نمودار پراکندگی مقادیر برآورد شده استاندارد در برابر باقیمانده‌های استاندارد

از آنجا که نمودار دارای روند خاصی نیست می‌توان گفت دومین پیش فرض انجام رگرسیون (ثابت بودن واریانس) نیز برقرار است و می‌توان به نتایج تحلیل‌ها اعتماد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده بود. نتایج حاصل از ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان داد بین کیفیت استفاده از فضای مجازی با کارآمدی خانواده هم‌بستگی منفی و معناداری وجود دارد. هم‌بستگی کیفیت استفاده از فضای مجازی و هر سه زیرمقیاس کارآمدی خانواده نیز منفی و معنادار است؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه میان استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده تأیید شد. نتیجه فوق با یافته‌های یونگ، گریفن شلی،

کوپر، امارا و بوخانان (۲۰۰۰)، موریسون و کراگان (۲۰۰۱، ص ۱۵۶)، کرات و همکاران (۲۰۰۲)، کرگورف و همکاران (۲۰۱۱)، ویسوکا و چاپلدرز (۲۰۱۱)، کوین و همکاران (۲۰۱۲)، زیمانسکی و استوارت - ریچاردسون (۲۰۱۴)، عباسی و القمدی (۲۰۱۷)، برقی و رضایی (۲۰۱۹)، آبی بورایمو و ماکولای (۲۰۱۸)، اکتاویانا، و جانمن (۲۰۱۸) کارتر (۲۰۱۹)، لیو، یو و زنگ (۲۰۲۰)، شرابی، یولیک، آکسفولس و تیمرمن (۲۰۲۱)، کایا و ساکیرگلو (۲۰۲۳)، گلچین، سخایی و افشانی (۱۳۹۱)، مظفری نیا و قاسمی پور (۱۳۹۶)، ذولفقاری و بابایی (۱۴۰۱) و پاک خصال، سیف‌الهی و میرزایی (۱۳۹۸)، هم سو و با پژوهش کرات و همکاران (۲۰۰۲)، ولمن و همکاران (۲۰۰۳)، همپتون و ولمن (۲۰۰۲)، نوستدر و گرینبرگ (۲۰۱۲) و هرتلن و انچتا (۲۰۱۴) ناهم سو است. با توجه به اینکه در پژوهش فوق مقصود تأثیر استفاده نامناسب از فضای مجازی است از این رو قاعدتاً نتیجه پژوهش فوق با پژوهش‌هایی که به بررسی آثار مثبت استفاده از فضای مجازی پرداخته است، منافات دارد. در تبیین نتایج پژوهش فوق می‌توان گفت صرف حضور افراد و استفاده آنان از فناوری‌های مرتبط با شبکه‌های مجازی نمی‌تواند به ناکارآمدی و پیدایش گسست در نهاد خانواده منجر شود؛ بلکه شناخت، رعایت و کنترل جوانب ابعاد حاکم بر این پدیده از جمله بهبود مرزهای خانوادگی، باعث افزایش کارآمدی می‌شود و افراد می‌توانند با حضور در این فضا حمایت‌های نسبی در جهت افزایش قدرت برقراری تعامل و ارتباط با همسر را به دست آورند که از جمله کمک‌های فضای مجازی به مدیریت روابط زوجها است. با این حال در کنار فرصت‌هایی که مصرف فضای مجازی برای آگاهی‌بخشی و گسترش تعامل در میان اعضای این گروه کوچک فراهم نموده، استفاده نامناسب از ابزار رسانه با با درها و گستره بی‌کرانی که پیش روی مخاطبانش گشوده و سهمی که در زندگی روزانه آنان به خود اختصاص داده، از آن‌چه که به عنوان معیارهای سلامت و کارآمدی این خرده‌نظام پذیرفته شده، در معرض دگرگونی قرار گرفته است. بسیاری از همسران در مواجهه با این مهمان ناخوانده درگیر چالش‌های درونی و گاه مشکلاتی عینی شده‌اند که گاه تا حد فروپاشی نظام کوچک همسری پیش رفته است. کارآمدی خانواده نیازمند توجه جدی، همکاری، همیاری و تعامل سازنده افراد خانواده به‌ویژه همسران می‌باشد. چنانچه در آموزه‌های اسلامی هر یک از زوجین در قبال حفاظت و مصونیت خانواده از خطرات احتمالی مسئول هستند (سوره تحریم، آیه ۶) و علاوه بر حفظ خود در انجام وظایف شخصی و خانوادگی، از هر امری که سلامت روان و کارکردهای خانواده را با

چالش مواجه سازد مسئولیت دارند (کلینی، ۱۴۰۷). بنابراین چنانچه هر یک زن و شوهر نتوانند رفتار استفاده مناسب از اینترنت و فضای مجازی را به درستی مدیریت کند، مشکلات جدی‌ای را در فضای تعاملی خانواده ایجاد می‌سازد و بدین طریق کارکردهای خانواده مورد غفلت قرار گرفته و در نتیجه کارآمدی خانواده با اختلال مواجه می‌شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر این است که بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و مرزهای زوجینی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هم‌بستگی بین متغیر کیفیت استفاده از فضای مجازی و دو زیرمقیاس رازداری خانوادگی و حدود انتظارات دوسویه نیز منفی و معنادار است. اما هم‌بستگی معناداری بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و سایر زیرمقیاس‌های مرزهای زوجینی وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و مرزهای زوجینی تأیید شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پناهی و تبریزی (۱۳۹۵)، گلچین، سخایی و افشانی (۱۳۹۱)، زیمانسی و استوارت - ریچاردسون (۲۰۱۴) و جسی نوئل (۲۰۱۱) به نقل از پناهی و تبریزی، (۱۳۹۵) و مینگ^۲ (۲۰۰۶) هم‌سو می‌باشد. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت مرزهای زوجینی در اندیشه قرآنی با تأکید و گستره بیشتری نسبت به روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است (سالاری فر، ۱۳۸۸) و به اندازه‌ای است که شرط دستیابی به اهداف والای ازدواج و حتی شرط صلح زوجین و رجوع بعد از طلاق، پایبندی به آن دانسته شده است و مراد از آن عبارت است از آموزه‌های الزامی و غیرالزامی قرآنی که با هدف تعیین گستره و کیفیت تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر و با بیرون از خود بیان شده است و دارای کارکرد مرزی می‌باشد. این دستورات شامل حدود و مرزهایی است که رعایت حداکثری آنها باعث بهبود روابط بین آنها و مصونیت خانواده از خطرات احتمالی می‌شود (هوشیاری، صفورائی، جزایری و تقیان، ۱۳۹۹). برخی از این مرزهای عبارتند از: وارد نشدن در دوستی‌های پنهانی با نامحرم، نشکستن انحصار جنسی زوجینی حتی با تنوع طلبی حلال، وارد نشدن در حریم جنسی دیگران با نگاه، سخن و رفتار، خارج نشدن از حریم زوجینی حتی در فکر، خودآرایی کردن همسران تنها برای همدیگر، وارد نکردن دیگران در حریم عاطفی - جنسی زوجینی حتی در فکر (هوشیاری، ۱۴۰۰).

۱. عَنْ أَبِي بصير قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ قُلْتُ هَذِهِ نَفْسِي أَفِيهَا فَكَيْفَ أَقِي أَهْلِي قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْهُ فَإِنْ أَطَاعوكُ كُنْتَ وَ قَيْتَهُمْ وَ إِنْ عَصَوْكَ فَكُنْتَ قَدْ فَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ (الكافي، ج ۵، ص ۶۲).

بی‌شک عضویت و فعالیت نامناسب در شبکه‌های مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص آن تهدیداتی را برای افراد خانواده به‌ویژه زوجین به همراه دارد. هر شبکه اجتماعی، فرهنگ ارتباطی خاص خود را دارد؛ یعنی منش و گفتار مخصوص و منحصر به فردی را برای خود برگزیده است. فرد با عضویت در هر شبکه اجتماعی مجازی، درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطی می‌شود که شامل برخورد، تکیه کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار، تیپ شخصیت و ظاهری می‌باشد. بدون تردید میزان تأثیرپذیری فرد از این محیط، صفر مطلق نخواهد بود (محکم‌کار و حلاج، ۱۳۹۳). قطعاً نداشتن رفتار مناسب و قانون‌مند و از همه مهم‌تر اخلاق‌مند در استفاده مناسب از فضای مجازی به ارتباط میان افراد آسیب خواهد زد (بزرگوار، ۱۳۸۸)؛ زیرا در این فضا، افراد نمی‌توانند به شناخت درست و کافی از یکدیگر دست یابند. حتی در بسیاری از وبلاگ‌ها و رسانه‌های مجازی، مقولات خطرناکی مانند سست نشان دادن بنیان خانواده و عادی‌سازی سردی روابط زن و شوهر، طلاق، هم‌جنس‌گرایی و ... دیده می‌شود (ابراهیم‌پور و خزایی، ۱۳۹۱) و به این صورت موجب تزلزل مرزهای این خرده‌نظام، به خطر افتادن حریم خصوصی افراد، تغییرات تنظیم زندگی روزمره و روابط متقابل همسران، منزوی شدن آنها، گسیختگی بنیان خانواده و دور شدن افراد از کانون گرم خانواده و انزوای آنها در فضای حقیقی می‌شود. بنابراین در فضای زندگی مشترک که اعضای خانواده نیاز به تعامل رودررو دارند، اگر یکی از همسران نتواند رفتار استفاده از اینترنت و فضای مجازی را متناسب با موقعیت جدید تغییر دهد، می‌تواند به دلیل آسیب به مرزهای تعاملی زوجین، مشکلات جدی‌ای را در فضای تعاملی با همسر ایجاد سازد (کرگوف، ۲۰۱۱، ص ۱۴۹).

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد بین مرزهای زوجینی و کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های شاهوران فرد (۱۳۹۴) و شاهسوار و کچوبی (۱۳۹۸) هم‌سو می‌باشد. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است و بنای خانواده در صورتی مایه آرامش اعضای آن خواهد شد که حفاظت از کارآمدی آن، همچون اصل تشکیل آن مورد توجه سیستم خانواده قرار گیرد (صفورائی پاریزی، ۱۳۹۲). تمام خانواده‌ها ساختاری شامل خرده‌سیستم‌ها، مرزها، قواعد و نقش‌ها دارند و برای حفظ کارآمدی آن، تنظیم و کنترل ابعاد این ساختار لازم است. توجه به مرزهای خانواده در این میان اهمیت بسزایی دارد و بهنجار بودن مرزهای خانواده به صورت طبیعی با کارآمدی خانواده ارتباط خواهد داشت، چرا که تعاملات قانون‌مند اعضای خانواده به حفظ ساختار،

عدم ورود و دخالت سایرین، پیوستگی و مشارکت بیشتر اعضای خانواده، حفظ و تقویت تفرد اعضا و کل سیستم خانواده و قانون‌مندی اعضا در حل بحران‌های داخلی خانواده خواهد شد که در نهایت برآیند کلی آن کارآمدی بیشتر فردی و خانوادگی خواهد بود (شاهسوار و کچویی، ۱۳۹۸، ص ۴۸).

از دیگر یافته‌های پژوهش فوق این است که مرزهای ارتباطی زوجینی در رابطه بین کیفیت استفاده از فضای مجازی و کارآمدی خانواده نقش میانجی دارد؛ بنابراین فرضیه اصلی پژوهش نیز تأیید شد. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت جامعه آرمانی اسلامی جامعه‌ای است که ازدواج هدفمند در آن رواج داشته باشد و گرایش به تشکیل خانواده به عنوان ارزش و موضوعی با اهمیت مورد توجه قرار گیرد. روشن است که بنای خانواده در صورتی مایه آرامش اعضای آن خواهد شد که حفاظت از کارآمدی آن همچون اصل تشکیل آن مورد توجه سازندگان و صاحبان سیستم خانواده قرار گیرد. در غیر این صورت خانواده به کانونی تنش‌زا و آزاردهنده تبدیل خواهد شد و اعضای آن هر لحظه آرزوی خراب شدن و یا خراب کردن آن را دارند (صفورائی، ۱۳۹۲، ص ۱). این هدف زمانی محقق خواهد شد که تأثیر عوامل مختلف روانی و معنوی زوجین بر کارآمدی خانواده تبیین و مشخص شود. مرزهای خانوادگی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که حفاظت از ابعاد آن در میان زوجین نقش اساسی در کارآمدی خانواده دارد؛ بنابراین هر عاملی که مرزهای درونی و بیرونی خانواده را تهدید و به نحوی با چالش مواجه سازد باید مورد توجه جدی زوجین قرار گیرد. استفاده نامناسب از فضای مجازی یکی از عواملی است که از طریق تغییر در مرزهای زوجینی موجب ناکارآمدی خانواده شده و آن را دچار اختلال می‌کند. این فضا به دلیل ماهیت آن با درنوردیدن مرزهای سیاسی و جرافیایی و گاه مرزهای فرهنگی، بر تمام ابعاد زندگی بشر از جمله مرزهای خانواده اثر گذاشته و به‌ویژه در سال‌های اخیر آسیب جدی به این نهاد اجتماعی کوچک و درعین حال ارزشمند وارد کرده است. در واقع قدرت فضای مجازی که برای بالابردن روابط اجتماعی برون خانوادگی اثبات شده، آنجا که موضوع سنجش روابط همسران است می‌تواند به جایگزین نامطلوبی برای روابط ضروری همسران تبدیل شود (موریسون و کراگان، ۲۰۰۱، ص ۱۵۵). روابط مجازی و تماس‌های مداوم فرد با یک شخص خاص در فضای مجازی یا تماس‌های مکرر با افراد متعدد در این فضا موجب تغییراتی در زندگی روزمره فرد متأهل درگیر در رابطه چون بی‌تفاوتی به وظایف روزانه زندگی، میل به تنهایی، تغییر در عادات خواب، تغییرات شخصیتی، پنهان‌کاری، بی‌میلی نسبت به رابطه جنسی و بی‌تفاوتی نسبت

به فعالیت‌های مشترک خانوادگی معمول می‌شود (یانگ^۱ و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۶۱). چنین فعالیت‌هایی به نوعی شکستن مرزهای رابطه و زیرپا گذاشتن پیوند زوجین محسوب می‌شود که ممکن است عرصه روابط جنسی فرد و عاطفی وی و یا هر دو را درگیر ساخته و به همین نسبت پیوندهای جنسی و عاطفی فرد در خانواده را متأثر سازد. بنابراین تعاملات فرازنشویی در فضای مجازی از طریق تغییر رفتار فرد در دنیای واقعی تأثیر گذاشته و در نتیجه پیوندهای نامناسب زوجین بر کارآمدی خانواده اثر منفی می‌گذارد.

منابع

- ابراهیم‌پور کومله، سمیرا و خزایی، کامیان (۱۳۹۱)، «آسیب‌های نوپدید شبکه‌های اجتماعی در کمین خانواده ایرانی»، *نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید*، تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ص ۱-۱۴.
- انصاری، عارفه (۱۳۹۲)، رابطه کیفیت مرزهای (درونی و بیرونی) خانواده با نوع هویت و سلامت روان نوجوان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده*، دانشگاه علامه طباطبائی علیه‌السلام، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- بارکر، فیلیپ (۱۹۸۹)، *خانواده درمانی پایه*، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، ۱۳۹۷، تهران: رشد.
- بختیاری، آمنه (۱۳۹۹)، *فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و تغییرات سبک زندگی خانواده*، دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی.
- بخشی‌پور، باب‌الله؛ اسدی، مسعود؛ کیانی، احمدرضا؛ شیرعلی‌پور، اصغر و احمددوست، حسین (۱۳۹۱)، «رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی* س ۱۳، ش ۲، پیاپی ۴۸، ص ۱۰-۱۹.
- بزرگواری، رسول (۱۳۸۸)، واگذاری چپستی اخلاق در شهر الکترونیکی، *دومین کنفرانس بین‌المللی شهر الکترونیک*.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۰)، «مقایسه ویژگی‌های خانواده سالم و ناسالم»، *نشریه پیوند*، ش ۳۸۸، ص ۷-۱۱.
- پاک‌خصال، اعظم؛ سیف‌الهی، سیف‌اله و میرزایی، خلیل (۱۳۹۸)، «مطالعه کیفی روابط همسران و پیامدای منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در شهر تهران»، *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۷ (پیاپی ۱۲)، ص ۴۸-۶۱.

- پناهی، محمدحسین و تبریزی، منصوره (۱۳۹۵)، «مصرف اینترنت و اثر آن در روابط همسران»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، س ۵، ش ۷۲، ص ۳۴-۷۰.
- حمیدی، فریده (۱۳۸۳)، «تأثیر ساخت خانواده بر فرار دختران»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۲، س ۳، ص ۱۵۹-۱۷۹.
- ذوالفقاری، سمیه و بابایی، فاطمه (۱۴۰۱)، مروری بر آسیب‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر روابط زوجین، *اولین همایش ملی روان‌شناسی و کیفیت زندگی*، شیراز.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام و مکتب ساخت‌نگر»، *مجله حوزه و دانشگاه*، ش ۳۱، ص ۱۲۶-۱۵۲.
- شاهسوار، محبوبه و کجویی، فرزانه (۱۳۹۸)، «پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس مرزهای بیرونی خانواده و خردمندی زوجین»، س ۲، ش ۳، ص ۳۵-۵۴.
- شاهوران فرد، سعیده (۱۳۹۴)، «مرزهای ایمن، حفظ مرزها در خانواده‌های سالم»، *رشد آموزش مشاور مدرسه*، ش ۴۰، ص ۵۷-۶۱.
- صفورائی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «اثر بخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده»، *معرفت اخلاقی*، س ۱، ش ۱، ص ۹۱-۱۱۸.
- صفورائی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۲)، «شاخص‌های کارآمدی خانواده»، *پژوهشنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، س ۱، ش ۱، ص ۲۹-۵۸.
- فرحبخش، کیومرث و خبازی رواندی، محمدرضا (۱۳۹۵)، *شبکه‌های مجازی و خانواده*، تهران: مرسل.
- فصاحت، رمضان علی (۱۳۹۱)، بررسی شاخص‌های کارآمدی خانواده در الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، واحد قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلچین، مسعود؛ سخایی، ایوب و افشانی، علیرضا (۱۳۹۱)، «مطالعه میزان و نوع استفاده از شبکه‌های فارسی زبان و مناسبات خانوادگی در بین شهروندان تهرانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، س ۴، ش ۵۶، ص ۸۳-۱۱۸.
- گلچین، مسعود؛ سخایی، ایوب و افشانی، علیرضا (۱۳۹۱)، «مطالعه میزان و نوع استفاده از شبکه‌های فارسی زبان و مناسبات خانوادگی در بین شهروندان تهرانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، س ۴، ش ۵۶، ص ۸۳-۱۱۸.
- گلدنبرگ، هربرت و گلدنبرگ، آیرین (۲۰۰۳)، *خانواده درمانی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۹۸)، تهران: رسا.

- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۲۰۰۳)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن چاوشیان، (۱۴۰۱)، تهران: نی.
- محکم‌کار، ایمان؛ حلاج، محمد مهدی (۱۳۹۳)، «فضای مجازی، ابعاد، ویژگی‌ها و کارکردهای آن در عرصه هویت با محوریت شبکه‌های اجتماعی مجازی»، **معرفت**، س ۳، ش ۲۰۱، ص ۶۳-۸۲.
- مظفری‌نیا، سهراب و قاسمی‌پور، مریم (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی در شهر ایلام»، **فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام**، د ۱۸، ش ۵۶ و ۵۷، ص ۱۷۱-۱۹۱.
- مینوچین، سالوادور (۱۹۷۴)، **خانواده و خانواده درمانی**، ترجمه باقر ثنایی (۱۴۰۱)، تهران: بین‌الملل.
- نیکولز، مایکل و شوارتز، ریچارد سی (۲۰۰۶)، **خانواده درمانی**، ترجمه محسن دهقانی، آناهیتا گنجوی، سمیه محمدی و فرزانه نجاریان (۱۴۰۱)، تهران: رشد.
- هوشیاری، جعفر (۱۴۰۰)، **مرزهای خانواده در اسلام و روان‌شناسی**، قم: مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه.
- هوشیاری، جعفر؛ تقیان، حسن و صفورائی، محمد مهدی (۱۳۹۵)، «هنجاریابی مجدد پرسشنامه سنجش کارآمدی خانواده با استفاده از نظریه پرسش - پاسخ»، **فصلنامه علمی، پژوهش مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، س ۱۰، ش ۱۹، ص ۹۹-۱۱۷.
- هوشیاری، جعفر؛ صفورائی، محمد مهدی؛ جزایری، سیدحمید و تقیان، حسن (۱۳۹۹)، تبیین مرزهای خانواده بر اساس قرآن کریم و ساخت پرسشنامه سنجش آن، **پایان‌نامه دکتری تخصصی**، قم: مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه.
- Abbasi, Saeed Irum & Alghamdi, G. Nawal (2017), When Flirting Turns Into Infidelity: The Facebook Dilemma, *The American Journal of Family Therapy*, Volume 45, P 1-14.
- Barghi Irani ,Ziba & Rezaei ,Tahereh. (2017), The effects of social networking on marital relationships and couples quality of life (Case study: Couples of social networking members in Shiraz), *Journal of Social Sciences and Humanities Research*, 7 (2), 54-60.
- Carter, Zackery A. (2019) , Facebook Cyberinfidelity and the Online Disinhibition Effect: The Phenomenon of Unconscious Marital Detachment and Extramarital Attachment, *Journal of Psychology & Christianity* Spring2019, 38 (1), 47-56.

- Coyne, S. M. & Busby, D. & Bushman, B. J. & Gentile, D. a. & Ridge, R. , & Stockdale, L (2012), Gaming in the game of love: Effects of video games on conflict in Couples, *Family Relations*, 61, 388–396.
- Elizur, J & Minuchin, c. (1990), *Institutionalizing Madness: Families, Therapy and Society, Hardcover, Basic Books*; 1st edition (December 21, 1989).
- Hampton. K. N. & Wellman. B (2003), Neighboring in Neville: How the Internet Supports Community and Social Capital in a Wired Suburb. City and Community, 1: forthcoming. Intersection of Users' Personality and Social Media Use. *Computers in Human Behavior*. 26. 247–253.
- Hertleine, K, M. & Ancheta, K. (2014), Advantages and disadvantages of technology in relationship, *The qualitative report*, 19. (22)
- Kaya M. M. & Sakiroglu M. (2023), Factors Affecting Online Infidelity: A Review, *Psikiyatri Guncel Yaklasimler – Current Approaches in Psychiatry*, 15(1):29-37.
- Kerkhof, P & Finkenauer, C & Muusses, L. D. (2005), Relational consequences of compulsive internet Use: A longitudinal study among newlyweds, *Human Communication Research*. 37(2), 147–173.
- Kraut, R & Kiesler, S & Boneva, B & Cummings, onathon & Helgeson, V & Crawford, A. (2002), Internet paradox revisited. *Journal of Social Issues*. Volume 58, Issue 1, pages 49–74
- Liu, Y. , Yue, C. , & Zheng, L. (2020), Influence of Online Sexual Activity (OSA) Perceptions on OSA Experiences among Individuals in Committed Relationships: Perceived Risk and Perceived Infidelity, *Sexual and Relationship Therapy*, 35, 162-177.
- Manning, J. (2006), The Impact of Internet Pornography on Marriage and the Family: A Review of the Research, *Sexual Addiction & Compulsivity*, 13,131–165.

- Morrison, M & Krugan, D, M. (2001), A look at mass computer mediated technologies. *Journal of broadcasting and electronic media*, Winter 2001.
- Neustaedter, C. , & Greenberg, S. (2012), *Intimacy in long-distance relationships over video chat*, In Proceed-ings of CHI, ACM, New York, NY.
- Octaviana, B, N & Juneman, A. (2018), Tolerance for Emotional Internet Infidelity and Its Correlate With Relationship Flourishing Internationa, *Journal of Electrical and Computer Engineering (IJECE)*, 8(5), 3158-3168.
- Oni-Buraimoh, O & Adeyelu-Macaulay, C. (2018), Investigating the Language of Sexting on the Social Media and Its Impact on Spousal Relationships in Nigeria, *Sexuality & Culture*, 22, 391–404.
- Sharabi, L. L. & Uhlich, M. & Alexopoulos, C. & Timmermans, E (2021), Exploring Links between Online Infidelity, Mate Poaching Intentions, and the Likelihood of Meeting Offline, *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 24, 450-456.
- Suler, J. (2008), The Psychology of cyber spsce. Department of psychology, Sience of technology Center Rideruniversity. <http://users.ride.edu>.
- Szymanski, David M. & Stewart-Richardson & Destin N. (2014), Psychological, Relational, and Sexual Correlates of Pornography Use on Young Adult Heterosexual Men in Romantic Relationships (2014), *The journal of the men's studies*, VOL. 22, NO. 1, 64-82.
- Wellman. B & Quan-Haase. A & Boase. J. Chen & W. Hampton. K & Isla de Diaz. I & Miyato. K. (2003), The social affordances of the internet for networked individualism, *Journal of Computer Mediated Communication*. 8(3).
- Wysocki, D, K & Childers, C, D. (2011), “Let My Fingers Do the Talking”: *Sexting and Infidelity in Cyberspace, Sexuality & Culture*, 15, 217–239.
- Yong, K, S & Cooper, A & Griffiths-Shelley, E & O'Mara, J. & Buchanan, J. (2000), Cybersex and infidelity online: Implications for evaluation and treatment, *Sexual Addiction and Compulsivity*, 7(10), 59-74.

- Young, K. S. & Griffin-Shelley, E. & Cooper, A. & O'Mara, J. & Buchanan, J. (2000), Online Infidelity: A New Dimension in Couple Relationships with Implications for Evaluation and Treatment, *Sexual Addiction & Compulsivity*, 7, 59-74.

Contents

Conceptualization of the death awareness and extraction of its components based on Islamic sources.....	7
Fatemeh Kargar / Mohammad Sadeq Shujaie	
Designing and developing a survey scale for marital infidelity based on Islamic thought (primary scale).....	37
Mohammad Zarei Tubkhana / Razia Jafari/ Ali Zuhairi Hashem Abadi / Hadith Chiragian	
Effectiveness of positive psychotherapy on emotional capital of women with marital conflicts.....	65
Mohammad Ziaee / Mansoureh Zarean / Ali Tavakole	
Comparing the level of Happiness of Parents with One or More Children.....	81
Ali Bayat	
The role of the dark triad in the dimensions of religious coping mediated by the God Image.....	95
Mojtaba Karami / Mohammad Taghi Tabik / Mohammad Reza Hasanzade Tavakoli	
The mediating role of the Spousal boundaries Relations between cyber space and Family efficiency.....	121
Fatemeh Shirchi /Fatemeh Mohsenzadeh	

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research
Two Quarterly Journal of Psychology

Vol.9, No. 19
Spring & Summer 2023

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Executive Secretary: Amir Erfani Nejad

Editorial Board

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi: *IKI*

Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*

Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*

Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

www.ipr.ueae.ir

pajooresh.ueae@gmail.com

فرم اشتراک دو فصلنامه

مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: نام:
میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس و کد پستی:
صندوق پستی: تلفن:

امضای متقاضی

مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: واحد درخواست کننده:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس:
کد پستی: صندوق پستی:
تلفن: دورنگار:

امضای مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، به نام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را به وسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالانه برای دانشجویان: ۸۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۴۰۰.۰۰۰ ریال
حق اشتراک سالانه برای عموم: ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۵۰۰.۰۰۰ ریال